

دانشگاه جامع علمی کاربردی فارس با همکاری مرکز نی ریزمسابقه کتاب خوانی
ویژه کارکنان و اساتید مراکز برگزار می نماید

السیبیت، دیسمبر ۱۵، ۲۰۱۸
۱۵:۱۸





اخلاق فردی، اجتماعی و اداری



معاونت پژوهشی و آموزشی

دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی

اخلاق فردی، اجتماعی و اداری

تدوین: محمود شهرابی فراهانی

زیر نظر: حجت الاسلام والمسلمین سید جواد موسوی هوایی

با همکاری: داوود میرزایی مقدم و سید احمد میر دامادی

ناشر: معاونت پژوهشی و آموزشی

نوبت انتشار: اول - ۱۳۸۸

حق نشر برای معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی محفوظ است.

تهران، خیابان ولی‌عصر (عج)، خیابان زرتشت غربی، شماره ۲، تلفن: ۸۸۹۶۲۳۰

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.pajouhe.ir

o

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
	بخش اول : اخلاق فردی
۱۶	درس اول : اخلاق
۱۸	معنای اخلاق
۲۱	اهمیت بحثهای اخلاقی
۲۴	هدف از علم اخلاق
۱۷	چکیده و سؤالات درس
۲۸	درس دوم : رابطه انسان با خدا
۳۰	دیدگاه اسلام درباره وجود انسان
۳۴	نقش اراده در شکل گیری اخلاق
۳۵	ریشه پابندی به فضائل اخلاقی
۴۲	چکیده و سؤالات درس
۴۳	درس سوم : رابطه انسان با خویشتن
۴۵	خودشناسی
۴۷	ضرورت خودشناسی
۴۹	نظریه های حکمای اسلامی
۵۲	خودشناسی در مکتب عرفان
۵۵	چکیده و سؤالات درس
۵۶	درس چهارم : رابطه انسان با خانواده ۱
۵۸	اخلاق در خانواده
۵۸	فضائل اخلاقی
۷۳	چکیده و سؤالات درس

۷۴	درس پنجم : رابطه انسان با خانواده ۲
۷۶	رذایل اخلاقی
۸۴	چکیده و سئوالات درس
۸۵	پاسخ سئوالات تستی فصل اول
	بخش دوم : اخلاق اجتماعی
۸۸	درس ششم : رابطه انسان با نیازمندان
۹۰	احسان و نیکوکاری ...
۹۵	چکیده و سئوالات درس
۹۶	درس هفتم : رابطه انسان با خویشاوندان ۱
۹۸	عدل و انصاف
۱۰۰	موانع عدالت ورزی
۱۰۱	آثار عدل
۱۰۴	چکیده و سئوالات درس
۱۰۵	درس هشتم : رابطه انسان با خویشاوندان ۲
۱۰۷	امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۱	عفو و گذشت
۱۱۵	چکیده و سئوالات درس
۱۱۶	درس نهم : رابطه انسان با دوستان
۱۱۸	اهمیت و جایگاه معاشرت
۱۱۹	معیار معاشرت
۱۱۹	اهمیت و جایگاه دوستی
۱۲۰	ویژگی دوست خوب
۱۲۵	چکیده و سئوالات درس

۱۲۶	پاسخ سؤالات تستی فصل دوم
	بخش سوم : اخلاق اداری
۱۲۹	درس دهم : اخلاق کار
۱۳۱	جایگاه کار و تلاش در اسلام
۱۳۳	نقش نیت در ارزشمندی کار
۱۳۴	اخلاق و معیشت
۱۳۶	وجدان کاری
۱۴۰	چکیده و سؤالات درس
۱۴۱	درس یازدهم : وظایف کارمند در برابر همکاران
۱۴۳	واژه شناسی کارمند
۱۴۴	وظایف کارمند در برابر همکاران
۱۵۱	چکیده و سؤالات درس
۱۵۲	درس دوازدهم : وظایف کارمند نسبت به زیردستان
۱۵۴	الگو بودن
۱۵۵	تقسیم کار
۱۵۷	انتقادپذیری
۱۵۸	پرهیز از تبعیض
۱۵۹	تغافل
۱۶۲	چکیده و سؤالات درس
۱۶۳	درس سیزدهم: وظایف کارمند در برابر مردم و خود
۱۶۵	برخورد کریمانه
۱۶۶	فروتنی
۱۶۷	گره گشایی

۱۶۸	مدارا
۱۷۰	وظایف کارمند در برابر خود
۱۷۲	چکیده و سئوالات درس
۱۷۳	پاسخ سئوالات تستی فصل سوم

مقدمه:

پژوهش‌های کارشناسان نشان می‌دهد، آموزش مداوم کارکنان، تأثیر قابل توجهی بر ارتقاء دانش، روزآمدی اطلاعات و ایجاد انگیزه در آنان برای ادامه‌ی فعالیت‌های محوله دارد. پژوهشگران و اساتید علم مدیریت معتقدند «سازمان‌های یادگیرنده» در عصر ارتباطات و اطلاعات باقی مانده و سازمان‌هایی که دچار روزمره‌گی می‌شوند محکوم به نابودی هستند. «آموزش هیچ‌گاه هزینه نیست» و استمرار آن باعث پیدایش و ماندگاری نگرش‌های مثبت و سازنده در کارکنان می‌شود. این نکته را نیز باید متذکر شد که آموزش عزیزانی که در نظام مقدس جمهوری اسلامی کار می‌کنند موجب استحکام اعتقادات و صحت اخلاق و رفتار آنان شده و تأثیرات مثبتی بر نقش آنان در خانواده‌های‌شان نیز خواهد داشت.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در سال ۱۳۸۲ با صدور بخشنامه‌ی شماره‌ی ۱۸۰۳/۹۶۳۵۸، مجوز برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگی اجتماعی کارکنان دولت را در موضوعات اندیشه‌ی سیاسی در اسلام، احکام و مسایل فقهی، اخلاق اداری و مناسبات انسانی، ترویج و توسعه‌ی فرهنگ نماز و شناخت نسبت علم و دین برای سازمان تبلیغات اسلامی صادر نمود. کتاب‌های تدوین و منتشر شده توسط سازمان تبلیغات اسلامی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ سه بار، ویرایش و در اختیار جامعه‌ی هدف قرار گرفت.

در سال ۱۳۸۸ با همکاری و مشورت ستاد اقامه‌ی نماز، بار دیگر در سرفصل‌ها و محتوای آموزشی دوره‌ها تجدید نظر شد و نتیجه بر اساس بخشنامه‌ی شماره‌ی ۲۰۰/۱/۳۰۴۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۳/۳۱ معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی ریاست جمهوری به سراسر کشور جهت اجرا ابلاغ گردید. این بار دوره‌های آموزشی با عنایت به دوره‌های جدید که در جدول زیر آمده به ۱۹۲ ساعت رسید و بلافاصله عملیات تولید محتوای آن‌ها آغاز گردید.

عناوین	تعداد ساعت
تفسیر آیات برگزیده	۲۸ ساعت
احکام زندگی در اسلام	۲۰ ساعت
اخلاق فردی، اجتماعی و اداری	۲۰ ساعت
آشنایی با اندیشه و سیره‌ی امام خمینی(ره)	۲۰ ساعت
پرسش‌ها و پاسخ‌های اعتقادی	۲۸ ساعت
حکومت مهدوی و وظایف منتظران	۲۰ ساعت
آداب و اسرار نماز	۲۸ ساعت
روخوانی و روانخوانی قرآن کریم	۲۸ ساعت

کتابی که اینک پیش رو دارید ویراست اول یکی از عناوین هشت‌گانه‌ی فوق است. امیدواریم مورد استفاده قرار گرفته، پیشنهادها و نظرات اصلاحی خود را جهت تقویت علمی متون کتاب‌ها، رفع نواقص احتمالی و بالندگی هرچه بیشتر این فعالیت، از طریق راه‌های ارتباطی ذکر شده در پایان کتاب به معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی ارسال فرمایید. در خاتمه از آغازگران این طرح فرهنگی دینی؛ جناب آقای دکتر سیدعلیرضا فروغی و مهندس عسگری، تشکر کرده و از پیگیری‌ها و تلاش مجدانه جناب آقای دکتر داود میرزائی مقدم و همکاران ایشان در دفتر برنامه‌ریزی و توسعه‌ی آموزش عالی سازمان تبلیغات اسلامی در سفارش، تهیه و تدوین کتب مورد نظر، قدردانی می‌نمایم. توفیق همه‌ی خدمت‌گزاران به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

و ما توفیقی الا بالله

سیدجواد موسوی هوایی

معاون پژوهشی و آموزشی سازمان

تبلیغات اسلامی

مقدمه:

همه انسانها، مهمترین آرمان و انگیزه خود را از زندگی، حصول کامیابی و سعادت می‌پندارند و بر اساس دریافتهای ذهنی خویش از این معانومفهوم، مسیر حیات و زیست خویش را تعیین می‌نمایند. فهم و درک و شناخت هر فرد نسبت به چیستی خوشبختی و سعادت، توجیه گرچگونگی رسیدن به آن می‌باشد و بر همین اساس، چارچوب و ایدئولوژی که وی برای خود برمی‌گزیند برونادهای اخلاقی او را رقم می‌زنند. امیدواری یا ناامیدی، نشاط یا افسردگی، تلاش و کوشش یا تنبلی و سستی و گزینه‌هایی که در دایره عناصرومباحث اخلاقی قرار می‌گیرند همه و همه تحت تأثیر همان بن‌مایه و چارچوبی است که فرد از لحاظ فکری و عقیدتی برای خود برمی‌گزیند.

برخی از افراد، باری به هرجهت زندگی می‌کنند که شاید بتوان آنها را در زمره انسانهای التقاطی و یا نان به نرخ روز خور نیز دسته‌بندی نمود. درمقابل اما کسانی هستند که پیرومکتب، ایدئولوژی و یا بنیان فکری مشخصی بوده و خود را ملزم به پیروی از آن می‌دانند. بنابراین، رهروان مکاتب فکری وادیان قدسی و

یا غیرقدسی را می توان از لحاظ اخلاقی و منش فکری و براساس آموزه های نظری و عملی آیین متبوع آنان بازشناخت.

قرآن کریم بعنوان آخرین کتاب وحی، کامیابی و سعادت و چگونگی دستیابی به آنرا قانونمند دانسته و قالبهای اخلاقی و تربیتی خاصی را درجهت نیل به این مقصود در معرض نظریروان این مکتب آسمانی قرار داده است. همچنانکه اهل بیت «علیهم السلام» که مفسرین حقیقی قرآن کریم محسوب می شوند روش و سیره عملی منطبق با قوانین و مبانی تبیین شده در قرآن کریم را ارائه نموده اند. نوشتار حاضر برآن است تا رویکرد اخلاقی قرآن کریم را که در قالب آیات نورانی این کتاب مقدس بیان شده است و نیز برخی از روشها و رفتارهای عملی اهل بیت «علیهم السلام» را در مرئی و منظر خوانندگان محترم قرار دهد.

در پایان باتوجه به اهمیت فوق العاده این بحث در هدایت افراد جامعه و تأثیر شگرف آن در شکوفایی اخلاقی و تربیتی جامعه اسلامی و حتی سایر جوامع انسانی، امید آن می رود تا همه محققان علوم انسانی به ویژه دانش پژوهان علوم تربیتی و جامعه شناسی با انجام تحقیق و کنکاشی عمیقتر و اصولی تر نسبت به موضوع مورد بحث، با استفاده و استناد به آیات نورانی کلام ... مجید و کلام گهربار ائمه اطهار (علیهم السلام)، دامنه فراگیر این مباحث را در سطح جامعه گسترده نموده و حرکتی فزاینده و روبه رشد را درجهت نیل به اهداف عالیه دینی در زمینه اخلاق و روشهای تربیتی رقم زنند.

بخش اول

اخلاق فردی

درس اول

اخلاق

سئوالات اساسی درس :

- ۱- معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی اخلاق چیست ؟
- ۲ - منابع اخلاق اسلامی کدامند؟

معنای لغوی اخلاق:

اخلاق، به معنای خوی ها و جمع خلق است؛ خلق نیز به معنای عادت، رویه و سبجه آمده است.^۱

همچنین خُلق، سیمای باطنی و هیأت نفسانی است که به موجب آن، افعال نیک و بد، برحسب اختیار و بدون تکلف از انسان صادر می شود.

راغب اصفهانی می گوید: اخلاق، جمع خُلق به معنای سیرت و صورت باطنی است.^۲ توجه به این نکته ضروری است که معنای لغوی اخلاق، اختصاصی به صفات نیکو و پسندیده نداشته، شامل صفات بد و ناپسند نیز میشود.

معنای اصطلاحی اخلاق:

اخلاق به دسته ای از صفات انسانی اطلاق میشود که در نفس انسان، راسخ و پایدار میباشند و شخص واجد چنین صفاتی، کارهایی مطابق و متناسب با این صفات را بدون تأمل و تفکر انجام می دهد.

^۱ - فرهنگ عمید - انتشارات امیر کبیر

^۲ - مفردات - ص ۱۵۹

البته برخی از علما و دانشمندان، اخلاق را از دو منظر قابل بررسی میدانند: ۱- صفات نفسانی پایدار که این تعریف، مرادف با معنای لغوی آن است. ۲- در اصطلاح دوم، اخلاق به هر صفتی، خواه، پایدار و خواه غیر پایدار که منشأ کارهای پسندیده و نیکو یا کارهای بد و ناپسند در انسان می گردد اطلاق می شود، چنانکه حتی به کار ناپسند نیز کار اخلاقی گفته می شود. اکثر دانشمندان علم اخلاق اما بر وجه پایدار بودن صفت در نفس، تأکید داشته و افعال انسان را متبادراز آن صفات می دانند که به صورت خودجوش وبدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر می گردد. مصادر تعریف علم اخلاق عبارتند از: ۱- علم اخلاق با تکیه بر علم و شناخت ۲- علم اخلاق با تکیه بر عمل و رفتار اخلاقی. خواجه نصیرالدین می گوید: علم اخلاق، علمی است که نفس انسان، چگونه خُلُق اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او صادر می شود جمیل و محمود بود.^۱ تأکید خواجه نصیرالدین طوسی، بیشتر بر جنبه معرفتی و اکتسابی اخلاق بوده و اطلاق عمل اخلاق را تنها در حیطه افعال پسندیده و نیکو می داند؛ اما برخی از علما بیشتر بر جنبه عملی آن تأکید دارند چنانکه مصباح یزدی گوید: علم اخلاق، بدین مهم توجه دارد که عمل آدمی برای آنکه کامل باشد و خیر را تحقق بخشد چگونه باید باشد.^۲ ملا احمد نراقی نیز می گوید: «خُلُق، عبارتست از ملکه ای نفسانی که مقتضی صدور افعال، به راحتی و بدون نیاز به فکر و اندیشه باشد»^۳ مقصود از ملکه در

^۱ - اخلاق ناصری - ص ۱۴

^۲ - فلسفه اخلاق - ص ۱۸

^۳ - جامع السعادت - قم - اسماعیلیان - ج ۱ - ص ۲۲

اینجا کیفیتی است درونی که به سادگی از بین نمی رود. در علم اخلاق، ضمن شناخت خوبیها و بدیها، راههای کسب خوبیها و دفع بدیها نیز مطرح است. در واقع، علاوه بر بعد شناختی و معرفتی، بعد عملی و رفتاری نیز مورد توجه قرار داده شده است. براین اساس نیز اخلاق را می توان رفتار یا خصوصیتی دانست که در حوزه آگاهی و اراده‌ی ما قرار می گیرد چنانکه غزالی می گوید: «خُلُق، عبارتست از حالتی پایدار در نهاد انسان که از آن، افعال به آسانی و بدون نیاز به اندیشه و تأمل، صادر می گردد.»^۱ و در اینصورت اگر حالت پایدار نفس، مبتنی بر نیکی باشد از فرد، رفتاری شایسته و نیک سر می زند و اگر آن حالت ملکه و پایدار، بدباشد، گفته می شود که شخص دارای سوء اخلاق است.

همانگونه که پیش از این نیز گفته شد برخی، اخلاق را تنها به معنای ارزشها و خصوصیات خوب و مثبت به کار می برند و به تعبیر دیگر، اخلاقی را شامل افعال خوب و نیک و غیر اخلاقی را در برگیرنده افعال و اعمال ناپسند، تلقی می نمایند. براین اساس و در دو محور کلی، اخلاق، دربر گیرنده همه افعال آدمی چه خوب و چه بد است و در محوری دیگر، اخلاقی فقط شامل افعال و اعمال نیک می باشد. بنابر این می بینیم که در معنای دوم، نوعی داوری و حکمیت وجود دارد در حالیکه در معنای اول، همه صفات پایدار انسانی را در حوزه اخلاق بر می شمیریم و هیچ نوع داوری در خصوص آنها نخواهیم داشت. بر اساس معنای دوم، ویژگیهای خوب را با عنوان فضائل و صفات بد را تحت عنوان رذائل نام می بریم. بنابر این با نگرشی کلی معانی واژه اخلاق شامل سه محور خواهد بود: الف- ویژگی پایدار نفسانی ب- صفت نفسانی ارادی ج- خصوصیت ارادی پسندیده.

۱- ابو حامد محمد غزالی - احیاء علوم الدین، بیروت - دارالارقم - ۱۹۹۸ - ج ۳ - ص ۶۷

اخلاق، همزاد زندگی و سرشت بشر است. در هر جامعه ای می توان جای پای اخلاق را مشاهده کرد. اساساً تحقق هر جامعه و رشد و شکوفایی آن منوط به تن دادن به قواعد رفتاری خاصی است که پاره ای از آنها به عنوان اخلاق شناخته می شوند.

بحث در حیطه مباحث اخلاقی را از منظر علمی در شاخه حکمت عملی می توان بررسی نمود. «حکمت عملی عبارتست از علم به اینکه افعال بشر چگونه و به چه منوال خوب است و باید باشد و چگونه و بر چه منوال بداست ونباید باشد. در واقع حکمت عملی از «باید»ها و «شاید» و «نشاید» ها سخن می گوید. حکمت عملی یعنی علم به تکالیف ووظایف انسان»^۱.

اهمیت بحثهای اخلاقی:

موضوع اخلاق از مهمترین مباحث قرآنی است. و از یک نظر، مهمترین هدف انبیای الهی را تشکیل می دهد. زیرا بدون اخلاق، نه زندگی معنوی و قدسی بشر مفهوم می یابد و نه زندگی مادی و اجتماعی آنان سامان می پذیرد. همانگونه که گفته اند: **قومی که گشت فاقد اخلاق؛ مردنی است.** قرآن کریم در آیات بسیاری، موضوع تزکیه نفس که همانا زدودن رذائل اخلاقی و کسب فضائل است را مورد اشاره و تأکید قرار داده است که به برخی از این آیات اشاره می گردد:

هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (سوره جمعه، آیه ۲) «اوست خدایی که در میان عرب امی، رسولی از میان خودشان برانگیخت که بر آنان آیات الهی را تلاوت می نماید و آنها را از اخلاق زشت و جهالت می رهاند»

^۱ - مرتضی مطهری - آشنایی با علوم اسلامی - ج ۲ - ص ۳۵۰

- لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم اياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب والحكمه (آل عمران، ۱۶۴)
 - كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم اياتنا و يزكيكم و يعلمكم الكتاب و الحكمه (بقره، ۱۵)
 - ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم اياتك و يعلمهم الكتاب والحكمه و يزكيهم.(بقره، ۱۲۹)
 - قد افلح من زكياها وقد خاب من دسيها(شمس، ۹و ۱۰) « همانا هر کس، نفس خود را از گناه و ناپاکی، منزّه سازد در دو جهان ، رستگار خواهد شد.»
 - قد افلح من تزكى(اعلى، ۱۴) « حقاً فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس نمود.»
- همانگونه که از محتوا و ترجمه آیات بر می آید، هدف اصلی بعثت انبیاء عظام و خاصه رسول گرامی اسلام (ص)، تزکیه نفوس و تربیت انسانها و پرورش اخلاق حسنه بوده است. و این خود، هدف علم اخلاق را تشکیل می دهد. نکته دیگر آن است که نه تنها تعلیم، مقدمه و مقوم تربیت است بلکه فضائل اخلاقی نیز متقابلا بر رشد علمی فرد، تاثیر گذار است چرا که انسان با گذشتن از رذائلی چون: لجاجت، کبر و تعصب کور کورانه است که می تواند حقیقت علم را دریابد. این تأکیدات پی در پی و بی نظیر کلام الهی، دلیل روشنی است بر اهمیتی که خداوند برای پرورش اخلاق و تزکیه نفوس، قائل است. و گویی همه ارزشها را در این ارزش بزرگ خلاصه می کند.
- آری! تکامل اخلاقی فرد و جامعه، مهمترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می کنند و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با هرگونه مفسده و ناهنجاری در سطح جامعه، رشد فضائل اخلاقی است.

این موضوع یعنی اهمیت مباحث اخلاقی در روایات پیشوایان معصوم(علیهم السلام) و سیره و روش آنان نیز کاملاً مشهود است. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۱ تعبیر به «انما» که برای حصر است نشان می دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر اکرم(ص) در تکامل اخلاقی انسانها خلاصه می شود.

در حدیثی از امیرمؤمنان نقل شده است که: «اگر ما امید وایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ

نمی داشتیم شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.»^۲ این حدیث بخوبی نشان می دهد که فضائل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی یابد. تجربه تاریخ، نشاندهنده آن است که کاربرد اخلاق در زمینه رشد و تعالی ملتها بیش از عقاید و احکام بوده است و در سوی مقابل نیز، نقش ویرانگر سوء اخلاق اجتماعی در از بین بردن و اضمحلال تمدنها و انسانها بسی مؤثرتر از کاربرد عقائد و احکام بوده است. گاهی ملت‌هایی در اوج تمدن بودند ولی وقتی زمینه های فساد اخلاقی فراهم شد، افول و سقوط آن ملت و تمدن فرا می رسد. نمونه بارز این مدعا، تمدن اندلس بود که در اثر فساد اخلاقی، مضمحل گشت. اگر برترین وصف ستایش آمیز قرآن مجید از اخلاق پیامبر (ص) «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۳ مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد نیازی به درازه گویی بیشتر در خصوص میزان اهمیت اخلاق از منظر اسلام نخواهد بود.

^۱ - بحار الانوار - ج ۶۷ - ص ۶۵

^۲ - مستدرک الوسائل - ج ۲ - ص ۲۸۳

هدف از علم اخلاق:

آدمی دوست دارد که امروز او بهتر از دیروز باشد. مایل است که بهترین را در اختیار داشته باشد و بالاترین مدارج و کمالات و عالی ترین مقام و موقعیتها را کسب نماید. در زندگی کمبودی نداشته و همواره احساس خوشبختی نماید. این موضوع امری بدیهی و کاملاً آشکار است و هیچ انسانی منکر آن نیست که میل به تعالی و کمال دارد. هیچ فردی از دارایی و کمال و رشد بیزار نیست. این همان خصوصیتی است که دانشمندان اسلامی از آن به «فطرت کمال جوی» تعبیر می نمایند. ادیان و مکاتب بشری نیز هیچگاه در این خصوص (رسیدن به تعالی و کمال) اختلافی نداشته و یک در پی ارائه طریقی است که بوسیله آن بتوان پله های سعادت و خوشبختی را یکی پس از دیگری پیمود. اختلاف آنان در طریق و راه نیست بلکه تفاوت دیدگاههای ایشان در چستی سعادت و نیز روشی است که برای طی نمودن راه رسیدن به آن سعادت ارائه می دهند. همه ادیان و مکاتب، مدعی آنند که راهی را که معرفی کرده اند انسان را به خوشبختی واقعی می رساند اما اختلاف در این است که: چه راهی را باید طی کرد، چه کارهایی باید انجام داد و به کدام اخلاق باید روی آورد تا به ساحل آرامش و نجات دست یافت؟

در این میان، راه مطلوب و مقبول اسلام، در برگیرنده قرب و رضایت الهی است. چرا که در همه هستی، کسی جز خدا به عنوان حقیقت و کمال مطلق و فنا ناپذیر وجود ندارد. در نتیجه از نظر اسلام، انسان، زمانی به کمال حقیقی خود دست می یابد که به خدا نزدیک شود و این تقرب، تنها در گرو اطاعت از فرامین و دستورات الهی می باشد.

از منظر اسلام، علم اخلاق، آمده است که فضائل را بر نفس انسانها حاکم نماید و به عبارت دیگر نفس انسان را از آلوده شدن به رذائل مصون می دارد. بنابراین هدف از علم اخلاق در بعد عملی، پاکی نفس انسان است. علمای اخلاق برای

تزکیه، مراحل و مراتبی را قائل هستند که در بخشهای بعدی مورد اشاره قرار خواهد گرفت. بر این اساس، هدف از علم اخلاق را در بینش اسلامی می توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

- ۱- اخلاق، تعدیل کننده خواسته های انسان است.
- ۲- اخلاق، تقویت کننده و پرورش دهنده بعد معنوی است.
- ۳- اخلاق، ضامن اجرای قوانین ومقررات است.
- ۴- اخلاق، حافظ ایمان است.
- ۵- علم اخلاق، افراد بشر را از هرگونه عیب و نقصی منزّه و مبرا ساخته، او را به اوج مکارم اخلاقی می رساند.^۱
- ۶- علم اخلاق، نیروهای سرکش نفس انسان را مهار و رام نموده آنها را در مسیر حکمت و عدالت و عفت، تقویت می کند تا به پایه مکارم اخلاق برسند.^۲

ضرورت علم اخلاق:

سؤال اساسی در این زمینه آن است که: اخلاق و ایجاد عاداتهای پسندیده و نیک، در روح و نفس، چه ضرورتی دارد؟ استاد مطهری در این زمینه معتقد است که: «این خودش یک داستانی است مربوط به ساختمان بشر و آن اینکه بشر، گویی از لحاظ غریزه، ناقص آفریده شده است.» خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: «وَلَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»^۳ بدین معنا که با اینکه استعداد انسان از لحاظ ترقی و تکامل از هر حیوانی بیشتر است ولی از لحاظ غریزه و صفات اولیه طبیعی، که برایش لازم و ضروری است بسیار ضعیف و ناقص می

۱- الذریعه الی مکارم الشریعه- راغب اصفهانی- ص ۱

۲- همان

۳- نساء- ۲۸

باشد وگویی در خود طبیعت بشر، این استعداد را قرار داده است که برای خودش، آن روش تربیتی و آن خلقی که لازم است را انتخاب و اختیار کند؛ معلمان و مربیانی بیایند و این نقصی را که به نظر می رسد در طبیعت او هست تکمیل و تنقیح بکنند؛ جمله ای که رسول اکرم (ص) فرمود: بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، به همین معنی است، یعنی من آمده ام صفات اکتسابی را که بشر برای سعادت خودش لازم دارد تکمیل بکنم.

روحانیون اصطلاحی دارند که می گویند بعضی از قوانین، خود، نیازمند متمم و جعل قوانین دیگر است. در طبیعت آن قانون، این امکان وجود ندارد که در آن واحد، خود قانون با متممش یکجا جعل بشود، احتیاج به متمم الجعل است. این یک رمز فلسفی است و جز این، امکان ندارد. انسانیت انسان جز این مسیری ندارد که ابتدا انسان در طبیعت، آنطور ناقص آفریده شود. بعد دستگاههای تربیتی و اخلاقی بیایند و آن نقص و ضعف را برطرف بکنند و بشر به قدرت اندیشه و اراده خودش به کمال برسد؛ بنابراین انسان، احتیاج به یک سیستم اخلاقی دارد.^۱

۱- مرتضی مطهری- فلسفه اخلاق- ص ۲۷۴

چکیده:

● اخلاق به معنی خلق و خو و سنجیه و رویه است و در اصطلاح به دسته ای از صفات انسانی اطلاق می شود که در نفس انسان، راسخ و پایدار می باشند و انجام آنها بدون تأمل و تفکر و فی البداهه صورت می پذیرد .

اخلاق از یک منظر، مهمترین هدف بعثت انبیاء را تشکیل می دهد چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمودند: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق و در قرآن کریم نیز آمده است: قد افلح من تزکی:حق فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس نمود.

● هدف از علم اخلاق چه از دیدگاه ادیان الهی و چه از منظر مکاتب بشری. رسیدن انسان به تعالی و کمال است و اختلاف آنها در راهی است که بشر باید پیماید تا به کمال مطلوب برسد و نیز مهمترین تفاوت این دیدگاهها در چیستی سعادت و کمال است؛ چنانکه کمال مطلوب و مقبول اسلام، قرب و رضای الهی است.

سؤالات تشریحی:

۱. معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق را بنویسید؟ تعریف خواجه نصیرالدین طوسی از علم اخلاق چیست؟
۲. هدف از علم اخلاق را بطور مختصر بیان کنید .
۳. اهمیت بحثهای اخلاقی را بطور مختصر بیان کنید .
۴. ضرورت علم اخلاق را بنویسید .

سؤالات تستی:

۱. کدام گزینه صحیح نمی باشد؟
الف- اخلاق، تعدیل کننده خواسته های انسان است.
ب- اخلاق، حافظ ایمان است.
ج- اخلاق و قوانین و مقررات اجتماعی فاقد ارتباط می باشند.
۲. بر اساس تجربیات تاریخی کدامیک از گزینه های ذیل در تعالی ملتها نقش اساسی تری ایفاء نموده است؟
الف- عقاید و احکام ب- فضائل اخلاقی ج- قوانین و مقررات

درس دوم

رابطه انسان با خدا

سئوالات اساسی درس :

- ۱- خصوصیات اخلاقی انسان از منظر اسلام و قرآن کریم کدامند؟
- ۲- از نظر اسلام، اراده و تفکر آدمی چه نقشی در شکل گیری اخلاق دارد؟
- ۳- منشأ صدور فعل اخلاقی چیست؟

رابطه انسان و خدا

دیدگاه اسلام درباره وجود انسان:

خصوصیات مورد نظر اسلام که با فطرت آدمی عجین شده است عبارتند از: اندیشمندی، خود آگاهی، آزادی آفرینندگی، آرمان خواهی، معنی جویی، پرستش، زیبا شناسی و اخلاق. تمامی گزینه های مذکور، استعدادها و عناصر مرتبط با شالوده وجودی افراد بشر است که با خلقت او و فطرت او ملازمه اساسی برقرار می نماید. آنچه که به نام فطرت در اسلام مطرح می شود در همین خصوصیات مذکور جای می گیرد. فطرت یک هویت از پیش تعیین شده نیست بلکه مجموعه ادراکها و گرایشهایی است که انسان، امکان شکوفایی و بالفعل نمودن آنها را دارد. و تمام هدف دین نیز ظهور این استعدادها ست کما اینکه در قرآن کریم آمده است: «**فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله**»^۱ «پس روی به جانب آیین پاک و یکتا پرستی

۱- روم- ۳۰

(اسلام) آور و از دین خدا که فطرت خلق بر اساس آن آفریده شده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد»

اسلام تصویر شده در آیین اسلام، سه بعد دارد: ۱- تن ۲- اندیشه ۳- روح
تن آدمی یا همان بدن فیزیکی او مقتضیات زیستی خاص خود را دارد که در اسلام به آن نیز توجه کافی مبذول شده است تعالیم اسلامی پیروان خود را موظف به نگاهبانی دقیق از جسم و بدن می داند زیرا جسم ما نیز امانتی الهی است حتی اعمال عبادی نیز اگر ضرری را متوجه جسم سازند ضرورت و وجوب انجام خود را از دست می دهند . پیامبر (ص) فرمودند: «**ان لبدنک علیک حقاً**»^۱ «بدرستی که تن و بدن تو بر تو حقی دارد که باید وظیفه خود را در اداء حق آن ایفا نمایی». اندیشه که منظور، تنها آن چیزی نیست که متأثر از فعل و انفعالات مغز می باشد بلکه آن چیزی است که انسانیت انسان یا موجودیت او وابسته به آن می باشد.

ای برادر تو همه اندیشه ای ما بقی خود استخوان و ریشه ای
گر گل است اندیشه تو گلشنی ور بود خاری تو همیشه گلخنی
ارزش و امتیاز هر انسانی از دیدگاه فلاسفه و روانشناسان وابسته به طرز تفکر و اندیشه اوست.

اما بعد روحی که انسان اسلام دارد روح است: «**فاذا سویته ونفخت فیه من روحی**»^۲ «پس چون او را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم.»
خداوند متعال در جای جای قرآن کریم، ابعاد وجودی انسان را معرفی نموده است که خود نمایانگر پیچیدگی های خاص وجودی آدمی است که به چند مورد آنها اشاره می گردد:

۱- فروع کافی - ج ۸ - ص ۱۷۷

۲- حجر - ۲۹

• در خلقت ضعیف است: «یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفاً»^۱

• زیاده جو و زیاده خواه است: «و اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعداً او قائماً فلما كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضره مسه كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعلمون»^۲

«و هر گاه آدمی به رنج زبانی افتد همان لحظه به هر حالت باشد فوراً ما را به دعا می خواند، آنگاه که رنج و زبانش برطرف شود باز به حال غفلت و غرور باز می گردد»

• نا امید و نا سپاس:

«ولئن اذقنا الانسان منا رحمه ثم نزعنا ها انه لیوس کفور»^۳
«و هر گاه ما انسان را به نعمت و رحمتی برخوردار کردیم سپس آن نعمت را از او پس گرفتیم سخت به نومیدی و ناسپاسی در افتد»

• شتابکار و عجول است:

«ویدع الانسان بالشر دعاءه بالخير و كان الانسان عجولاً»^۴
«انسان با شوق و رغبتی که خیر خود را می جوید چه بسا به نادانی با همان شوق و رغبت زیان خود را می طلبد و انسان بسیار بی صبر و شتابکار است»

• بخیل است:

«قل لو انتم تملکون خزائن رحمه ربی اذا لامسکتُم خشیة الانفاق و كان الانسان قتوراً»^۱

۱- نساء - ۲۸

۲- یونس - ۱۲

۳- هود - ۹

۴- بنی اسرائیل - ۱۱

« بگو اگر شما دارای گنجهای رحمت خدا شوید باز همه از ترس فقر در انفاق، بخل خواهند ورزید که انسان طبعاً بسیار ممسک و بخیل است.»

• **اهل جدل است:**

«ولقد صرفنا فی هذا القرآن للناس من کل مثل و کان الانسان اکثر شیء جدلاً»^۲

« ما در قرآن هر گونه مثال و بیان آوردیم و آدمی بیشتر از هر چیز باسخن حق به جدل و خصومت برخیزد»

• **موجودی حریص و بی طاقت است:**

« ان الانسان خلق هلوفاً »^۳ «انسان ، حریص و کم طاقت آفریده شده است.»

• **در نیکو ترین حالت آفریده شده است:**

«لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین»^۴
« به تحقیق که ما انسان را به نیکوترین مراتب وجود بیافریدیم پس به اسفل سافلین بر گردانیدیم»

• **طغیان و سرکشی در بی نیازی و رفاه:**

«کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی»^۵ «به راستی که انسان سرکش و مغرور می شود هنگامی که به غنا و دارایی می رسد.»

۱- بنی اسرائیل - ۱۰۰

۲- کهف - ۵۴

۳- معارج - ۱۹

۴- تین - ۴ و ۵

۵- علق - ۷ و ۶

نقش اراده در شکل گیری اخلاق از منظر قرآن:

سلوک و رفتار آدمیان تحت تأثیر صفاتی است که نفس او متصف به آنها می گردد و منشأ تغییر و تحولاتی می گردد که بصورت فضائل و یا رذائل اخلاقی نمود پیدا می کند. انسان بصورت فطری، میل به پرستش و دینداری دارد اما این تمایل در ضمیر او بصورت بالقوه وجود دارد که می بایست شکوفا شود همچنانکه قرآن کریم می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»^۱ نقش انبیاء عظام الهی در این مورد فراهم آوردن زمینه مناسب برای تربیت صحیح انسان و شکوفا نمودن استعدادهای درونی اوست که از آن به تزکیه نام برده می شود.^۲ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۳ خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می کند و آنان را پاک می گرداند و به آنها علم کتاب و حقایق حکمت می آموزد. تزکیه، زدودن زنگارهای شرک و کفر از قلب انسان و آماده نمودن آن برای پذیرش دعوت حق است. بنابراین بر خلاف هدایت تکوینی که اراده فرد در آن نقشی ندارد. مسیر هدایت در فضائل اخلاقی اما تشریعی و اختیاری است. بنابر این علیرغم دخیل بودن عناصری همچون: وراثت، تربیت و آموزش در شکل گیری شخصیت آدمی، مهمترین نقش را در زمینه خود سازی و مبانی اخلاقی، اراده آدمی داراست. داستان فرزند نوح در قرآن کریم نمونه بارز چنین ادعایی است. خداوند کریم در پاسخ حضرت نوح که راجع به پسرش می گوید: خدایا وعده فرمودی که اهل من را نجات دهی، می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ

۱- روم- ۳۰

۲- آل عمران- ۱۶۴

أَهْلِكُ»^۱ او از اهل تو نیست. زیرا آن نگاه و نگرش و سرمایه ای را که تو به او دادی مورد بی اعتنائی قرار داد و بر اساس خواست و اختیار خویش، خود آفرینی کرد: «أَنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»^۲

نمونه دیگر آن داستان حضرت موسی(ع) است. وی که در بارگاه فرعون، رشد نموده و بزرگ شده است اما شخصیتی کاملاً متفاوت دارد و در حالیکه فرعون و اهالی قصر او تلاش نمودند تا تربیتی درباری داشته باشد اما به لطف خداوند و اراده حضرت موسی(ع) شخصیت او به گونه ای خود آفرینی می نماید. که در مقابل فرعون و ظلم و ستم او می ایستد و برای اعتلای توحید و عدل و اقامه قسط قیام می نماید. در آیاتی از قرآن کریم، نقش اراده آدمی در شکل گیری شخصیت و اکتسابی بودن اخلاق به طور آشکار، بیان شده است. همچنانکه می خوانیم: «وَجَعَلْنَا سَمِيعاً بَصِيراً»^۳ و یا «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا كَفُوراً»^۴ و یا آیه دیگر در این خصوص چنین است: «وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۵ برای انسان جز آنچه بکوشد نیست.

ریشه پابندی به فضائل اخلاقی:

بشر بطور طبیعی و غریزی همواره خود و منافع خویش را بر هر چیز دیگری ترجیح می دهد. با این اوصاف چگونه می تواند به فضائل اخلاقی پابند شود و ایمان آورد. پشتوانه فضائل اخلاق چه باید باشد و از چه میزان جذابیت و کشش باید برخوردار باشد که فرد را وادار به اقتناع بمنظور گذشت از خود نماید.

۱- هود- ۴۶

۲- هود- ۴۶

۳- دهر- ۲

۴- دهر- ۳

۵- نجم ۳۹

الکسیس کارل زیست‌شناسی فرانسوی می‌گوید: در دنیا در زیر پرده کلمه‌های عفت، تقوا، حق و عدالت چقدر نفع، نهفته است. و منظور وی تو خالی بودن و یا به عبارتی شعاری بودن این واژه‌هاست؛ در این خصوص استاد مطهری در کتاب فلسفه اخلاق خود مطالب جالب توجهی بیان نموده است که مضمون آن چنین است: در برابر این مفهوم دو گروه از مردم وجود دارند یک گروه هستند که قوه تمیزشان زیاد نیست و بسیاری از مفاهیم بی پایه را تحت تأثیر تلقین می‌توان به آنان القاء نمود. گاهی با تحریک احساسات ایشان می‌توان آنان را به گذشت و فداکاری ترغیب نمود اما پایه و منطقی ندارد و به قوا منطقیین با کوچکترین تشکیک مشکک زایل می‌شود. مثلاً یک سرباز را در سرباز خانه چنان تربیت می‌کنند که حقیقتاً عاشق آب و خاکش بشود اما اگر فردی با یک تشکیک منطقی وی را دچار تردید و دودلی نماید تمام این بنا فرو می‌ریزد زیرا همه آن بر اساس تلقین بوده و پشتوانه منطقی و اساس و مبنایی نداشته است. و بعد اگر تحصیلات او بالاتر بود و یا بیشتر تعمق و تفکر می‌نماید با خود می‌گوید: چرا؟ برای چه؟ مگر غیر از این است که به بشر تعلیم کرده اند منطق نداشته، پشتوانه نداشته، اعتبار و پایه ای نداشته است. از پدر و مادرش تقلید کرده و یا در مدرسه به او تلقین نموده اند. وقتی راجع به اصول اخلاقی می‌اندیشد و حساب و کتاب میکند با اینکه همیشه از این اصول حمایت می‌کرده و عدالت اجتماعی، راستی، امانت و آزادی را پاس می‌داشته است اما حال با خود می‌گوید: روی چه حساب و ملاکی بخاطر چهار کلمه حرف بیایم از منافع شخصی خودم بگذرم. بر اساس گفتار کلام الهی که می‌فرماید: **يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ**. گروهی بوده و هستند که یک مبنا و ریشه و اساس برای اخلاق آنها وجود داشته که هیچ قدرتی قادر به گرفتن این اصول اخلاقی از آنان نیست. اما از این گروه معدود

که بگذریم بشر عالم امروز کمتر زیر بار حرفه‌های اخلاقی می‌رود، زیرا او منافع شخصی را به هر چیز دیگری ترجیح می‌دهد.^۱

پایه و اساس فعل اخلاقی:

غربیها اساس اخلاق را انسانیت می‌دانند. آنها مبنای هر فعل اخلاقی را انسانیت دانسته و معتقدند هر انسانی دارای حق است و باید حقوق او محترم شمرده شود. بیانیه حقوق بشر نیز بر همین اساس و محور تنظیم گردیده است. ظاهر مطلب آن است که اکنون در دنیا ملت‌هایی وجود دارند که اهمیت ویژه‌ای برای حقوق یکدیگر قائلند در عین حال که ایندسته از ملت‌ها به امور معنوی و دینی نیز پایبند نیستند اما هرگز دروغ نمی‌گویند و از نفاق و تزویر و دزدی و خیانت پرهیز می‌کنند. این حقیقت درباره بسیاری از ملل غربی مصداق دارد. عجیب آن است که آنان بدون اتکای به ایمان و خدا شناسی و جهان بینی و داشتن ایدئولوژی معنوی به چنین اصول اخلاقی پایبندی معنوی، اصول و ارزش‌های اخلاقی تاب‌دین پایه مورد توجه و اهتمام و تقیید قرار نمی‌گیرد؟ از اینجا نمی‌توان چنین نتیجه گرفت که می‌توان سیستم اخلاقی را بدون اتکای به ایمان ایجاد نمود؟ استاد مطهری در پاسخ به چنین سؤالی در کتاب فلسفه اخلاق خود چنین می‌نویسد: خود و خود پرستی سه نوع است: خود شخصی، خود خانوادگی و خود ملی. برخی افراد، اصولاً آدم‌های خودپرستی هستند و به هیچ اصل اخلاقی نیز پایبند نمی‌باشند این نوع ضعیف خود پرستی است. اما گاهی همین فرد خود پرست در محیط خانواده اش مرد عادل است. به تمام معنی نسبت به بچه‌های خودش عادل است بلکه گذشت و فداکاری هم دارد. و هرگز به فرزندان خود خیانت نمی‌کند، دروغ نمی‌گوید. بسیاری از اشخاص در محیط خانواده چهره‌ای مقبول دارند اما در خارج از خانواده تمام صفات رذیله ناشی از

۱- مرتضی مطهری- فلسفه اخلاق- ص ۲۲۷

خود پرستی در وی بروز و ظهور می کند. چنین فردی همه چیز را برای خانواده اش می خواهد. برای خانواده دروغ می گوید، برای خانواده نفاق می کند، اغوا می کند، قتل نفس می کند. اما در خصوص خود ملی، گاهی افراد یک ملت برای خودشان مانده همان فرد در خانواده خود می باشد یعنی اعضای یک ملت بالاتفاق نسبت به یکدیگر عدالت دارند به هم دروغ نمی گویند. ظلم نمی کنند اما همینکه در برابر سایر ملت‌ها قرار می گیرند همه نوع ظلمی را در خصوص آنان سزاوار می دانند. برای حفظ منافع خویش دست به هر ظلم و گناهی می زنند. داستان جنگ تریاک را مرور کنید. انگلیسی‌ها که به ظاهر ملتی متمدن و پاینده اعلامیه حقوق بشرند ببینید چه بلایی بر سر چینیه‌ها آوردند. انگلیسی‌ها برای تسلط بر چینی‌ها، تریاک را در میان آنان شایع کردند تا آنها را افیونی نمایند. اما چینی‌ها مقاومت کردند و بسیاری کشته شدند. تا بالاخره به ضرب توپ و شلیک گلوله، تریاک را به میان آنها آوردند. بنابر این می بینیم که هرگاه سیستم اخلاق بر مبنای انسانیت پایه ریزی شود تنها محدوده‌ای را در بر می گیرد و هم آنان را ملزم به رعایت موازین اخلاقی می کند اما در گستره‌ای وسیع‌تر چنین پاسخگویی فراگیر نخواهد داشت.

اخلاق، شعبه‌ای از حکمت عملی:

گفتیم که حکمت عملی در خصوص بایدها و نبایدها بحث می نماید. یعنی اینکه چه چیزی خوب است و چه چیزی بد. این مسئله بیانگر آن است که آنچه در حیطه حکمت عملی مطرح می شود افعال و اعمال اختیاری انسان است به همین جهت با نیروی عقل از دستگاه ادراکی و یا نیروی اراده از دستگاه اجرائی سر و کار دارد. نکته حائز اهمیت آن است که این بایدها و نبایدها که در قلمرو حکمت عملی قرار می گیرند شامل بایدهای کلی و مطلق و انسانی است نه بایدهای فردی و شخصی، توضیح این مطلب بدینصورت است که افراد مختلف دارای اهداف مختلف و متضادی می باشند. مثلاً دو رقیب هر یک هدفی دارد

که با اهداف طرف مقابل مغایر است یکی به پیروزی خود و شکست طرف مقابل می اندیشد. و یا اینکه در مواجهه بین ایندو ناظران و دوران این مخاصمه هر یک قضاوتی مربوط به خود دارد برخی یکی از آندو نفر را صاحب حق می دانند و برخی طرف مقابل را در اینجا باید‌ها و نبایدها و خوب و بد‌ها همه شخصی و فردی است نه آنکه یک هدف و رویه عمومی و کلی را دنبال نماید. اینگونه باید‌ها و نبایدها از دایره حکمت عملی خارج است، از اینجا به نکته دیگری می رسیم که آیا اخلاق که در اخلاق در دایره حکمت عملی از آن بحث می شود فردی و نسبی است یا کاربرد آن عام و فراگیر است. آیا همه دیدگاه‌های بشری در خصوص خوب و بد باید‌ها و نبایدها یکسان است؟ از منظر اسلام مباحث مربوط به حکمت عملی تنها واجد ارزش‌های اخلاقی نیستند بلکه اخلاق تنها یک ضلع مثلثی است که دو ضلع دیگر آنرا ارزش های خانوادگی و ضلع سوم آنرا ارزش‌های اجتماعی تشکیل می دهد و این سه در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر قرار داشته و هر یک بر دیگری تأثیر گذار خواهد بود. پیش از پرداختن بیشتر به این مطلب لازم است ابتدا نگرش های مختلف را در باب نسبی بودن اخلاق مطرح نماییم. بنا براین برای اخلاق پشتوانه و استدلال منطقی وجود ندارد. اما اگر پشتوانه این اصول را غیر خدا بدانیم آنگاه با خلأ های غیر قابل انکاری روبرو خواهیم شد چنانکه قرآن کریم می فرماید: « **و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الد الخصام** »^۱ برخی از مردم گفته ها و نوشته هایشان، جذاب و قابل قبول است و بر سخن خود گواه نیز می گیرند که: «**و یشهد الله علی ما فی قلبه**» «و از مردم کسی هست که تو را از گفتار دلفریب خود به شگفت آرد و خدا را به راستی نیت خود گواه می گیرد حال آنکه او بدترین دشمن است.» اینگونه افراد

هنگامی که پای منافع خود در میان باشد و احساس کنند که نسبت به سایرین برتری و تسلطی دارند آنگاه: «واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل»^۱ «و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین است و بکوشد تا حاصل خلق را بر باد فنا دهد. نکته حائز اهمیت آن است که در دین، «خودی» مرز ندارد. یعنی فضائل اخلاقی مرزی ندارند و اخلاق دینی، دیندار و غیر دیندار نمی شناسد.

تجمیع قطرات فوق چنین است که: چگونه می توان فعل اخلاقی را از سایر افعال باز شناخت؟ به عبارت دیگر ملاک و معیار برای فعل اخلاقی چیست؟ برخی گفته اند فعل اخلاقی آن است که غیر، هدف باشد و هر فعلی که هدف از آن، خود انسان باشد غیر اخلاقی محسوب می شود. در واقع از دریچه دید این گروه، فعلی اخلاقی است که از روی خود خواهی نباشد و به انگیزه دیگر خواهی صورت پذیرد.

بعضی دیگر، ملاک فعل اخلاقی را ناشی از احساسات نوع دوستانه دانسته اند. کانت فیلسوف آلمانی سرچشمه فعل اخلاق را وجدان آدمی می داند. و فیلسوفی چون افلاطون، اخلاق را در مبحث زیبایی قابل طرح می داند. برخی حکما و فلاسفه اما، عقلی بودن فعل را لازمه اخلاقی بودن آن معرفی کرده اند «برتراند راسل می گوید: اخلاق ترکیبی است از هوشیاری و دور اندیشی به همراه نفع طلبی. گرچه تمام مکاتب اخلاقی، نفع طلبی را بر ضد اخلاق می دانند ولی راسل میگوید: اخلاق با نفع طلبی ارتباط دارد البته از نوع هوشیارانه و دور اندیشانه آن به همین جهت او معتقد است که اخلاق نسبی است»^۲ نتیجه آنکه هر فعل و صفتی به هر اندازه که انسانرا در رسیدن به کمال مطلوب یاری نماید

۱- بقره- ۲۰۵

۲- مرتضی مطهری- فلسفه اخلاق- ص ۲۹۵

و یا زمینه را برای حصول آن فراهم آورد به همان اندازه از ارزش اخلاقی برخوردار است. از منظر و دیدگاه دین مبین اسلام از آنجا که کمال نهایی آدمی رسیدن به قرب و رضای الهی است بنابر این هر فعل و عملی که او را در رسیدن به این مطلوب یاری رساند فضیلت محسوب می شود بنابر این در فلسفه اخلاق اسلامی، فضیلت، فعل و صفتی را گویند که یا خود مستقیماً انسان را در مراتب قرب بالا ببرد و یا زمینه را برای این سیرو سلوک فراهم سازد. بر این اساس حتی اگر عملی به ظاهر صالح و شایسته به نظر آید ولی نهایتاً کمکی به حصول قرب و رضای الهی نکند از نظر اسلام آن فعل فاقد ارزش اخلاقی است.

چکیده

از نظر اسلام، گرایش انسان به فضائل اخلاقی در بین تمامی انسانها دارای وجه اشتراک بوده و ریشه در فطرت آدمی دارد.

- در آیات متعددی از قرآن کریم، برخی از ویژگیها و خصوصیات فطری انسان مورد اشاره واقع شده است. مانند: خلق الانسان ضعيفاً
- بر خلاف هدایت تکوینی که اراده فرد در آن نقشی ندارد مسیر هدایت او در فضائل اخلاقی، تشریعی و اختیاری است بنابراین علیرغم دخیل بودن عناصری چون: وراثت، تربیت و آموزش در شکل گیری شخصیت آدمی، مهمترین نقش را در زمینه خود سازی و مبانی اخلاقی، اراده آدمی داراست.
- اساس فعل اخلاقی را از منظر دانشمندان غربی، انسانیت و خود خواهی انسان و از نظر اسلام، کسب قرب و رضای الهی تشکیل می دهد.

سؤالات تشریحی:

۱. دیدگاه اسلام درباره جود انسان را بطور مختصر بنویسید .
۲. گفتار شهید مطهری در خصوص ریشه پابندی به فضائل اخلاقی را بنویسید .
۳. ملاک و معیار فعل اخلاقی چیست؟ چگونه می توان فعل اخلاقی را از سایر افعال ، باز شناخت؟
۴. نقش اراده در شکل گیری اخلاق را از نظر اسلام بیان کنید؟

سؤالات تستی:

- ۱- کدام عبارت زیر درباره انسان در قرآن کریم نیامده است:
الف- موجودی حریص و بی طاقت است
ب- اهل قناعت و صرفه جویی است
ج- بخیل و اهل جدل است
- ۲- کدام گزینه ذیل، مهمترین نقش را در شکل گیری اخلاق آدمی داراست؟
الف- وراثت ب- آموزش و تربیت ج- اراده

درس سوم

رابطه انسان با خویشتن

سئوالات اساسی درس :

- ۱- ضرورت خود شناسی و نتایج و ثمرات آن کدام است؟
- ۲- ادیان و مکاتب اسلامی و غیر اسلامی درباره خود شناسی چه می‌گویند؟

خود شناسی:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۱ «هر کس خود را بشناسد خدای خود را شناخته است». این عبارت نغز و پر معنی، کلام گهر بار امام علی (ع) است که در بیان بسیاری از اندیشمندان دیگر نیز مورد تأکید واقع گردیده است. امام صادق (ع) نیز سخن حکیمانه ای با همین مضمون بیان فرموده است: «انک قد جعلت طیب نفسک و یبین لک الداء و ذلت علی الواء»^۲ «ای انسان! تو طیب خویشتن قرار داده شده ای و دردها برای تو بیان شده است و به دواهای آن دردها هم رهنمایی شده ای. مهاتما گاندی نیز گفته است: من از مطالعه قدیمیترین کتابهای مذهبی و عرفانی هند، سه دستور فرا گرفتم و آنها دستور العمل من در زندگی شد، یکی اینکه در جهان فقط یک شناسایی وجود دارد و آن شناخت «خود» است. دوم اینکه هر کس خود را شناخت خدا را شناخته است و جهان را.

۱- غررالحکم - حدیث - ۳۰۱

۲- تحف العقول - ص ۳۱۶

مهمترین سؤال و نیاز معرفتی بشریت، شناخت خویشتن است. بسیاری از مشکلات و معضلات جوامع بشری ناشی از عدم شناخت خود است و تفسیرها و دریافتهای متعدد و متنوعی که در قبال این پرسش مطرح شده است. اما مسئله و موضوع مرتبط با بحث حاضر، بررسی تأثیر پذیری اخلاق از مقوله خود شناسی است. از اعمال غریزی آدمی که بگذریم بسیاری از افعال ارادی انسان، ناشی از شناخت می باشد کما اینکه عمل اخلاقی که بر اساس اختیار و اراده فرد صورت می پذیرد نیز خود منبعث از شناخت وی از فطرت و جوهره فکری وجودی «بشر» است.

استاد ملکیان از فلاسفه معاصر پیرامون موضوع خود شناسی چنین می گوید: « به نظر می رسد که خود را بشناس سه پیش فرض اساسی دارد: ۱- «خود» شناختنی است یعنی امکان شناخت خود برای آدمی وجود دارد. ۲- هنوز خودت را نشناخته ای ۳- خود شناسی نسبت به سایر شناختهها رجحان دارد .

ایشان در ادامه به توضیح پیش فرض ها پرداخته و می گوید: نخستین پرسشی که درباره پیش فرض اول می توان داشت این است که آیا انسان، تک ساحتی است و چیزی از بدن و فیزیک ظاهری برای او نمی توان قائل شد و یا چند بعدی است؟^۱ در این خصوص عقاید متفاوتی ابراز شده است . به عنوان مثال افلاطون به دو ساحت بدن و نفس قائل است. نفس را چیزی می پندارد که می تواند جدا و مستقل از هر بدنی وجود داشته باشد و اساساً حالت آرمانی آن را همان وجود بدون بدن و نامجسم می داند . در چنین دیدگاهی بدن آدمی شائی ندارد و به تعبیر دقیقتر آدمی نفس است و بدن دارد. بر خلاف چنین دیدگاهی بسیاری از فلاسفه جدید غربی، حقیقت آدمی را منحصر و محاق در بدن و ظاهر فیزیکی و تحت تأثیر عقل و ذهن مادی خود می پندارد و نه چیز دیگر .

۱- مجموعه سخنرانیها- مصطفی ملکیان- سایت نیلوفر

مولانا جلال الدین رومی در کتاب مثنوی در این ارتباط ابیات زیبا و ماندگاری را سروده است:

پیل اندر خانه تاریک بود	عرضه را آورده بودندش هنود
از برای دیدنش مردم بسی	اندر آن ظلمت همی شد هر کسی
دیدنش باچشم چون ممکن نبود	اندر آن تاریکیش کف می بسود
آن یکی را کف به خرطوم اوفتاد	گفت همچون ناودانیست این نهاد
آن یکی را دست بر گوشش رسید	که برو چون باد بیزن شد پدید
آن یکی را کف چو بر پایش بود	گفت شکل پیل دیدم چون عمود
آن یکی بر پشت او بنهاد دست	گفت خود این پیل چون تختی بدست
همچنین هر یک به چیزی که رسید	فهم آن می کرد هر جا می شنید
از نظر گه گفتشان شد مختلف	آن یکی دالش لقب داد آن الف
در کف هر یک اگر شمع بدی	اختلاف از گفتشان بیرون شد

مولوی در بیت آخر به مطلب صحیحی اشاره نموده است و آن چراغ راه است . آدمی با گام برداشتن در تاریکی و ظلمات راه به جایی نخواهد برد. خداوند سبحان در بخشی از آیات سوره بقره که به «آیة الكرسي» نیز مشهور است می فرماید: **«اللّٰهُ وَلِی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی النُّوْرِ»**^۱ «خداوند دوست و یار اهل ایمان است که آنان را از تاریکی های جهل بیرون آرد و به عالم نور برد.»

ضرورت خود شناسی:

با توجه تعاریف متفاوتی که مکاتب علمی و فلسفی و ادیان الهی از وجود آدمی ارائه داده اند و هر یک بر شناخت صحیح و دقیق خود از وجود پیچیده انسان

۱- بقره- ۲۵۷

صحه می گذارند. نشانگر اهمیت و ضرورت خود شناسی است. شاید بتوان ضرورت این مهم را در چند محور خلاصه نمود که عبارتند از :

• **شناسایی عوامل رشد و یا انحطاط:**

شناخت ابعاد وجودی انسان، راههای کمال جویی و حرکت به سوی تعالی را بر وی می نمایا ند. شناخت پیچیدگی های وجود آدمی کار سهل و ساده ای نیست چنانکه مولوی می گوید:

گر به ظاهر آن پری پنهان بود آدمی پنهان تر از پریان بود
نزد عاقل زان پری که مظهرست آدمی صد بار خود پنهان ترست

• **شناخت بحران های ناشی از انسان شناسی غلط:**

بسیاری از بحرانهای اجتماعی، سیاسی و فلسفی ناشی از تعریف غلط و آدرسهای اشتباه در خصوص ابعاد وجودی آدمی بوده است. آیا سرنوشت یک جامعه و ملت آنقدر مهم نیست که در زمینه شناخت راه و روش صحیح و نقشه حرکت او اهتمامی وافر به عمل آید.

• **تعمیق شناخت پیرامون فضائل و ردائل اخلاقی:**

مکاتب علمی در صدند تا بر اساس آزمون ها و تجربه های اثباتی، آدمی را همانند هر وجود دیگری در بوته آزمایش قرار دهند و بر این اساس تنها رفتار های ظاهری و کنش ها و عکس العمل هایی که امکان بروز و ظهور پیدا می کنند به عنوان ملاک و معیار شناخت قرار می گیرند غافل از آنکه بسیاری از حالات درونی و روحی انسان، قابل تجربه و تظاهر نمی باشد. همچنین مکاتب فلسفی نیز به بررسی ماهیت کلی و جوهره ماهوی انسان از دیدگاهی فراخ پرداخته و با چنین برداشت و نگرشی به تجزیه و تحلیل «خود» آدمی می پردازند. ادیان الهی اما در این میان جمع الجمعی را قائل شده و انسان را در ابعاد مختلف چیستی و چونی او در معرض شناخت قرار می دهند. هر یک از گزینه های فوق، بر اساس شناخت خود به تعریف اخلاق و گرایشهای اخلاقی نیز

مبادرت ورزیده اند که نا گفته پیداست این تعاریف هنگامی می تواند از جامعیت و تعمیق بیشتری بر خوردار باشد که با شناختی همه جانبه و فراگیر از تمامی ابعاد وجودی آدمی صورت پذیرفته باشد.

نظریه های حکمای اسلامی در خصوص معرفت نفس:

صدر المتألهین انسان را موجودی دو بعدی می دانست که در نهاد او هم فرشته خویی و هم شیطان صفتی وجود دارد. ملاک برتری انسان حکومت عقل است. وی انسان شناسی و معرفت نفس را از مهمترین علوم دانسته و در فواید آن به موارد زیر اشاره می نماید:

- به واسطه معرفت نفس، شناخت تمام اشیاء میسر می شود و با عدم آن، انسان نسبت به همه چیز جاهل خواهد بود.
- نفس انسان، مجمع موجودات است و کسی که نفس را شناخت به شناخت همه موجودات معرفت پیدا می کند آنچنانکه قرآن کریم می فرماید: «اولم یفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات والارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمى و ان کثیراً من الناس بقاء ربهم لکافرون»^۱ و نیز فرمود: «وفی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم افلا تبصرون»^۲
- کسی که خود را بشناسد و آنکه همه عالم را بشناسد در حکم مشاهده کننده حق تعالی است .
- کسی که خود را بشناسد به مراتب روح هم آشنا می شود ودلائل بقای روح را درمی یابد و نیز عالم جسم را می شناسد و به عواملی که جسم را به تباهی می کشاند آشنا می گردد.

۱- روم ۸

۲ ذاریات - ۲۱

• کسی که نفس را بشناسد دشمن خود را که پنهان در آن است می شناسد چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنیبک» و از آن دشمن به خدا پناه می برد: اللهم الهمنی رشدی و اعذنی من شر نفسی.

• کسی که نفس و قوای او را بشناسد واز آن حفاظت کند استحقاق پاسداری از عالم را دارد و می تواند خلیفه خدای متعال در زمین باشد چنانکه فرموده است: «و یتخلفکم فی الارض».^۱

• کسی که نفس خود را بشناسد هرگز به عیوب دیگری نمی پردازد و در واقع، آن عیب را در خود می بیند چه پیدا باشد و چه پنهان .

• کسی که خود را بشناسد به تحقیق خدای خود را شناخته است و در روایات آمده است که خداوند متعال، کتابش را در نفس نازل کرده است.

مکاتب علمی و فلسفی غرب و خود شناسی:

مهمترین مکاتب علمی و فلسفی که در قرون اخیر مورد توجه و اقبال جهان غرب قرار گرفته اند عبارتند از:

۱- پوزیتویسم: که توسط آگوست کنت پایه گذاری شده است. وی جوامع بشری را به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله الهی - مرحله فلسفی - مرحله علمی که اکنون بشریت به سومین مرحله یعنی مرحله علمی رسیده است و تنها راه شناخت تمامی پدیده ها علم تجربی است.

۲- فتو متولژیسم: این مکتب توسط هوسرل پایه گذاری شده است و بر شناخت ظاهری موجودات و پدیده ها تأکید می ورزد.

۳- اگزیستانسیالیسم: این مکتب توسط کی یر کگارد بنیان نهاده شده است. وی فیلسوفی الهی بود اما پس از او طرفداران این مکتب به دو گروه الهی و الحادی

۱- اعراف - ۱۲۹

تقسیم شده اند که داستایوفسکی، مارسل و کارل یاسپرس از جمله افراد الهی و پنجه، سارتر و آلبر کامو از پیروان الحادی این مکتب محسوب می شوند. در نگرش این فلسفه تمامی مباحث و مسائل، حول محور انسان قابل بررسی می باشند. بخش الهی این مکتب، وجود آدمی را در تعالی به سوی خدا می بینند و تفکر الحادی، آدمی را در حرکت به سوی نیستی می پندارند. از نظر ایشان، تعریف هر فرد انسانی در انتخابها و اختیارهای او نهفته است. ویژگی دیگر انسان، اصالت داشتن وجود اوست. انسان موجودی است که می تواند بین اصیل ماندن و از دست دادن اصالت خود دست به انتخاب بزند. برخی از این فلاسفه وجودی، دنیای مدرن را تهدیدی برای اصالت وجود انسان می دانند. چرا که مدرنیته سبب برهم خوردن توازن میان انسان و اشیاء شده است. و بر همین اساس، هایدگر فیلسوف آلمانی، بحران انسان مدرن را در دو زمینه بررسی میکند: ۱- بی وطنی و بی خانمانی ۲- هیچ انگاری یا نیهیلیسم.

« به طور کلی این فیلسوفان به سلطه ای که مباحث معرفت شناسی بر فلسفه جدید پیدا کرده است معترضند فلسفه جدید که بر گرفته از آراء و عقاید دکارت و کانت می باشد میان ذهن و عین تفکیک قائل می شود آنان ذهن انسان و سایر اشیاء و موجودات هستی را دو پدیده جدا از هم می انگارند که ذهن آدمی در صدد ایجاد تسلط و سیطره بر اعیان و اشیاء غیر خود است اما هایدگر، پنجه و مرلوپوتتی و سایر فلاسفه وجودی این نوع نگرش را غیر واقعی می دانند به اعتقاد ایشان، انسان تنها در خرد ناب منحصر نمی شود بلکه موجودی است که احساس، اراده، غریزه و..... دارد؛ از همین رو زیست عاطفی انسان مورد اهتمام و التفات فراوان این فلسفه است»^۱

۱- انسان شناسی - اسماعیل منصوری - ص ۹۱

۴- اومانيسم: اومانيسم به معنای انسان مداری و انسان گرایی است. انسان محوری یکی از مهمترین مؤلفه های تفکر جدید غرب و دنیای مدرنیته محسوب می شود. مجموعه ای از اکابر علم و فلسفه و ادب نظیر: مونتسکیو، دید رو، جان لاک، هیوم و دالامیر و..... در زمره تئوریسین های این مکتب معتقد بودند که مسئله اساسی و محوری وجود آدمی، سر و سامان یافتن زندگی فردی و اجتماعی او بر طبق موازین عقلی است نه کشف اراده خداوند. هدف انسان نه عشق و ستایش خداوند و نه بهشت موعود، بلکه تحقق بخشیدن به آرزوهای انسانی متناسب با واقعیت های موجود هستی است که می بایست توسط عقل صورت پذیرد. در زمینه اخلاق نیز بر پایه اندیشه انسان گرایانه، ارزش ها و باید و نبایدهای اخلاقی تنها بر مبنای عقل و وجدان و اخلاق علمی و نه بر اساس آموزه های دینی استوار می شود.

خود شناسی در مکتب عرفان:

در مکتب عرفان و اندیشه عرفا انسان، مظهر اسماء و صفات الهی در عالم خلقت است و خداوند انسان را آفرید تا اسماء و صفات خود را در او تجلی بخشد. محی الدین عربی می گوید: حق تعالی از حیث اسماء و صفات، عین عالم است چرا که از حیث اسماء و صفات، عالم تجلی اوست اما از حیث ذات، مجرد از ماده است؛ به اعتقاد وی، رابطه خدا با عالم مانند رابطه سایه است با صاحب سایه، از دیدگاه او، انسان کامل سبب وجود همه افراد است یعنی بخاطر اوست که حق تعالی عالم و آدم را آفریده است همچنین واسطه میان حق و خلق است و به واسطه وی سایر انسانها از وجود حق تعالی مستفیض می شوند. انسان کامل دارای چهار حقیقت است: اقوال نیک، افعال نیک، اخلاق نیک و معارف و معارف نیز خود به چهار دسته تقسیم می شود: معرفت دنیا، معرفت آخرت، معرفت خود و معرفت خدا.

معرفت ازلی به عنوان جوهر وجودی انسان در او به ودیعت نهاده شده است و اگر این جوهر نبود معرفت و شناخت هیچ چیز برای انسان ممکن نبود قرآن کریم از این معرفت تحت عنوان «نور» نام برده است: «و من لم يجعل الله له **نورا فما له من نور**»^۱ و هر کس که خداوند برای او نور (علم و معرفت) قرار ندهد برای او نوری (شناخت) نخواهد بود.

از دیدگاه مولوی نیز آدمی جوهر وجودی عالم است و هر آنچه غیر اوست فرع بر وجود وی است:

طوق اعطیناک آویز برت	تاج کرمناست بر فرق سرت
جمله فرع و سایه اند و او غرض	+ جوهر ست انسان و چرخ او را عرض
در دو گز تن، عالمی پنهان شده	بحر علمی در نمی پنهان شده
مولوی اساس معرفت شناسی را در تضاد می داند؛ بدین معنی که همه پدیده های هستی با ضد خود شناخته می شوند:	

تا بدین ضد، خوش دلی آید پدید	رنج و غم را حق پی آن آفرید
چونکه حق را نیت ضد پنهان بود	پس نهانی ها به ضد پیدا شود
تا به ضد او را توان پیدا نمود	نور حق را نیت ضدی در وجود
و هو یدرک بین تو از موسی و که	لا جرم ابصارنا لا تدرکه
در اندیشه مولوی ریشه همه بدبختی ها و گرفتاری های بشر، نفس اماره است و مبارزه با آن بسیار سخت و مشکل می باشد چرا که این بیت درونی ما در همه بت هاست:	

زآنکه آن بت مار و این بت اژدهاست	مادر بت ها بت نفس شما ست
آن شرار از آب می گیرد قرار	آهن و سنگ است نفس و بت شرار
آدمی با این دو کی ایمن شود؟	سنگ و آهن ز آب کی ساکن شود

و نتیجه رها شدن از بت درون چنین است که:
چون ز خود رستی همه برهان شدی چونکه گفتی بنده ام سلطان شدی

چکیده:

مهمترین سؤال و نیاز معرفتی بشر، شناخت خویشتن است، خود شناسی، نتایج و ثمراتی را در بر دارد که برخی از آنها عبارتند از: ۱- شناسایی عوامل رشد و یا انحطاط ۲- شناخت بحرانهای ناشی از انسان شناسی غلط ۳- تعمیق شناخت پیرامون فضائل و رذائل اخلاقی
ملا صدرا معتقدست: معرفت نفس، منجر به شناخت تمامی اشیاء می شود و کسی که نفس را شناخت به شناخت همه موجودات معرفت پیدا می نماید، به مراتب روح هم آشنا می شود، می تواند خلیفه خدا در روی زمین باشد و به تحقیق، خدای خود را شناخته است.
مکاتب غربی نظیر پوزیتویسم، اگزیستانسیالیسم و نیهیلیسم و اومانیسم محور شناخت را آدمی دانسته و اصالت را تنها مختص وجود انسان میدانند.

سؤالات تشریحی:

۱. مهمترین نتایج خود شناسی را بیان نموده و به صورت مختصر توضیح دهید؟
۲. نظر ملاصدرا را درباره خود شناسی بیان کنید؟
۳. در مکتب عرفان و اندیشه ، عرفا انسان را مظهر چه چیزی می دانند ؟
- ۴ . به ترتیب و به طور اختصار، نظرات اگزیستانسیالیسم و اومانیسم را درباره خود شناسی بیان کنید؟

سؤالات تستی:

- ۱- کدام گزینه از پیش فرضهای خود شناسی محسوب نمی شود؟
الف- شناخت خداوند منجر به شناخت خود می شود.
ب- خود شناسی نسبت به سایر شناختها رجحان دارد.
ج- خود، شناختنی است.
۲- طرفداران کدام مکتب به دو گروه الهی و الحادی تقسیم شده اند:
الف- اومانیسم ب- پوزیتویسم ج- اگزیستانسیالیسم

درس چهارم

رابطه انسان با خانواده ۱

سئوالات اساسی درس :

- ۱- فضائل اخلاقی در روابط فرد با خانواده ، والدین و دوستان کدامند؟
- ۲- آیات و روایات وارده در ارتباط با فضائل اخلاقی چه می گویند؟

اخلاق خانواده

پس از بیان مقدماتی پیرامون معانی و تعاریف اخلاق و نظریات گوناگونی که مکاتب و مشربهای علمی و فلسفی پیرامون این ابراز نموده اند و نیز ذکر نقطه نظرات و فرامین دین مبین اسلام و آیات قرآن کریم در این باب، اکنون و در دو مبحث پایانی برخی از فضائل و ردائل اخلاقی که هر فرد در ارتباط و روابط خود با پدر و مادر، افراد خانواده و دوستان، می بایست مورد مذاقه قرار داده و با ممارست و استمرار، فضائل را ملکه اعمال خود ساخته و متقابلاً نفس خویش را از آسیب و احاطه ردائل برهاند بطور اختصار ذکر خواهد شد.

فضائل اخلاقی

• تواضع و فروتنی:

تواضع، یعنی شکستن نفس به گونه ای که انسان خود را بالاتر از دیگری نبیند. پیامبر می فرماید: «هیچ کس تواضع نکرد مگر آنکه خدا او را بلند گردانید».^۱

۱- بحار الانوار - ج ۷۵ - ص ۱۲۰

«روزی پیامبر (ص) به اصحاب خود فرمود که چرا من حلاوت عبادت را در شما نمی بینم؟ عرض کردند که چه چیز است حلاوت عبادت؟ فرمود: تواضع»^۱

همچنین امام علی (ع) نیز فرموده اند: «زینة الشریف التواضع»^۲

در حدیثی از امام صادق (ع) نیز می خوانیم که: «فروتنی ریشه هر خیر و سعادت است. تواضع، مقام والائی است و اگر برای فروتنی زبان و لغتی بود که میفهمیدند بسیاری از اسرار نهایی و عاقبت کارها را بیان می کرد. کسی که برای خدا فروتنی کند خدا او را بر بسیاری از بندگان، برتری می بخشد هیچ عبادتی نیست که مقبول درگاه خدا و موجب رضای او باشد مگر اینکه راه ورود آن، فروتنی است»^۳

خداوند کریم در آیاتی از قرآن به موضوع تواضع و فروتنی و نیز دوری از کبر و غرور اشاره فرموده است: «ولا تمش فی الارض مرحاً انک لن تخرق

الارض و لن تبلغ الجبال طولا»^۴

«و هرگز در زمین به کبر ناز راه مرو که به نیرو زمین را نتوانی شکافت و به کوه در سربلندی نخواهی رسید». و نیز در آیه دیگری فرموده است:

«و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً»^۵.

۱- محجة البیضاء - ج ۶ - ص ۲۲۲

۲- بحار الانوار - ج ۷۵ - ص ۱۲۰

۳- بحار الانوار - ج ۷۵ - ص ۱۲۱

۴- اسراء - ۳۷

۵- فرقان - ۶۳

«وَبندگانِ خدایِ رحمان، آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی روند و هر گاه مردم جاهل به آنها خطاب کنند با سلامت نفس و زبان خوش جواب دهند».

• حلم و صبر:

صبر عبارتست از ثبات و اطمینان نفس در مصائب و مضطرب نشدن در بلا یا و ایستادگی در برابر حوادث و شدائد به نحوی که خاطر او پریشان نگردد. و خداوند سبحان فرمود: «و بشارت ده صبر کنندگان را که چون مصیبتی به ایشان رسید گویند ما از خداییم و بازگشت ما به سوی خداست.»^۱

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «صبر نصف ایمان است»^۲

حلم، عبارتست از اطمینان نفس به گونه ای که قوه غضب به آسانی آنرا تحریک نکند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «از محبوبترین راهها به سوی خداوند متعال فرو بردن دو جرعه است: جرعه خشکی که فرو بری به حلم و بردباری و جرعه مصیبتی که فرو بری به صبر و شکیبایی».^۳

امام رضا (ع) نیز فرموده اند: «آدمی به مقام عبادت خدا نائل نمی شود تا اینکه حلیم و بردبار شود».^۴

توجه به این نکته ضروری است که صبر هرگز به معنی تحمل بدبختی و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست.

• صدق و راستی:

از مهمترین فضائل اخلاقی و به اعتقاد برخی، اشرف صفات نفس انسان، صداقت است. پیامبر اکرم (ص)

۱- بقره ۱۷۴

۲- محجة البیضاء - ج ۷ - ص ۱۰۶

۳- وسائل الشیعه - ج ۲ - ص ۲۲۴

۴- اصول کافی - ج ۳ - ص ۱۱۱

فرمودند: «نزدیکترین شما در فردای قیامت به من، راستگو ترین شماست.»^۱

از صادقین نیز روایتی وارد شده است بدین مضمون که: «مردم به سبب راستگویی به مرتبه صدیقین می رسد»^۲

صدق را می توان به چندقسم، تقسیم کرد: ۱- صدق در گفتار ۲- صدق در نیت و اراده ۳- صدق در عزم و تصمیم ب توکل ۴- صدق در وفای به عزم ۵- صدق در مقامات دینی مثل صبر و شکر، توکل، حب و
در آموزه های اسلامی، راستگویی از نشانه های بارز ایمان بر شمرده است به گونه ای که دلالت آن بر ایمان افراد حتی برتر و بیشتر از نماز دانسته شده است.

امام صادق (ع) می فرماید: «نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید چرا که ممکن است عادت آنها شده باشد به طوری که اگر آن را ترک کنند ناراحت شوند ولی نگاه به راستگویی و امانت آنها کنید.»^۳

همچنین امام علی (ع) نیز در باب صداقت فرموده اند: «راستگویی دعوت به نیکوکاری می کند و نیکوکاری دعوت به بهشت»^۴

در نقطه مقابل راستگویی، دروغ قرار دارد. در روایات اسلامی، دروغ کلید همه گناهان شمرده شده است. به گونه ای که امام باقر (ع) دروغ راحتی بدتر از شراب دانسته است. امام عسکری (ع) در حدیثی می فرماید: «تمام پلیدیها در اتاقی قرار داده شده و کلید، آن دروغ است.»^۵

۱- بحار- ج ۷۶- ص ۶۰

۲- معراج السعاده- ملا احمد نراقی- ص ۵۸۱

۳- سفینه البحار- ماده صدق

۴- مشکات الانوار- طبرسی- ص ۱۵۷

۵- جامع السعاده- ج ۲- ص ۲۳۳

شخصی به حضور پیامبر(ص) رسید، عرض کرد: نماز می خوانم و عمل منافی عفت انجام می دهم، دروغ می گویم، کدام را اول ترک کنم؟ پیامبر (ص) فرمود: دروغ را؛ او در محضر پیامبر (ص) تعهد کرد که دروغ نگوید. هنگامی که خارج شد وسوسه های شیطانی برای انجام عمل منافی عفت در دل او پیدا شد اما بلافاصله در این فکر فرو رفت که اگر فردا پیامبر (ص) از او در این باره سؤال کند چه بگوید، اگر بگوید چنین عملی را انجام نداده که دروغ گفته است و اگر راست بگوید حد بر او جاری می شود بنابراین از انجام آن عمل منصرف گردید. از منظر اجتماعی نیز، مهمترین سرمایه یک جامعه، اعتماد متقابل و اطمینان عمومی است و چنین فضائل را هیچ چیز به اندازه دروغ و خیانت و تقلب از بین نمی برد. امام علی(ع) در کلمات قصارش می فرماید: «از دوستی با دروغگو بپرهیز که او همچون سراب است دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می سازد»^۱

تکمله بحث صداقت را نیز با آیه ای از قرآن کریم خاتمه می دهیم که خداوند سبحان فرمودند:

«قال الله هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم لهم جنات تجری من تحتهم الانهار خالدین فیها ابدأ رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم»^۲

«خدا گفت این روزی است که صادقان از راستی خود بهره مند می شوند برای آنها بهشت هایی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است که در آن به نعمت ابدی متنعم خواهند بود».

۱- نهج البلاغه - کلمات قصار - ۳۷

۲- مانده - ۱۱۹

• وفای به عهد:

وفا راستی به زبان و عمل است. وفا برادر راستی و عدالت است. اگر وفای به عهد نباشد دلها از هم بیزار و راه معیشت بر مردم بسته خواهد شد به همین دلیل خداوند می‌فرماید: «و اوفو بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون»^۱ «شما به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد شما وفا کنم». و نیز می‌فرماید: «اوفوا بعهدالله اذا عاهدتم» «هنگامیکه با خدا معاهده کردید به عهدتان وفا کنید» در آیه دیگری نیز آمده است: «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤولاً»^۲ «به عهد خود وفا کنید زیرا عهد مورد سؤال قرار گرفت».

امام صادق (ع) فرموده است: «سه چیز است که هیچکس در آنها عذرش پذیرفته نیست: ۱- باز گرداندن امانت به صاحبش، چه درستکار باشد چه بد کار ۲- وفای به عهد و پیمان چه در برابر نیکوکار باشد چه بد کار ۳- نیکی به پدر و مادر چه آنها نیکوکار باشند چه بد کار»^۳

اساساً وفای به عهد سبب افزون شدن اعتماد اجتماعی می‌شود و جزء آندسته از فضایل اخلاقی است که نظم و سلامت جامعه به آن بستگی دارد. امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر میان خود و دشمنت پیمان بستی و یا تعهد کردی که به او پناه دهی به آن وفا کن و تعهد خودت را چون امانتی پاس بدار و جان خودت را در گرو پیمان و عهد خودت قرار ده زیرا علیرغم اختلاف عقیدتی هیچیک از فرائض الهی به اندازه وفای به عهد مورد اتفاق مردم نیست و حتی مشرکان نیز پیمان‌هایی که به مسلمین بسته بودند مورد احترام قرار می‌دادند زیرا عواقب پیمان شکنی را چشیده بودند بنابر این نسبت به آنچه به گردن

۱- بقره- ۴۰

۲- اسراء- ۳۴

۳- بحار- ج ۷۴- باب ۲

گرفته ای عذر میاور و در عهد و پیمانت خیانت مکن و دشمنت را فریب مده، همانا جز نادان نگون بخت، کسی ر خداوند گستاخی نمی کند و خداوند عهد و پیمانش را امنیتی قرار داده که از روی رحمتش بین بندگان گسترانیده و حریم و پناهگاهی قرار داده که به استواری آن زندگی می کنند و در پناه آن قرار می گیرند»^۱.

صداقت در وعده و وفای به عهد از چنان درجه ای از اهمیت برخوردار است که خداوند سبحان، حضرت اسماعیل (ع) را پیش از آنکه پیامبر خطاب کند «صادق الوعد» نامیده است: «و اذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً»^۲ «در کتاب آسمانی خود از اسماعیل یاد کن که در وعده اش راستگو و وفادار بود و او پیامبر و رسول بود»

• حسن خلق:

«فبما رحمۃ من الله لنت لهم و لوکنت فظاً غلیظ القلب لا انفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم»^۳ «رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوشخوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از گرد تو متفرق می شدند». در آیه دیگری خداوند کریم خطاب به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «انک لعلی خلق عظیم»^۴ «همانا تو دارای اخلاق و رفتار والا و پسندیده ای هستی.»

همچنین در آیه دیگری اهمیت الفت و مهربانی را بیان فرموده است: «والفت داد دلهای مؤمنان را، دلهاییکه اگر تو با تمام ثروت روی زمین می خواستی الفت

۱- نهج البلاغه - عهد نامه مالک اشتر

۲- مریم- ۵۴

۳- آل عمران - ۱۵۹

۴- قلم- ۴

دهی نمی توانستی لیکن خدا تألیف قلوب آنها کرد که او بر هر کاری مقتدر و به اسرار و مصالح امور داناست.^۱

علمای اخلاق در تعریف حسن خلق گفته اند: «حسن خلق به حالات نفسانی از نفس انسان گفته می شود که انسان را به حسن معاشرت با مردم توأم با گشاده رویی و خوش زبانی و مدارا بر می انگیزد.»

امام صادق(ع) در روایتی حسن خلق را مورد تعریف قرار داده اند: «حسن خلق این است که بالهای خود را نرم کنی و گفتار خود را پاکیزه سازی و برادر دینی خود را با چهره ای گشاده ملاقات کنی»^۲

حسن خلق اساسی ترین عامل در جهت جلب قلوب مردم و بدست آوردن رضایت و محبت آنهاست و این خصیصه نیک؛ تنها عاملی بسیار مهم در جلب قلوب است که خود مقدمه پذیرش و اقبال عمومی نسبت به سایر صفات و فضائل اخلاقی نیز محسوب می شود چنانکه جود و بخشش و انفاق در صورتی مطلوب و پذیرفتنی است که همراه با حسن خلق باشد. چنانکه در قرآن کریم آمده است: «فقیر سائل را به زبان خوش و طلب آمرزش رد کردن بهتر است از آنکه صدقه دهند و از پی آن آزار کنند.»^۳

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «برترین شماخوش اخلاقتین شماست آنانکه بابزرگواری از یکدیگر پذیرایی میکنند، با دیگران انس می گیرند و دیگران نیز با آنها مأنوس هستند و در خانه را به روی هم می گشایند»^۴. و نیز فرمودند: «اولین چیزی که در روز قیامت در میزان اعمال بنده قرار می گیرد اخلاق پسندیده

۱- انفال - ۶۳

۲- بحار - ج ۷۱ - باب ۹۲

۳- بقره - ۲۵۳

۴- اصول کافی - ج ۲

اوست.»^۱ و نیز فرموده اند: «محبوب ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت همانا نیکوترین شما از نظر اخلاق است»^۲ و امام علی (ع) نیز در این خصوص فرموده اند: «هیچ قرین و همنشینی بهتر از اخلاق پسندیده نیست»^۳ امام حسن مجتبی (ع) نیز که خود در سیرت و صورت هر دو نیکو بود فرمودند: «نیکوترین نیکویی ها، اخلاق نیکوست»^۴ و در همین مضمون ، امام باقر(ع) فرمودند: «کاملترین مؤمنین از نظر ایمان، نیکوترین آنها از نظر اخلاق است»^۵ امام علی (ع) در توصیف خلق و خوی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «بخشنده ترین مردم بود ، باحوصله ترین آنها، راستگوترین و وفادار ترین آنها به عهد و پیمان، نرم خوترین و بزرگواریترین آنها در معاشرت بود. هر کس برای اولین بار او را می دید به وجد و نشاط می آمد و هر کس با او همنشین می شد و او را می شناخت دوستدار او می گردید».^۶

حسن خلق آثار و برکات فراوانی به همراه دارد که اولین آن زیاد شدن روزی است چنانکه پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «خلق نیکو، روزی را زیاد می کند.»^۷ امام علی (ع) نیز فرموده اند: «اخلاق نیکو روزی ها را زیاد میکند و دوستان را با یکدیگر مأنوس می سازد.»^۸

۱- بحار - ج ۷۱- باب ۹۲

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۵- همان

۶- بحار - ج ۱۶- ب ۹

۷- بحار - ج ۷۱

۸- غررالحکم

• احسان به والدین و صلہ رحم:

نیکی به پدر و مادر از جمله مسائلی است که هم عقل بدان رهنمون می شود و هم عاطفه، فرد را بر آن تشویق می نماید و هم شرع، بدان تأکید فراوان دارد به گونه ای که در چهار سوره از قرآن کریم نیکی به والدین بلافاصله بعد از مسأله توحید قرار گرفته است و این نوع بیان، نشانگر اهمیت غیر قابل انکار نیکی به پدر و مادر است. آیات مذکور عبارتند از: «**لا تعبدون الا الله و بالوالدین احسانا**»^۱، «**واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احسانا**»^۲، «**الاتشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا**»^۳، «**وقضى ربك ربك الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا**»^۴

سید قطب روایتی از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است بدین مضمون که: مردی مشغول طواف کعبه بود و مادرش را بر دوش گرفته طواف می داد. پیامبر (ص) را در همان حال مشاهده کرد عرض کرد آیا حق مادرم را با این کار انجام دادم، فرمود: نه، حتی جبران یکی از ناله های او را هنگام وضع حمل نمی کند. «^۵ نیکی به پدر و مادر نزد خداوند از چنان اهمیت و تعالی برخوردار است که خداوند کریم بزرگترین سوره قرآن یعنی، بقره را با محوریت داستانی نازل فرمود که مضمون آن نیکی به پدر است. می گویند یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته شد و قاتل آن معلوم نبود. حضرت موسی(ع) برای پیدا کردن قاتل دستور میدهد گاوی را بکشند و قطعه ای از بدن آنرا به مقتول بزنند تا زنده

۱- بقره - ۸۳

۲- نساء - ۳۶

۳- انعام - ۱۵۱

۴- اسراء - ۲۳

۵- فی خلال القرآن - ص ۳۱۸

شود و قاتل را معرفی کند. آن گاو مشخصات خاصی داشت که تنها نزد یکنفر یافت می شد می گویند صاحب این گاو، مرد نیکو کاری بود و نسبت به پدر خویش احترام فراوانی قائل می شد. در یکی از روزها که پدرش در خواب بود معامله پر سودی برای او پیش آمد ولی او به خاطر اینکه پدرش ناراحت نشود حاضر نشد وی را بیدار سازد و کلید صندوق را از او بگیرد و در نتیجه معامله به هم خورد. خداوند به جبران این گذشت و احترام جوان، معامله پر سود مذکور را برای او فراهم نمود.

صله رحم و داشتن ارتباط با خویشاوندان نیز از جمله اموری است که از سوی اسلام مورد تأکید بسیاری قرار گرفته است. اهمیت صله رحم تا آنجا است که پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «پیوند با خویشان، شهرها را آباد می سازد و بر عمرها می افزاید هر چند انجام دهندگان آن از نیکان هم نباشند»^۱

قرآن کریم می فرماید: «شما که در زمین فساد می کنید و قطع رحم می نمایید مشمول لعنت خدا هستید و از رحمت او دور»^۲ علت اینکه اسلام نسبت به نگهداری و حفظ پیوند خویشاوندی این همه پافشاری کرده این است که همیشه برای اصلاح، تقویت پیشرفت، تکامل و عظمت بخشیدن به یک اجتماع بزرگ، چه از نظر اقتصادی یا نظامی و چه از نظر جنبه های معنوی و اخلاقی باید از واحدهای کوچک آن شروع کرد.

این بخش را با گفتار زیبایی از امام علی(ع) به پایان می رسانیم. ایشان در خصوص صله رحم و کمک به خویشاوندان می فرماید: «آگاه باشید، هیچکس از شما نباید از خویشاوندان آنها را در فقر و پریشانی و سختی می بیند روی بگرداند در حالیکه می تواند گرفتاری او را با ثروت خود برطرف نماید. ثروتی که

۱- سفینه النجاة - ماده رحم

۲- محمد (ص) - ۲۲

اگر از آنان دریغ کند بر آن افزوده نمی شود و اگر در راه آنان به کار بندد. کم نمی شود بدانید کسی که دست خود را از خاندان خود قطع آنان را از یک دست محروم کرده است در حالیکه خود را از دستهای بسیاری محروم می کند و کسی که با خویشان خود مهر بان و نرم خو باشد مودت و دوستی را در خاندان استمرار بخشیده است.^۱

• حیا و عفت:

«حیا عبارتست از خود داری نفس از انجام کارهای زشت و از نخستین خصایص و نیروهای ادراکی است که در دوران کودکی خود را می نمایاند. حیا خوئی است که خود از دو خصیصه دیگر جن و عفت ترکیب یافته است. عفت نیز عبارتست از جلوگیری نفس از لذات حیوانی و آن حالتی است میان حد افراط شهوت که آنرا «شره» گویند و حدتفریط آن را «خمود شهوت» گویند. عفت نفس، اساس تمام فضائل از جمله: قناعت و زهد و سخاوت است و بی عفتی، مانعی است برای کسب سایر فضیلت های اخلاقی»^۲ خداوند کریم، پیرامون این صفات اخلاقی پسندیده آیاتی را نازل فرموده است که به برخی از آنها اشاره می شود: **«وَاللّٰهُ يَرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْكُمْ وَيَرْيِدَ الَّذِيْنَ يَنْبَعُوْنَ الشَّهَوَاتِ اَنْ تَمْلِكُوْا مِثْلًا عَظِيْمًا»**^۳. «و خدا میی خواهد بر شما بازگشت به رحمت و مغفرت فرماید و مردم هوسناک پیرو شهوات می خواهند که شما مسلمین، از راه حق و از رحمت الهی، بسیار دور و منحرف گردید» خداوند متعال در آیاتی دیگر از قرآن کریم به طور صریح به موضوع عفت و چشم پوشی از نامحرم و نیز مسئله حیا و حجاب اشاره می فرماید:

۱- نهج البلاغه - خطبه ۲۳

۲- تربیت و اخلاق - علی فاضلی - ص ۲۲۰

۳- نساء - ۲۷

«قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلك ازکی

لهم ان الله خبير بما يصنعون»^۱

«ای رسول، مردان مؤمن را بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بیوشاند و فرج و اندامشان را از کار زشت محفوظ دارند که این بر پاکیزگی جسم و جان شما اصلح است و خدا به هر چه می کنید آگاه است.»

«و قل للمؤمنات يغضن من ابصرهن و يحفظن فروجهن ولا

یبدین زینتهن الا ما ظهر منها»^۲

«ای، رسول زنان مؤمن را بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بیوشند و فرج و اندامشان را از عمل زشت محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز به ناچار ظاهر می شوند بر بیگانه آشکار نسازند.»

• شکر و سپاسگزاری:

آن است که شخص، نعمتی را به نظر آورده آنرا اظهار کند، خداوند شکر را وسیله ای برای زیادتی نعمت قرار داده چنانکه می فرماید: «لئن شکرتم لأزیدنکم»^۳ «اگر سپاس دارید نعمت شمارا افزون می کنم» رسول خدا را هر گاه امری رخ می نمود که شادمان می شد، میفرمود: «خدا را برای این نعمت شکر می کنم»؛ و چون امری پیش می آمد که غمگین می گشت می فرمود: «خدا را در هر حال شکر»^۴

ابتدا باید بدانیم که حقیقت شکر چیست ؟ آیا حقیقت شکر تنها تشکر زبانی یا گفتن الحمد لله و مانند آن است؟ شکر گذاری خود دارای مراحل است: تحت

۱- نور- ۳۰

۲- نور- ۳۱

۳- ابراهیم ۷

۴- جامع السعادت - مولی مهدی نراقی - ص ۴۳۴

آنکه بدانیم بخشنده نعمت کیست و پس از آن و به صورت زبانی از او تشکر نماییم اما مرحله مهمتر از آن مرحله عمل است. بدین معنی که در یابیم که آن نعمت برای چه منظوری و با چه هدفی بخشیده شده است پس آنرا در مورد خودش صرف کنیم که در غیر این صورت کفران نعمت کرده ایم. قرآن کریم تعداد شکر گزاران واقعی را اندک شمرده است: «**قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ**»^۱ «کمتر شکر او را بجا می آورید» و نیز می فرماید: «**وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ**»^۲ «بیشتر آنها شکر گذاری نمی کنند»

امام صادق (ع) می فرماید: «**ادنى اشكر رؤيه النعمه من الله من غير عليه متعلق بهادون الله، و الرضا بما اعطاه و ان لا تعصيه بنعمه و تخالفه بشيء من امره و نهيه بسبب من نعمه**»^۳ «کمترین تشکر این است که نعمت را از خدا بدانی بی آنکه قلب تو مشغول به آن نعمت شود و همچنین راضی بودن به نعمت او و اینکه نعمت خدا را وسیله عصیان او قرار ندهی و اوامر او را با استفاده از نعمتهایش زیر پا نگذاری.» و نیز در جای دیگر می فرماید: «شکر نعمت آن است که از گناهان پرهیز شود»^۴

اهمیت شکر به اندازه ای است که پیامبر گرامی اسلام (ص) آنرا نیمی از ایمان دانسته اند: «ایمان دو نیمه است، نیمه ای صبر و نیمه ای شکر»^۵. همانگونه که در قرآن کریم نیز آمده است شکر گذاری سبب افزون شدن نعمت می گردد بر همین اساس امام علی (ع) در نهج البلاغه چنین فرموده اند: «هنگامیکه مقدمات

۱- اعراف - ۱۰

۲- مؤمنین - ۲۳

۳- سفینه البحار - ماده شکر

۴- نور الثقلین - ج ۲ - ص ۵۲۹

۵- مجمع البیان - فخر رازی

نعمتهای خداوند به شما می رسد سعی کنید با شکر گذاری، بقیه را به سوی خود جلب کنید نه آنکه با کمی شکر گذاری آن را از خود برانید^۱ نکته دیگری که توجه به آن در این مقام ضروری است آن است که تنها تشکر و سپاسگزاری از خداوند در برابر نعمتها کافی نیست بلکه باید از کسانیکه وسیله آن موهبت را فراهم نموده اند نیز قدر دانی به عمل آید و حق زحمات آنان ادا شود. امام سجاده(ع) در این خصوص می فرماید: «روز قیامت که می شود خداوند به بعضی از بندگان می فرماید: آیا فلان شخص را شکرگذاری کردی؟ عرض می کند: پروردگارا من شکر تو را بجا آوردم، می فرماید: چون شکر او را بجا نیاوردی شکر مرا هم ادا نکردی. پس امام فرمود: اشکرکم الله اشکر کم للناس؛ شکر گذار ترین شما برای خدا آنها هستند که از همه بیشتر شکر مردم را بجا می آورند.»

احیای روح شکر گذاری در جامعه وارج نهادن و تقدیر و سپاس از کسانیکه با علم و دانش و هنر خویش و یا با فداکاری و خدمات خود و یا سایر مجاهدات و تلاش ها در طریق پیشبرد اهداف اجتماعی خدمت کرده اند یک عامل مهم حرکت و شکوفایی و پویایی جامعه است. در اجتماعی که روح تشکر و قدر دانی نسبت به یکدیگر کمرنگ شود، دیگر انگیزه و دلگرمی جهت خدمت باقی نمی ماند. و بالعکس در جوامعی که نسبت به خدمات افراد احساس قدر دانی بیشتری وجود دارد از نشاط و پیشرفت بیشتری برخوردارند .

۱- نهج البلاغه - کلمات قصار ۱۳

چکیده:

هر فرد، پس از شناخت خود و معرفت نفس و کسب آگاهی از چیستی کمال و سعادت و چگونگی و راه رسیدن به آن کمال، نسبت به کسب برخی فضائل اخلاقی می بایست اهتمام ورزد. تواضع و فروتنی، حلم و صبر، صدق و راستی، وفای به عهد، حسن خلق، مهربانی، عفو و گذشت، احسان به والدین، حیا و عفت، شکر و سپاسگزاری از جمله این موارد محسوب می شوند.

سؤالات تشریحی:

۱. به طور اختصار درباره احسان به والدین و حسن خلق و مهربانی توضیح دهید؟
۲. شکر و سپاسگزاری و نیز وفای به عهد را از نظر آیات و روایات بررسی نمایید؟
۳. دو مورد از فضایل اخلاقی را نوشته و بطور مختصر توضیح دهید.
۴. تعریف حیا و عفت را بنویسید.

سؤالات تستی:

- ۱- این روایت از کدام معصوم است: «زینة الشریف، التواضع»
الف- پیامبر اکرم(ص) ب- امام علی(ع) ج- امام رضا(ع)
- ۲- این آیه قرآنی با کدام گزینه ذیل تناسب دارد:
«قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم»
الف- صدق و راستی ب- وفای به عهد ج- حیا و عفت

درس پنجم

رابطه انسان با خانواده ۲

سئوالات اساسی درس :

- ۱- برخی از ردائل اخلاقی که در روابط با خانواده، والدین و دوستان می بایست ترک شود کدامند؟
- ۲- آیات و روایات وارده درباره ردائل اخلاق چه می گویند؟

رذائل اخلاقی

• غیبت:

غیبت در لغت عبارتست از «در غیاب دیگران بد گویی کردن و سخن ناخوشایند گفتن نسبت به دیگران»^۱ و تعریف اصطلاحی آن عبارتست از گفتگو کردن از نقایص و عیوب برادر دینی در غیاب او به گونه ای که اگر با خبر شود، ناراحت خواهد شد خواه نقص او از منظر دینی و اخلاقی باشد یا از نظر جسم، گفتار و پیامبر اکرم(ص) در این زمینه می فرماید: «ای گروهی که به زبان ایمان آورده اید و نه با قلب! غیبت مسلمانان نکنید و از عیوب پنهانی آنها جستجو ننمایید زیرا کسی که در امور پنهانی برادر دینی خود جستجو کند خداوند اسرار او را فاش می سازد و در دل خانه اش رسوایش می کند»^۲

اصولاً سرمایه بزرگ انسان در زندگی، حیثیت و آبرو و شخصیت اوست بنابراین یکی از مهمترین فلسفه های تحریم غیبت و قرار گرفتن آن در ردیف گناهان کبیره آن است که این سرمایه بزرگ از بین نرود و تحیثیت افراد، لکه دار نشود.

۱- فرهنگ فارسی عمید

۲- المحجة البيضاء - ص ۲۵۲

نکته دیگر آنکه غیبت، بدبینی آفریند، پیوندهای اجتماعی را سست می کند، سرمایه اعتماد عمومی را از بین می برد و پایه های تعاون و همکاری را متزلزل می سازد، بذر کینه و عداوت را در دلها می پاشد و گاه سرچشمه نزاعهای پردامنه می گردد. تعبیر عجیب و تکان دهنده ای در خصوص حفظ آبروی دیگران از سوی پیامبر اکرم(ص) بیان گردیده که ذکر آن تا حد زیادی اهمیت پرهیز از غیبت و امثال آنرا روشن می سازد: «درهمی که انسان از ربا بدست می آورد گنااهش نزد خدا از سی و شش زنا بزرگتر و از هر ربا بزرگتر، آبروی مسلمان است»^۱

در موضوع غیبت، ذکر عیوب پنهانی به هر قصد و نیتی که باشد غیبت و حرام است و ذکر عیوب آشکار اگر به قصد مذمت باشد آن نیز حرام است. باید توجه داشت که عذرهای عوامانه ای که برخی از مردم برای توجیه غیبت خود می آورند پذیرفته نیست چنانکه گاهی می گویند این صفت در او هست و یا اینکه من این حرف را در حضور خودش هم می گویم. گفتن چنین سخنانی پیش روی فرد نه تنها از گناه غیبت نمی کاهد بلکه گاهی به گناه بزرگتری یعنی تهمت تبدیل می شود. غیبت مانند بسیاری از صفات رذیله، گاهی تبدیل به یک بیماری روحی سرطانی می شود و گه گاه کار به جایی می کشد که غیبت کننده از کار خود لذت هم می برد و ریختن آبروی افراد برای او جنبه نفریح و شادی را فراهم می آورد. غافل از آنکه غیبت جنبه حق الناس دارد و جبران آن به سادگی امکان پذیر نمی باشد.

غیبت کردن در قرآن کریم به خوردن گوشت برادر مرده انسان تشبیه شده است چنانکه می فرماید: «هیچیک از شما از دیگری غیبت نکند آیا از شما فردی

۱- همان - ص ۲۵۳

هست که دوست داشته باشد گوشت برادر مرده خود را بخورد. یقیناً همه شما از چنین کاری بیزارید»^۱

امام علی (ع) نیز در خصوص غیبت فرموده اند: «غیبت بر هر مسلمان حرام است و همانگونه که آتش، هیزم را می خورد، غیبت کردن نیز کارهای نیک انسان را از بین می برد.»^۲

● حسد:

حسد که در فارسی از آن تعبیر به رشک می شود به معنی آرزوی زوال نعمت از دیگران است خواه آن نعمت به حسود برسد یا نرسد؛ حسد انگیزه و عامل بسیاری از جنایات و بزه های اجتماعی است فرد حسود، بیش از آنکه به دیگران آسیب برساند خود از نظر جسمی و روحی آسیب می بیند چنانکه امام علی (ع) می فرماید: «عجیب است که حسودان از سلامت جسم خود بکلی غافلند. از نظر معنوی نیز جسد، نشانه کمبود شخصیت و نادانی و کوتاه فکری و ضعف و نقص ایمان است. امام صادق (ع) در همین ارتباط می فرماید: «حسد و بد خواهی از تاریکی قلب و کوردلی است و از انکار نعمتهای خدا به افراد سرچشمه می گیرد و این دو (کوردلی و ایراد بر بخشش خدا) دو بال کفر هستند، به سبب حسد بود که فرزند آدم در یک حسرت جاودانی فرو رفت و به هلاکتی افتاد که هرگز از آن رهائی نمی یابد»^۳

در قرآن کریم آمده است که: «نخستین قتل و کشتاری که در روی زمین واقع شد عامل آن حسد بود.»^۴

۱- حجرات - ۱۲

۲- کشف الریبه - ص ۹

۳- مستدرک الوسائل - ص ۳۲۷

۴- مانده - ۲۷

در نهج البلاغه نیز آمده است که: «حسد، تدریجاً ایمان را می خورد همانطور که آتش، هیزم را تدریجاً از بین می برد.»^۱

از امام صادق(ع) نقل شده است که: «اصول وریشه کفرو عصیان، سه چیز است: حرص و تکبر و حسد»^۲

حسد، چهار صورت و حالت دارد که عبارتند از: ۱- شخص، دوست دارد نعمت از دیگری گرفته شود در حالیکه آنرا برای خود هم آرزو نمی کند ۲- شخص به قیمت از بی رفتن نعمت از دست خود، آرزوی زائل شدن نعمت را برای دیگری می کند ۳- آرزوی داشتن نعمتی را که در دست دیگری است دارد که اگر آن را دارا نشود آرزوی از بین رفتن آن نعمت را از آن شخص می نماید ۴- شخص دوست دارد شبیه یک نعمتی را داشته باشد در عین حال از بین رفتن آن را برای فرد دیگر نیز آرزو نمی کند. در بیان موارد فوق، شکل چهارم، پسندیده و نیکوست که به آن «غبطه» گفته می شود. «غبطه» نه تنها عامل مخرب و باز دارنده ای نیست که عاملی در جهت تکامل معنوی و اخلاقی انسانها به شمار می رود.

در تکمله این بخش به جملات قصار امام علی (ع) در خصوص حسد و حسادت اشاره می نماییم:

«حسد، زندان روح است.»^۳ ، «حسد، بدترین بیماری هاست»^۴ «سرچشمه زشتی ها حسد است»^۵

۱- نهج البلاغه - خطبه ۸۶

۲- اصول کافی - ص ۲۱۹

۳- غررالحکم - ج ۱ - ص ۱۰۰

۴- همان

۵- غرر - ج ۴ - ص ۵۰

«حسد، مرکب رنج و ناراحتی است»^۱، «حسود، از بین رفتن نعمت را از دست فرد مورد نظر، نعمتی برای خود می داند»^۲، «حسود، قبل از آنکه به طرف مقابل ضرر بزند به خود ضرر می رساند مانند ابلیس که با حسد خود برای خودش لعنت الهی را موجب شد و برای آدم(ع) برگزیده شدن به پیامبری»^۳

• دروغ:

دروغ، عبارتست از «اظهار آنچه خلاف واقع و باور انسان است» بر این اساس، سخن دروغ درخود دو شرط را حمل می کند یکی آنکه آنچه بر زبان می آید با واقعیت مطابقت نداشته باشد، دیگر آنکه با توجه به علم و آگاهی و باور و اعتقاد شخص، خلاف واقع باشد پس اگر کسی بگوید که خلاف واقع است اما به نظر خودش حقیقت و واقعیت است در این صورت نمی توان وی را با عنوان «دروغگو» خطاب نمود. خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم به خدمت دروغ پرداخته است: «ان الله يهدى من هو كاذب كفار»^۴ «خداوند کسی را که دروغگو و ناسپاس باشد هدایت نمی کند» و نیز در آیه ای دیگر می فرماید: «فنجعل لعنة الله على الكاذبين»^۵ «آنگاه لعنت و نفرین خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم» در آیات و احادیث وارد شده از ائمه هدی (ع) نیز، آثار و عواقب دروغ و دروغگویی ذکر شده است چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرموده

۱- بحار - ج ۷۸ - ب ۱۵

۲- مستدرک - ج ۱۲ - ص ۱۳۴

۳- بحار - ج ۷۳ - ب ۱۳۱

۴- زمر - آیه ۳

۵- آل عمران - عمران - ۶۱

اند: «**كثرة الكذب يمحوا الايمان**»^۱ «زیادی دروغ، ایمان را از بین می برد» و نیز می فرماید: «از دروغ بپرهیزد زیرا دروغ، دور کننده ایمان است»^۲

امام علی (ع) نیز در همین زمینه می فرماید: «از دروغ دوری کنید زیرا آن دور کننده ایمان است. راستگو بر راه رستگاری و کرامت است و دروغگو بر لبه پرتگاه هلاکت و خواری است.»^۳

امام حسن عسکری (ع) دروغ را کلید همه گناهان شمرده است: «تمامی خیانتها و پلیدی ها در خانه ای قرار گرفته که کلید آن دروغ است.»^۴ امام علی (ع) از بین رذائل اخلاقی، دروغ را بدترین و زشت ترین آنها دانسته است: «بدترین خصلتهای اخلاقی، دروغ و نفاق است.»^۵ و یا می فرماید «هیچ خویی زشت تراز دروغ نیست.»^۶ امام صادق (ع) نیز فرموده است: «عاقل دروغ نمی گوید هر چند نفع او در آن باشد» نکته قابل ذکر در این خصوص آن است که دروغ در برخی مواضع و پیشامدها و برای جلوگیری از یک زیان سنگین جانی آبرویی و یا حتی مالی مجاز شده است. البته این اضطرار و ناچارى در جایی است که ضرر سنگین و غیر قابل تحملی در کار باشد و نیز گاهی برای رفع اختلاف و از بین بردن کدورت و دشمنی میان مردم اگر امکان اصلاح و صلح و آشتی بین آنها جز از طریق دروغ، وجود نداشته باشد در این مورد دروغ گفتن اشکالی ندارد. نکته آخر اینکه دروغ یکی از گناهان کبیره است که بخاطر سهولت در کاربرد آن برای رسیدن به هدفی، بسیاری از انسانها مرتکب آن می شوند. از آنجا که دروغگویی

۱- کنز العمال - ج ۳ - ص ۶۲۰

۲- همان

۳- بحار - ج ۷۷ - ب ۱۴

۴- بحار - ج ۷۲ - ب ۱۱۴

۵- غرر - ج ۴ - ص ۱۶۶

۶- همان

در ایجاد جو بد بینی و بی اعتمادی در جامعه، نقش بسیار مؤثری دارد از نظر اسلام و آموزه های دینی، یکی از زشت ترین صفات اخلاقی در معاشرت اجتماعی به شمار می رود.

• سوء ظن:

برخی از مردم بواسطه حس بدبینی و منفی نگرانه که نسبت به سایرین دارند اغلب، رفتار و گفتار دیگران را بوجه منفی و زشت آن حمل نموده و آنان را افرادی ناسالم و بدکردار تلقی می نمایند. اگر چنین تصور و اندیشه ای خلاف حقیقت و غیر واقع باشد به آن بد گمانی و سوء ظن گویند. این خصیصه بد از یکسو گناه و صفت زشت به حساب می آید و از سوی دیگر خود، منشاء برخی ردائل اخلاقی دیگر خواهد بود.

قرآن کریم در این مورد می فرماید: «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظن.....» «ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزد زیرا بعضی از آنها گناه است و در کار یکدیگر تجسس نکنید و کسی از شما از دیگری غیبت نکند»^۱ در منابع دینی اصلی وجود دارد بنام «اصالت صحت» بدین مضمون که درباری امر و بدون اطلاع از چون و چرای هر قضیه و ماجرا آنرا حمل بر صحت و درستی نمود. امام علی (ع) می فرماید: «امر برادر دینی ات را بر نیکوترین وجه قرار بده مگر آنکه دلیل و حجتی بر خلاف آن پیدا و حجتی بر خلاف آن پیدا کنی و هیچگاه نسبت به سخنی که از برادرت شنیده ای بد گمان مباش مادامی که می توانی آن را توجیه نیکویی کنی.»^۲

همچنین در خصوص آثار زیانبار و مخرب سوءظن و بدگمانی نیز احادیثی وارد شده است که برخی از آنها اشاره خواهد شد یا امام علی (ع) در این خصوص

۱- حجرات - ۱۲

۲- بحار - ج ۷۴ - ب ۱۳

فرموده اند: «کسی که گمان خود را نیکو ساخته از همگان ترس و وحشت دارد.»^۱ و نیز فرموده اند: «بدگمانی، کارها را فاسد می کند و مردم را به شرارت وامی دارد.»^۲

وجود حسن ظن و مثبت نگری در بین افراد یک جامعه از جمله عوامل و شاخصه های مؤثر در استحکام اعتماد عمومی در آن جامعه است و در مقابل آن فزونی یافتن سوءظن و بدگمانی همچون خوره ای، ریشه اعتماد عمومی را از بین می برد و جامعه را دچار بدبینی فراگیر و غیر قابل مهار می سازد. برهمین اساس امام علی (ع) سوء ظن را عامل تفرقه و جدایی مردم معرفی نموده اند: «کسی که بدگمانی بر او غلبه کند، هیچ صلح و صفایی بین دوستان خود باقی نمی گذارد»^۳

۱- غررالحکم - ج ۵ - ص ۴۴۲

۲- همان - ج ۴ - ص ۱۳۲

۳- همان - ج ۵ - ص ۴۰۶

چکیده:

غیبت، حسد، دروغ و سوء ظن از جمله ردائل اخلاقی می باشند که در آیات قرآن کریم و روایات ائمه هدی (علیهم السلام) به صراحت و به کرامت، مورد مذمت قرار گرفته اند و اینگونه ردائل اخلاقی نه تنها در روابط خانوادگی اسباب بی اعتمادی، کم مهری و دوری افراد خانواده را از یکدیگر سبب می شود. در روابط اجتماعی نیز بسیاری از ناهنجاریها و بزه های اجتماعی را سبب می گردد.

سؤالات تشریحی:

۱. آیات و روایات وارد شده درباره سوءظن را به طور اختصار بیان کنید؟
۲. حالت‌های مختلف حسد را نام برده و دو روایت از امام علی (ع) در خصوص این رذیله اخلاقی بیان نمایید؟
۳. معنای لغوی و اصطلاحی غیبت را به همراه حدیثی از حضرت علی (ع) در خصوص این رذیله اخلاقی بنویسید .
۴. آیات و روایات وارد شده درباره دروغ را به طور اختصار بیان کنید؟

سؤالات تستی:

- ۱- این جمله از کیست: «حسد ، زندان روح است»
الف- پیامبر اکرم (ص) ب- امام علی (ع) ج- امام صادق (ع)
- ۲- غیبت در قرآن کریم به چه چیزی تشبیه شده است؟
الف- خورده شدن هیزم توسط آتش
ب- خوردن گوشت برادر مرده
ج- سی و شش زنا

بخش دوم

اخلاق اجتماعی

درس ششم

رابطه انسان با نیازمندان

سؤالات اساسی درس :

۱. جایگاه احسان و نیکوکاری در آیات و روایات چیست ؟
۲. مفهوم احسان و نیکوکاری چه می باشد ؟
۳. آثار احسان به دیگران چیست ؟

^^

۱. احسان و نیکوکاری

یکی از اصول حاکم بر رفتار مومن ، احسان و نیکی است . در آیات متعدد خداوند بهصراحت فرموده است نیکوکاران را دوست می دارد :

و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می دارد .^۱

همچنین در آیه شریفه ۱۳۴ سوره مبارکه آل عمران می فرماید :

همانانکه در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد .

در آیاتی نیز مردم را به نیکی دستور می دهد :

در حقیقت ، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز میدارد.^۲

البته این دستور ویژه اسلام نیست ؛ بلکه خداوند متعال ، پیروان دیگر ادیان را نیز بدین فضیلت سفارش نموده است :

۱. بقره : ۱۲۵

۲. نحل : ۹۰

و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید.^۱

در سخنان پیامبر گرامی اسلامی (ص) و اهل بیت (ع) نیز بر احسان، بسیار تاکید شده است. امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

آیا شما را خبر دهم که بهترین عمل در دنیا و آخرت چه می باشد؟ بخشودن کسانی که به تو ستمی روا داشته اند و نیکی به کسانی که به تو بدی کرده اند و عطا کردن به کسی که از تو مالی را دریغ کرده است.^۲

مولای متقیان حضرت علی (ع) می فرماید:

عملی معادل نیکی کردن به مومنان نیست.^۳

در برخی روایات احسان از ویژگیهای شخص کریم و بزرگوار شمرده شده است:

حضرت علی (ع) می فرماید:

کریم آن است که به دیگران احسان کند.^۴

مفهوم احسان

احسان در لغت به معنای نیکی کردن است. این واژه گاهی در مورد چگونگی و نوع کاری که فرد انجام می دهد؛ به کار می رود و گاه نیز در مورد نوع تعامل فرد با دیگران. در مورد اول احسان یا به معنای انجام کار خوب است یا به معنای خوب انجام دادن کار. اما در مورد دوم به معنای انجام کاری برای دیگران بدن چشم داشت است. تفاوت احسان با عدل نیز در همین است. عدل به این معناست که حق هر صاحب حقی ادا شود؛ به این بیان که اگر کسی به

۱. نساء، ۳۶

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۰۷

۳. تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، صفحه ۳۸۲

۴. همان

شما نیکی کرد ، شما در مقابل به همان اندازه به او نیکی کنید ، اما احسان آن است که برای دیگری کاری انجام دهید اما نه در برابر کاری که او برای شما انجام داده و نه در برابر فردی که به شما پرداخته است .^۱

مصدق های احسان به مردم

۱ . کمک به مردم در هنگام سختی ها :

حضرت امام جعفر صادق (ع) می فرماید :

کسی که به فریاد برادر مومن درمانده و سردرگریان خود – در هنگام شدت گرفتاری اش – برسد و ناراحتی او را برطرف و او را یاری کند تا به خواسته خود برسد ، خداوند در برابر این کار برای او هفتاد و دو رحمت الهی می نویسد . یکی از این رحمتها در دنیا شامل حال او می شود و امر معیشت او را اصلاح می کند و هفتاد و یک رحمت دیگر برای آخرت او برای سختی های روز قیامت ذخیره می شود .^۲

۲ . تلاش برای رفع نیازمندی های مردم :

حضرت امام موسی کاظم (ع) می فرماید :

خداوند در روی زمین بندگان دارد که برای رفع نیازمندی های مردم می کوشند ، اینان در روز قیامت در امان هستند . کسی که مومنی را شاد کند ، خداوند روز قیامت دل او را شاد می کند.^۳

۳ . گرامی داشتن مومنان :

حضرت امام جعفر صادق (ع) می فرماید :

۱ . محمد داوودی ، اخلاق اسلامی ، صفحه ۱۱۸

۲ . محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۰

۳ . همان ، صفحه ۱۹۳

کسی که برادر مسلمان خود را با سخنی ملاطفت آمیز و با رفع مشکلش گرمی بدارد تا هنگامی که در این حال است ، در سایه رحمت خداوند قرار دارد.^۱

آثار احسان

۱. همراهی خداوند :

بر اساس برخی از آیات ، خداوند همواره همراه نیکوکاران است و او را در مشکلات یاری می کند . خداوند در قرآن کریم می فرماید :
در حقیقت ، خدا با کسانی است که پروا داشته اند و کسانی که آنها نیکوکارند.^۲

۲. محبوبیت :

کسی که به دیگران نیکی کند ، محبوب آنها می شود . حضرت علی (ع) می فرماید :

آن که احسانش زیاد شود ، مردم او را دوست می دارند .^۳

۳. بزرگی و عظمت :

مولای متقیان حضرت علی (ع) می فرماید :

بزرگی و بلندی مرتبه با احسان است .^۴

۴. جلب نعمت و دفع بلایا :

مولای متقیان حضرت علی (ع) می فرماید :

نیکی نعمتها را جاری و بلاها را دفع می کند .^۵

۱ . همان ، صفحه ۲۰۸

۲ . نحل : ۱۲۸

۳ . تمیمی آمدی ، غررالحکم و دررالکلم ، صفحه ۳۵۸

۴ . همان

۵ . همان

۵. اصلاح دشمنان :

معمولاً مردم می‌پندارند بهترین راه برای از میان برداشتن دشمنی‌ها و کارهای ناشایست، مقابله به مثل است؛ حال آنکه بر اساس مبانی دینی، بهترین راه برای مقابله با بدیهای دیگران نیکی کردن است، زیرا این کار موجب از بین رفتن دور باطل خشونت شده و از سویی دشمن نیز به خود آمده، از کرده‌های خود پشیمان می‌گردد.

مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرماید :

نیکی کردن تو به دشمنان و حسودانی که با تو حيله کرده‌اند، برای آنان بسیار ناراحت کننده تر از زشت کاری تو به آنهاست و این کار آنان را به اصلاح فرا می‌خواند.^۱

۱. همان

چکیده:

یکی از اصول حاکم بر رفتار مومن، احسان و نیکی است. در آیات متعدد خداوند به صراحت فرموده است نیکوکاران را دوست می دارد . احسان در لغت به معنای نیکی کردن است . این واژه گاهی در مورد چگونگی و نوع کاری که فرد انجام می دهد؛ به کار می رود و گاه نیز در مورد نوع تعامل فرد با دیگران .

سؤالات تشریحی:

- ۱ . جایگاه احسان در آیات و روایات را بصورت مختصر بنویسید .
- ۲ . آیا احسان و نیکوکاری مخصوص دین اسلام می باشد ؟ توضیح دهید .
- ۳ . مفهوم احسان را بنویسید .
- ۴ . تفاوت احسان با عدل چیست ؟

سؤالات تستی:

- ۱ . حضرت علی (ع) : عملی معادل نیست .
الف : نیکی کردن به مردم ب : کار ج : نماز د : روزه
- ۲ . حضرت علی (ع) : نعمتها را جاری و بلاها را دفع می کند .
الف : صدقه ب : نماز ج : نیکی کردن به مردم د : هر سه مورد

درس هفتم

رابطه انسان با خویشاوندان ۱

سؤالات اساسی درس :

۱. جایگاه عدل و انصاف در آیات و روایات چه می باشد ؟
۲. مفهوم عدل و انصاف چیست ؟
۳. موانع عدالت ورزی چه می باشد ؟

۱. عدل و انصاف

در اخلاق اسلامی، عدالت جایگاهی ممتاز دارد. خداوند متعال در قرآن کریم همه را به عدل فرا می خواند:

در حقیقت، خدا به عدالت و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند بگیرید.^۱

در آیه ای دیگر می فرماید:

خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون در میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خداون شما را به آن پند می دهد.^۲

در آیه ای دیگر، پیامبر (ص) را به رعایت عدالت در میان مردم سور می دهد:

۱. نساء: ۳۶

۲. نساء: ۵۸

و بگو: « به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم.»^۱

در روایات اسلامی نیز صفت عدالت و انصاف مورد تاکید قرار گرفته است. نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) در سفارش به حضرت علی (ع) می فرماید:

ای علی! سرور رفتارها سه خصلت است: انصاف با مردم و مواسات با برادر دینی خود برای رضای خداوند و یاد خداوند در هر حال.^۲

همچنین حضرت علی (ع) در روایتی می فرماید:

عدل، رأس ایمان و مجمع نیکی ها و برترین مراتب ایمان است.^۳

مفهوم عدل و انصاف

عدل و داد، متضاد جور و ستم است. در کتابهای لغت در معنای عدالت آمده است:

عدل آن است که نیکی را به نیکی و بدی را به بدی پاسخ دهی.^۴

همچنین عدالت یعنی به حق حکم و داوری کردن.^۵

انصاف نیز مترادف عدل است. در حدیثی از مولای متقیان حضرت علی (ع)

می خوانیم:

عدل همان انصاف است.^۶

۱. شوری: ۱۵

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۷۲، صفحه ۲۷

۳. تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، صفحه ۴۴۶

۴. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ماده عدل

۵. همان؛ ابن منظور، لسان العرب

۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۷۲، صفحه ۲۹

موانع عدالت ورزی :

۱. گرایشهای نفسانی :

یکی از مهمترین موانع عدالت ورزی ، گرایشهای نفسانی است . قرآن کریم در شرح حال انبیاء بر این مطلب تاکید دارد که مخالفان ایشان عمدتاً کسانی بوده اند که دستورات الهی را با امیال نفسانی خود در تضاد می دیدند و از همین رو در مقابل دعوت آنان می ایستادند .

در مسائل فردی نیز همین امر مانع عدالت ورزی است . خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

به دنبال هوس (هوای نفس) نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید .^۱

۲. رابطه خویشاوندی و دوستی :

انسان با خویشاوندان خود رابطه صمیمی و چه بسا منافع مشترکی دارد که این امر موجب می شود از اجرای عدالت در مورد آنان سرباز زند . خداوند متعال در قرآن کریم از مؤمنان می خواهد عدالت را در مورد همه حتی نزدیکان خود رعایت کنند :

ای کسانی که ایمان آورده اید ، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید ، هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد .^۲

۳. دشمنی و خصومت :

ممکن است گاهی بخاطر دشمنی با شخصی ، عدالت را رعایت نکرده و مانع احقاق حقوق وی شویم . خداوند ، مؤمنان را به رعایت عدل دعوت می کند و به آنان سفارش می کند که مبدا دشمنی با گروهی مانع عدالت ورزی آنان شود:

۱. نساء : ۱۳۵

۲. همان

نباید دشمنی، گروهی از شما را بر آن دارد که عدالت نکنید . عدالت داشته باشید که به تقوا نزدیکتر است و از خداوند بترسید که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.^۱

آثار عدل

۱. بزرگی :

در روایات متعددی به این مطلب اشاره شده است که عدالت ، موجب برتری یافتن فرد بر دیگران و موجب بزرگی است . امام علی (ع) می فرماید :
آنکه عدالت ورزد ، قدر و ارج می یابد .^۲

۲. برکت و دوام نعمت :

حضرت امام رضا (ع) می فرماید :
رعایت عدل و احسان ، باعث دوام نعمت است .^۳

۳. پیروزی و ظفر :

حضرت امام صادق (ع) می فرماید :
هیچ دو نفری نیست که در امری اختلاف کنند و یکی از این دو خواهان عدالت و انصاف باشد و دومی نمی پذیرد ، جز آنکه پیروزی با خواهان عدل خواهد بود .^۴

۴. بهبود وضعیت مردم :

حضرت علی (ع) می فرماید :
بهبود وضعیت مردم ، در عدالت است .^۱

۱. مانده : ۸

۲. تمیمی درآمدی ، غرالحکم و دررالکلم ، صفحه ۴۴۷

۳. محمدباقر مجلسی ، بحارالانوار ، جلد ۷۲ ، صفحه ۲۶

۴. محمدبن یعقوب کلینی ، الکافی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۷

۵. رواج احکام الهی :

حضرت علی (ع) می فرماید :

عدل موجب زنده شدن و رونق احکام الهی می شود.^۲

۶. رضای الهی :

امام جعفر صادق (ع) می فرماید :

بنده مسلمانی نیست که در رفتار خود با خداوند خالصانه عمل کند و حق خداوند را از نفس خود بگیرد و حقی را که خداوند برای نفس او معین کرده ادا کند ، جز اینکه خداوند به او دو ویژگی عنایت می کند : رزق الهی که به آن قناعت کند و به دیگران نیازمند نباشد و رضایت الهی که او را نجات دهد.^۳

معیار شناسایی رفتار عادلانه در فرمایش نبی مکرم اسلام ،

حضرت محمد مصطفی (ص)

شخصی نزد پیامبر اسلام (ص) آمد ، در حالیکه حضرت آماده عزیمت برای غزوه بود . اعرابی افسار مرکب پیامبر (ص) را گرفت و عرض کرد : ای رسول خدا ! مرا کاری بیاموز که با آن وارد بهشت شوم . پیامبر (ص) فرمود : چگونه ای با دیگران رفتار کن که دوست داری دیگران با تو رفتار کنند و چگونه ای با دیگران رفتار مکن که دوست نداری با تو رفتار کنند.^۴

۲. اصلاح میان مردم

اصلاح میان مردم از اموری است که در قرآن بر آن بسیار تاکید شده است .

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

۱. تمیمی درآمدی ، غررالحکم و دررالکلم ، صفحه ۴۴۸

۲. همان

۳. محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ، جلد ۷۲ ، صفحه ۲۵

۴. محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی ، جلد ۲ ، صفحه ۱۴۶

در حقیقت مومنان با هم برادرند ، پس میان برادرانتان را سازش دهید و تقوا پیشه سازید ، شاید که مورد رحمت خدا قرار گیرید .^۱

در آیه دیگری خداوند به مومنان دستور می دهد اگر دو گروه از مومنان به جنگ با یکدیگر برخاستند ، میان آن دو صلح و آشتی برقرار کنند :

اگر دو طایفه از مومنان با هم بجنگند ، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد ، با آن که تعدی می کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد . پس اگر بازگشت ، میان آنها را سازش دهید و عدالت ورزید .^۲

در روایات اهل بیت (ع) نیز بر این امر بسیار سفارش شده است . نبی مکرم اسلام ، حضرت محمد مصطفی (ص) می فرماید :

اصلاح میان مردم شاخه ای از نبوت است .^۳

حضرت علی (ع) نیز می فرماید :

اصلاح میان دو نفر برتر از یک سال نماز و روزه مستحب است .^۴

اصلاح میان مردم و برطرف کردن اختلاف میان آنان آنقدر اهمیت دارد که امام صادق (ع) دستور می دهد برای رفع اختلاف میان مردم از اموال شخصی آن حضرت هزینه شود . آن حضرت به مفضل می فرماید :

هر گاه دیدی میان دو نفر از شیعیان ما اختلاف است ، از اموال من به آنها بپرداز و اختلاف آنها را رفع کن .^۵

۱ . حجرات : ۱۰

۲ . همان : ۹

۳ . محمد داودی ، اخلاق اسلامی ، صفحه ۱۴۱

۴ . همان

۵ . محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمه ، جلد ۲ ، صفحه ۱۶۲۲

چکیده:

گرایشهای نفسانی، رابطه خویشاوندی و دوستی و دشمنی و خصومت از موانع عدالت ورزی می باشند. بزرگی، برکت و دوام نعمت، پیروزی، بهبود وضعیت مردم و رضای الهی از آثار عدل می باشد.

سؤالات تشریحی:

۱. مفهوم عدل را بنویسید.
۲. موانع عدالت ورزی را بنویسید و یکی را به دلخواه توضیح دهید.
۳. نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) معیار شناسایی رفتار عادلانه را چگونه بیان می نمایند؟
۴. اهمیت اصلاح میان مردم را بصورت مختصر بنویسید.

سؤالات تستی:

۱. حضرت علی (ع): بهبود وضعیت مردم در است.
الف: نیکی کردن به مردم ب: نماز ج: عدالت د: روزه
۲. حضرت علی (ع): برتر از یک سال نماز و روزه مستحب است.
الف: اصلاح میان دو نفر ب: روزه ج: نیکی کردن به مردم د: هر سه مورد

درس هشتم

رابطه انسان با خویشاوندان ۲

سئوالات اساسی درس :

۱. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چه می باشد ؟
۲. آثار عفو و گذشت در اسلام چیست ؟

١٠٥

الف) امر به معروف و نهی از منکر

دعوت به نیکی و بازداشتن از بدی ، از آموزه های مهم دین اسلام است . خداوند متعال در قرآن کریم ، مسلمانان را بخاطر انجام این دو مهم ، بهترین امت می خواند :

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید ؛ به کار نیک فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید .^۱

همچنین خداوند متعال ، امر به معروف و نهی از منکر را یکی از ویژگیهای زنان و مردان مؤمن شمرده و می فرماید :

مردان و زنان با ایمان ، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند .^۲

اهمیت این مسأله آنقدر زیاد است که قرآن به مسلمانان دستور می دهد همواره گروهی از آنان عهده دار این وظیفه باشند :

۱ . آل عمران : ۱۱۰

۲ . توبه : ۷۱

و باید از میان شما گروهی به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند.^۱

در روایات اهل بیت (ع) نیز بر این دو فریضه مهم بسیار تأکید شده است. نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی (ص) می فرماید:

هر کسی مردم را به کارهای نیک فراخواند و از کارهای زشت باز دارد، جانشین خدا و فرستاده او در زمین است.^۲

حضرت امام علی (ع) می فرماید:

امربه معروف و نهی از منکر، برترین اعمال مردم است.^۳

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید:

هدف و غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود الهی است.^۴

امام محمد باقر (ع) می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، واجبی بزرگ است که دیگر واجبات الهی با آن برپا می شود. امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان است؛ واجب بزرگی است که بوسیله آن دیگر فریضه ها اقامه، راهها امن، درآمدها حلال، مظلالم بازگردانده، زمین آباد و حق از دشمنان گرفته و کارها درست می شود.^۵

۱. آل عمران، ۱۰۴

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، جلد ۳، صفحه ۱۹۴۰

۳. همان، صفحه ۱۹۴۱

۴. همان

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، جلد ۵، صفحه ۵۶

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

امر در لغت یعنی فرمان دادن (درخواستی که شخص مافوق از مادون خود برای انجام کار می‌کند) ولی در اینجا به معنی هر نوع درخواست برای انجام کار است هر چند توسط شخص مادون باشد و از آنجا که این درخواست ، در موارد بسیاری همراه با فرمان است به آن امر گفته می‌شود .

نهی در لغت یعنی منع و بازداشتن(درخواستی که شخص مافوق از مادون خود برای ترک کار می‌کند) ولی در اینجا به معنی هر نوع درخواست برای ترک کار است هر چند توسط شخص مادون باشد و از آنجا که این درخواست در موارد بسیاری از طرف فرد مافوق انجام می‌گیرد به آن نهی گفتند .

معروف در لغت یعنی شناخته شده و در اینجا به معنی کاری است که آئین مقدس اسلام و عقل و فطرت آدمی به عنوان کار نیک می‌شناسد و روی همین جهت معروف گفتند .

منکر در لغت یعنی ناشناخته و در اینجا به معنی کاری است که آیین مقدس اسلام و عقل و فطرت پاک آدمی به عنوان کار نیک نمی‌شناسد بلکه آن را کاری زشت می‌داند و روی همین جهت به آن منکر گفتند .

امر به معروف و نهی از منکر با توجه به موارد فوق الذکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن .

آثار امر به معروف و نهی از منکر

۱. اجرا شدن آموزه های دینی و رواج آنها :

در روایات متعددی آمده است که امر به معروف و نهی از منکر ، موجب می شود دیگر فرائض دینی نیز مورد توجه قرار گیرند .(این مطلب در روایت حضرت امام محمد باقر (ع) که در اول بحث ذکر گردید ، کاملاً مشهود است)

۲. آبادی زمین و برقراری عدالت :

امر به معروف و نهی از منکر موجب می گردد زمین آباد شده و عدالت در جامعه حاکم شود . (این مطلب در روایت حضرت امام محمد باقر (ع) که در اول بحث ذکر گردید ، کاملاً مشهود است)

۳ . تقویت مؤمنان و تضعیف منافقان :

امر به معروف و نهی از منکر موجب رواج دستورهای دینی در جامعه می شود که این امر خود باعث تقویت مؤمنان و در مقابل موجب تضعیف منافقان می شود . حضرت علی (ع) می فرماید :

آن که به نیکی ها امر کند ، مؤمنان را تقویت کرده است .^۱

۴ . حاکمیت یافتن مؤمنان :

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید :

هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان اهل بیت پیروی نکنند ؛ خداوند اشرارشان را بر آنها حاکم می کند .^۲

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

آیات و روایاتی که تا کنون آوردیم ، آشکارا وجوب و ضرورت عمل به این وظیفه اخلاقی را بیان می کنند . به همین علت ، علمای اسلام ، معتقد به وجوب این عمل هستند . البته باید دانست که وجوب این عمل ، کفایی است ؛ بدین معنا که اگر گروهی یا فردی به این وظیفه عمل نمایند ، لازم نیست دیگران به آن اقدام نمایند . علاوه بر این باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که بدون آنها کسی نمی تواند بدان اقدام کند: ۱ . بداند عملی را که شخص دیگر انجام داده حرام ، یا عملی را که ترک کرده ، واجب است .

۱ . محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی ، جلد ۵ ، صفحه ۵۶

۲ . محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۹۴۱

۲. باید معروف و منکر را بشناسد .
۳. باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه ای دارد و در غیر اینصورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند .
۴. که مفسده‌ای به همراه نداشته باشد . یعنی سبب ضرر جانی و مالی نباشد و باعث رفتن آبرویی نشود .
۵. اصرار بر گناه است . یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار و تکرار گناه اصرار داشته باشد .

(ب) عفو و گذشت

عفو و گذشت یکی از مکارم اخلاقی است که در منابع دینی به آن سفارش شده است .

خداوند متعال در قرآن کریم ، پیامبر (ص) را به گذشت از آزار و اذیت‌های اهل کتاب فرا می خواند :

بسیاری از اهل کتاب – پس از اینکه حق بر ایشان آشکار شد – از روی حسدی که در وجودشان بود ، آرزو می کردند که شما را بعد از ایمانتان ، کافر گردانند . پس عفو کنید و درگذرید تا خدا فرمان خویش را بیاورد که خدا بر هر کاری تواناست .^۱

همچنین خداوند به پیامبر اکرم (ص) دستور می دهد :

گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان دوری کن .^۲

در برخی آیات نیز به صراحت مؤمنان را به عفو و گذشت امر می کند :

باید عفو و گذشت نمایند . مگر دوست ندارید که خدا بر شما بیخشايد ؟ و خدا آمرزندهٔ مهربان است .^۱

۱. بقره : ۱۰۹

۲. اعراف : ۱۹۹

در آیه دیگری می فرماید :

و جزای بدی ، مانند آن بدی است . پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند پاداش او بر خداست . براستی او ستمگران را دوست ندارد .^۲

در روایات اهل بیت (ع) نیز بر این مفهوم سفارش شده است . نبی مکرم اسلام ، حضرت محمد مصطفی (ص) می فرماید :

به مکارم اخلاق توجه کنید که خداوند مرا برای آنها برانگیخت و برخی از مکارم اخلاق آن است که آدمی کسی را که به او ستمی کرده است ، ببخشد ؛ به کسی که از او دریغ کرده اعطا کند ، با کسی که رابطه اش را با او قطع کرده ، رابطه برقرار کند و آن که از او عیادت نکرده عیادت کند .^۳

حضرت امام جعفر صادق (ع) می فرماید :

برای خداوند ، جرعه ای محبوب تر از جرعه ای خشم نیست که شخص آن را به صبر یا به حلم فرو برد .^۴

مفهوم عفو و گذشت

عفو به معنای بخشیدن خطای خطاکار و تنبیه نکردن او و معادل گذشت کردن در فارسی است .

در قرآن کریم گاه واژه صفح و غفران نیز در این معنا به کار رفته است . صفح در لغت به معنای صرف نظر کردن و مترادف با عفو است .

اما برخی مفسران گفته اند عفو به معنای تنبیه نکردن و بخشیدن خطاکار و صفح نیز به معنای بخشیدن خطاکار بدون سرزنش کردن است .

۱ . نور : ۲۲

۲ . شوری : ۴۰

۳ . محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ، جلد ۸۶ ، صفحه ۴۲۰

۴ . همان ، صفحه ۳۱۴

غفران نیز به معنای پوشاندن است. از این رو غفران گناه به معنای پوشاندن گناه و گذشتن از آن است.

آثار عفو و گذشت

۱. اجر و پاداش الهی :

پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

هرگاه خشم ، شما را تحت فشار قرار داد ، با عفو و گذشت آن را دفع کنید . در روز قیامت منادی ندا می دهد: « هر که پاداش او بر عهده خداوند است برخیزد » آیا سخن خداوند را نشنیده اید که « کسی که عفو بخشش نماید ، اجر و پاداشش با خداوند است . »^۱

۲. از بین رفتن کینه ها :

پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

عفو و گذشت کنید تا کینه های میان شما از بین رود .^۲

۳. عزت و سرافرازی :

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است :

عفو و گذشت داشته باشید که این دو جز بر عزت شخص نمی افزاید . پس یکدیگر را عفو کنید تا خداوند شما را عزیز کند .^۳

۴. طول عمر :

پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

کسی که عفو و گذشتش زیاد باشد ، عمرش طولانی خواهد شد .^۴

۱. محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمه ، جلد ۳ ، صفحه ۲۰۱۵

۲. همان

۳. همان ، صفحه ۲۰۱۳

۴. همان

۵. جذب مردم و اصلاح آنان :

مردی خدمت پیامبر (ص) رسید و از خدمتکاران خود گله داشت . پیامبر (ص) فرمود : آنها را عفو کن و از خطاهایشان بگذر تا قلب هایشان اصلاح شود.^۱

۱. همان ، صفحه ۲۰۱۵

چکیده:

آثار امر به معروف و نهی از منکر : اجرا شدن آموزه های دینی و رواج آنها ، آبادی زمین و برقراری عدالت ، تقویت مؤمنان و تضعیف منافقان و حاکمیت یافتن مؤمنان.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر : ۱ . بداند عملی را که شخص دیگر انجام داده حرام ، یا عملی را که ترک کرده ، واجب است. ۲ . باید معروف و منکر را بشناسد. ۳ . باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه ای دارد و در غیر اینصورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند . ۴ . که مقسدهای به همراه نداشته باشد . یعنی سبب ضرر جانی و مالی نباشد و باعث رفتن آبرویی نشود. ۵ . اصرار بر گناه است . یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار و تکرار گناه اصرار داشته باشد.

آثار عفو و گذشت : ۱ . اجر و پاداش الهی ۲ . از بین رفتن کینه ها ۳ . جذب مردم و اصلاح آنان ۴ . طول عمر ۵ . عزت و سرافرازی

سؤالات تشریحی:

- ۱ . آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر را بنویسید.
- ۲ . شرایط امر به معروف و نهی از منکر را بنویسید.
- ۳ . جایگاه عفو و گذشت در قرآن و روایات را بنویسید.
- ۴ . آثار و نتایج عفو گذشت را نوشته و یکی را بدلتخواه توضیح دهید.

سؤالات تستی:

- ۱ . حضرت علی (ع) : پرترین اعمال مردم است .
الف : امر به معروف و نهی از منکر ب : نماز ج : عدالت د : روزه
- ۲ . کدام یک از موارد زیر از آثار عفو و گذشت می باشد ؟
الف : اجر و پاداش الهی
ب : از بین رفتن کینه ها
ج : جذب مردم و اصلاح آنان
د : هر سه مورد

درس نهم

رابطه انسان با دوستان

سئوالات اساسی درس :

۱. جایگاه معاشرت در اسلام چیست ؟
۲. معیار معاشرت در اسلام چه می باشد ؟
۳. ویژگیهای دوست خوب چیست ؟

۱. اهمیت و جایگاه معاشرت

بدون شک معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران ، یکی از مهم ترین و اصلی ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است ؛ تا جائیکه به عقیده بسیاری از فیلسوفان ، انسانها مدنی الطبع هستند ؛ یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه ای است که حتماً باید زندگی اجتماعی داشته باشد . همان طور که برخی از نویسندگان گفته اند ، شاید اطلاق کلمه « انسان » در زبان فارسی و عربی ، به دلیل نیازمندی او به انس و الفت با دیگران باشد . به هر حال هر دیدگاهی که درباره علت اجتماعی زیستن انسان داشته باشیم ، مسلّم است که هیچ انسانی در شرایط عادی ، به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد . انسان در اجتماع به دنیا می آید ، در اجتماع است که می تواند باقی بماند و در اجتماع است که می تواند کیفیت زندگی خود را ترقی دهد . آدمیان ، نه تنها برای آغاز حیات خود نیازمند دیگران هستند ؛ بلکه در همه مراحل بعدی زندگی نیز به دیگران محتاج هستند .

نکته دیگری که اهمیت و جایگاه ویژه معاشرت را در اخلاق نشان می دهد ، این است که بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی ، در ظرف معاشرت ظهور می

یابد . ظرف ظهور فضایی مانند عدالت ، انصاف ، احسان ، ایثار و ... زندگی اجتماعی و معاشرت با دیگران است . تعلیم و تعلّم و آشنایی با تجارب دیگران و بهره مندی از آنها از اموری هستند که جز با معاشرت با دیگران به دست نمی آیند .

معیار معاشرت

فردی به محضر پیامبر (ص) رسید و گفت : « ای پیامبر خدا ! کاری را به من بیاموز که با انجام آن به بهشت درآیم . » پیامبر (ص) به او فرمود : « چیزی را که دوست داری از ناحیه مردم به تو برسد ، به آنان برسان و چیزی را که دوست نداری از مردم به تو برسد ، به آنان نرسان . »^۱

حضرت علی (ع) در نامه ای به امام حسن (ع) چنین می نویسد :
پسرم ! خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار ، پس آنچه برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی پسندی ، برای دیگران نیز مپسند و ستم مکن چنانکه دوست نداری بر تو ستم برود و نیکی کن چنانکه دوست می داری به تو نیکی کنند . آنچه از دیگری زشت می داری برای خود زشت بدان .^۲

موارد ذکر شده ، در حقیقت معیار و ملاکی برای اخلاق اجتماعی و نحوه معاشرت با دیگران است . این معیار را می توان در همه برخوردهای اجتماعی به کار گرفت ؛ اعم از برخورد با همسر ، فرزند ، پدر و مادر ، همسایگان و همکاران .

۲ . اهمیت و جایگاه دوستی

اهمیت دوست و نقش انکار ناپذیر دوستی ، در زندگی انسان ، بر کسی پوشیده نیست . در برخی روایات ، یکی از راههای شناخت دین و مذهب افراد ، شناخت

۱ . شیخ حر عاملی ، وسائل الشیعه ، جلد ۱۱ ، باب ۳۵ ، صفحه ۲۲۸

۲ . نهج البلاغه ، ترجمه سید جعفر شهیدی ، نامه ۳۱

دوستان آنان دانسته شده است . نیز یکی از نخستین راه ا برای قضاوت درباره شخصیت افراد ، شناخت معاشران و دوستان آنان شمرده شده است . بهره مندی از معاشران خوب ، در کنار رازداری ، مساوی با بهره مندی از خیر دنیا و آخرت معرفی شده است . در مقابل ، داشتن دوستان بد ، قطعه ای از آتش و آفت خیر و فضیلت دانسته شده است . معاشرت با دوستان بد ، ناخواسته و ناخودآگاه ، انسان را به بدی سوق می دهد . اصولاً ویژگی های دوست از راه های پنهانی ، به دوست منتقل می شود . امام علی (ع) می فرماید:

با انسان های بدخواه معاشرت نکن ، چرا که طبع تو ، ناآگاهانه از طبع او می دزدد.^۱

همچنین آن حضرت در نامه ای به حارث همدانی ، درباره انتخاب همنشین به او می فرماید :

از همنشینی آنکه رأیش سست و کارش ناپسند بود بپرهیز که هرکس را از آنکه دوست اوست شناسند .^۲

بنابراین دوستان انسان ، محک خوبی برای شناخت شخصیت او هستند . اگر کسی با انسانهای دروغگو و فریبکار دوستی دارد ، این نشانه خوبی است ؛ برای اینکه بداند خود او نیز اگر چه تا به حال ، مرتکب چنین کارهای خلافی نشده است ، روح و جان او چندان با چنین کارهایی بیگانه نیست .

ویژگی دوست خوب

امام صادق (ع) می فرماید : دوستی دارای شرایط و حدودی است . اگر کسی همه آن شرایط را داشته باشد ، کمال صداقت و دوستی را دارد و اگر کسی تنها برخی از آنها را داشته باشد ، هر چند دوست نامیده می شود ، اما کمال صداقت و

۱ . ابن ابی الحدید ، شرح نهج البلاغه ، جلد ۲۰ ، کلمه ۱۴۷ ، صفحه ۲۷۲

۲ . نهج البلاغه ، ترجمه سید جعفر شهیدی ، نامه ۶۹

دوستی را ندارد و اگر کسی هیچ یک از آنها را نداشته باشد ، چیزی از دوستی را ندارد و اصلاً نباید او را دوست نامید :

- ۱ . ظاهر و باطن دوست باید یکسان باشد ؛
 - ۲ . افتخارات دوستش را افتخار خود و شکست های او را شکست خود بداند ؛
 - ۳ . ثروت و قدرت ، رفتار او را با دوستش تغییر ندهد ؛
 - ۴ . چیزی را از دوستش دریغ نورزد ؛
 - ۵ . در سختی ها دوست خود را رها نکند .^۱
- در روایتی از نبی مکرم اسلام ، حضرت محمد مصطفی (ص) بهترین دوستان کسانی دانسته شده اند که :

- ۱ . دیدن آنان انسان را به یاد خدا بیندازد ؛
 - ۲ . گفتارشان بر دانش انسان بیفزاید ؛
 - ۳ . رفتارشان یاد آخرت را در دل انسان زنده کند .^۲
- همچنین حضرت علی (ع) می فرماید :
- با انسانهای خردمند ، معاشرت داشته باشید ؛ چرا که مصاحبت و دوستی با خردمندان حیات و زندگی روح و جان آدمی بوده و موجب امنیت و آسایش و آرامش نفس است .^۳

اعتدال در دوستی

نکته مهمی که در زمینه روابط میان دوستان ، توجه به آن بسیار مهم است ، رعایت اعتدال در دوستی است . امام علی (ع) می فرماید :

۱ . احمد حسین شریفی ، اخلاق زندگی ، صفحه ۱۴۶

۲ . محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ، جلد ۷۱ ، باب ۱۳ ، صفحه ۱۸۶

۳ . عبدالواحد الآمدی ، غررالحکم و دررالکلم ، جلد ۱ ، صفحه ۴۱۴

دوستت را چندان دوست مدار ! مبدا که روزی دشمن شود و دشمن را چندان کینه مور که شاید روزی دوست شود.^۱

در دشمنی و اختلاف نیز باید همین نکته را مراعات کرد . اگر با کسی اختلافی پیدا کردیم ، نباید کاری کنیم که هرگونه راه برگشت را بر روی خود و او ببندیم و تجربه نشان داده ات که بسیاری از دشمنی ها به دوستی تبدیل خواهد شد ؛ بنابراین نباید به گونه ای رفتار کرد که روی بازگشت نداشته باشیم . امام صادق (ع) می فرماید :

پس از قطع ارتباط با دوست ، چندان از او بدگویی نکن که راه بازگشت را بر او ببندی ؛ شاید که تجارب زندگی او را به سوی تو بازگرداند .^۲

با چه کسانی دوستی نداشته باشیم ؟

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزاء می کنند ، از آنان روی بگردان تا به سخن دیگری پردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد ، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین و [اگر] افراد با تقوا [برای ارشاد و اندرز با آنان بنشینند] ، چیزی از حساب آنان بر ایشان نیست ؛ ولی [این کار ، باید تنها] برای یادآوری باشد ، شاید تقوا پیشه کنند .^۳

همچنین در آیه دیگری می فرماید :

[به خاطر آور] روزی را که ستمکار دست خود را [از شدت حسرت] به دندان می گزد و می گوید : « ای کاش با رسول خا راهی برگزیده بودم . ای وای بر من ، کاش فلان شخص را دوست خود انتخاب نکرده بودم . او مرا از

۱. نهج البلاغه ، ترجمه سید جعفر شهیدی ، حکمت ۲۸۶

۲. محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ، جلد ۷۱ ، باب ۱۰ ، صفحه ۱۶۶

۳. انعام : ۶۸ و ۶۹

یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه به سراغ من آمده بود. « و شیطان همیشه خوار کننده انسان بوده است.^۱

حکیم سنایی غزنوی در شعر خود به این مهم اشاره می کند و می گوید :
منشین با بدان که صحبت بد گرچه پاکی تو را پلید کند
آفتاب از چه روشن است او را پاره ای ابر ناپدید کند
همچنین جلال الدین محمد بلخی در مثنوی معنوی می نویسد :
مسجد است آن دل که جسمش ساجد است

یار بد خروب هرجا مسجد است

یار بد چون رست در تو مهر او

هین از و بگریز و کم کن گفتگو

بر کن از بیخش که گر سر برزند

مر ترا و مسجدت را بر کند

حضرت علی (ع) در پاسخ به این سؤال که « بدترین دوستان چه افرادی هستند ؟ » فرمود : « کسی که گناه را در چشم انسان زیبا جلوه می دهد. »^۲
همچنین در حدیث دیگری می فرماید :

با چاپلوس معاشرت نکن ، چرا که کارش را در نظر تو زیبا جلوه می دهد و دوست دارد که تو هم مثل او باشی.^۳

امام محمد باقر (ع) می فرماید :

پدرم ، به من فرمود : « پسر ، مواظب باش که با پنج گروه نه دوستی داشته باشی و نه همسخن شوی و نه در راهی با آنان همراه شوی . »
گفتم : « پدر ! آنان چه کسانی هستند ؟ »

۱. فرقان : ۲۹-۲۷

۲. عبدالواحد الآمدی ، غررالحکم و دررالکلم ، جلد ۲ ، صفحه ۳۲۸

۳. همان

فرمود : « از دوستی با دروغگو بپرهیز ؛ زیرا دروغگو همچون سراب است ، دور را برای تو نزدیک جلوه می دهد و نزدیک را برای دور می نمایاند . از دوستی با فاسق بپرهیز ، چرا که تو را به لقمه ای یا کمتر از لقمه ای می فروشد . از دوستی با بخیل بپرهیز ؛ زیرا تو را در زمانی که بیشترین نیاز را به مال او داری ، رها می کند . از دوستی با احمق بپرهیز ؛ چرا که احمق هر چند اراده سود رسانی به تو را دارد ، اما به تو زیان می رساند . از دوستی با کسی که رابطه اش را با خویشان خود قطع کرده است بپرهیز ؛ چرا که در سه آیه از قرآن مورد لعن قرار گرفته است .^۱»

۱ . محمد بن یعقوب کلینی ، اصول کافی ، جلد ۲ ، کتاب العشرة ، حدیث ۷

چکیده:

ویژگی دوست خوب: امام صادق (ع) می فرماید: دوستی دارای شرایط و حدودی است. اگر کسی همه آن شرایط را داشته باشد، کمال صداقت و دوستی را دارد و اگر کسی تنها برخی از آنها را داشته باشد، هر چند دوست نامیده می شود، اما کمال صداقت و دوستی را ندارد و اگر کسی هیچ یک از آنها را نداشته باشد، چیزی از دوستی را ندارد و اصلاً نباید او را دوست نامید:

۱. ظاهر و باطن دوست باید یکسان باشد؛
۲. افتخارات دوستش را افتخار خود و شکست های او را شکست خود بداند؛
۳. ثروت و قدرت، رفتار او را با دوستش تغییر ندهد؛
۴. چیزی را از دوستش دریغ نرزد؛
۵. در سختی ها دوست خود را رها نکند.

سؤالات تشریحی:

۱. معاشرت با دیگران، چه فوایدی برای انسانها دارد؟
۲. معیار معاشرت چه می باشد؟ توضیح دهید.
۳. ویژگیهای دوست خوب را از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) بنویسید
۴. چرا حضرت علی (ع) به دوستی با خردمندان سفارش کرده اند؟

سؤالات تستی:

۱. امام محمد باقر (ع): از دوستی با دروغگو بپرهیز چرا که
الف: دروغگو همچون سراب است ب: تو را به لقمه ای می فروشد
ج: قصد سود رسانی دارد اما به تو زیان می رساند د: هر سه مورد
۲. طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص) یک دوست خوب چه ویژگیهایی باید داشته باشد؟
الف: دیدن آنان انسان را به یاد خدا بیندازد ب: گفتارشان بر دانش انسان بیفزاید؛
ج: رفتارشان یاد آخرت را در دل انسان زنده کند د: هر سه مورد

بخش سوم

اخلاق اداری

درس دهم

اخلاق کار

سئوالات اساسی درس :

- ۱ . جایگاه کار در اسلام چه می باشد ؟
- ۲ . نقش نیت در ارزشمندی کار چیست ؟
- ۳ . نقش کار در تربیت و بهداشت روانی چه می باشد ؟

هر کسی به تناسب استعدادها و توانایی های خویش و یا به اقتضای شرایط اجتماعی و محیطی ، برای تأمین معیشت خویش شغل خاصی را بر می گزیند . تأمین معاش ، بطور کلی و صرف نظر از اینکه در قالب چه شغل یا تخصصی باشد ، احکام اخلاقی مشترکی دارد که در ادامه برخی از مهمترین آنها را مورد توجه قرار دهیم .

جایگاه کار و تلاش در اسلام

اسلام ، پاداش کسانی را که در راه تأمین معاش خود و خانواده شان تلاش می کنند ، همانند پاداش مجاهدان و رزمندگان در راه خدا و بلکه بالاتر از اجر آنان قرار داده است .

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی می فرماید :

عبادت و پرستش خداوند هفتاد جزء دارد که بالاترین جزء آن طلب روزی حلال است^۱ .

حضرت امام صادق (ع) می فرماید :

۱ . محمد بن یعقوب کلینی ، الفروع من الکافی ، جلد ۵ ، کتاب المعیشه ، صفحه ۸۸ ، حدیث ۵

کسی که برای تأمین مخارج خانواده اش تلاش می کند مانند کسی است که در راه خداوند جهاد می نماید.^۱

حضرت امام رضا (ع) می فرماید :

کسی که به منظور تأمین مایحتاج خانواده اش در پی کسب روزی الهی است، پاداشی برتر از پاداش مجاهد در راه خداوند دارد.^۲

امام باقر (ع) در حدیثی می فرماید :

کسی که برای بی نیازی از مردم و رفاه خانواده و کمک به همسایگانش در طلب روزی حلال باشد ، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که چهره اش همانند ماه شب چهارده می درخشد.^۳

نتیجه آنکه اسلام هرگز کارکردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت نمی داند. پیامبر اسلام(ص) زمانی که از جنگ تبوک به مدینه بازگشت، سعد انصاری که نتوانسته بود همراه پیامبر (ص) به جنگ برود، به استقبال آن حضرت آمد. وقتی پیامبر (ص) دستان خشک و خشن و ترکیده او را دید از او پرسید: « صدمه ای به دستانت رسیده است؟ » سعد در پاسخ گفت: «برای تأمین مخارج اهل و عیالم با طناب و بیل کار می کنم» پیامبر (ص) بر دستان او بوسه زد و فرمود : « این دستی است که در آتش جهنم نمی سوزد».^۴

در مقابل، انسان های بیکار و کسانی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران می اندازد و از زیر کار و فعالیت شانه خالی می کنند، مورد لعن و نفرین اسلام و اولیای اسلام هستند. پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید:

۱. همان ، حدیث ۱

۲. همان ، صفحه ۷۸ ، حدیث ۵

۳. همان ، حدیث ۶

۴. ابن اثیر ، اسدالغابه فی معرفه الصحابه ، جلد ۲ ، صفحه ۲۶۹

کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیندازد ملعون است.^۱

امام محمد باقر (ع) می فرماید :

حضرت موسی (ع) از خداوند سؤال کرد : خدایا مبعوض ترین بندگان در نزد تو چه کسانی هستند ؟ خداوند در پاسخ فرمود : کسانی که شب تا صبح همچون جسد مرده ای می خوابند و روز خود را به بطالت و بیکاری می گذرانند.^۲

یکی از یاران امام صادق (ع) می گوید : از آن حضرت درباره شخصی پرسیدم که می خواهد در خانه خود بنشیند و به نماز و روزه و عبادت خداوند بپردازد و از تلاش برای کسب درآمد خودداری کند و معتقد است که به هر حال ، خداوند روزی او را به گونه ای تأمین خواهد کرد . امام صادق (ع) در پاسخ فرمودند : این شخص از کسانی است که دعای آنان به اجابت نمی رسد؛^۳ یعنی مورد توجه خداوند قرار نمی گیرند . آن حضرت در روایتی دیگر ، انسان هایی را که برای حفظ آبرو و ادای دین خود و کمک به مردم کار نمی کنند ، بی فایده و بی ارزش معرفی کرده و می فرماید :

کسی که نمی خواهد از راه حلال مالی را فراهم آورد که با آن آبروی خود را حفظ نماید و دینش را ادا کند و صله رحم به جا آورد ، خیری در او نیست .^۴

نقش نیت در ارزشمندی کار

بدون شک آن همه ارزشی که در اسلام برای کار ذکر شده است ، همگی مبتنی بر داشتن نیت و انگیزه خوب است . اگر انگیزه افراد در کار ، انگیزه الهی و خدایی باشد کار آنان از ارزش اخلاقی برخوردار خواهد بود . به همین دلیل است که در احادیث و روایات متعدد ، بر داشتن نیت الهی در کار تأکید شده

۱ . محمد باقر مجلسی ، بحارالانوار ، جلد ۷۷ ، باب ۷ ، صفحه ۱۴۲ ، حدیث ۱

۲ . شیخ عباس قمی ، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار ، جلد ۸ ، صفحه ۳۶۸

۳ . محمد بن یعقوب کلینی ، الفروع من الکافی ، جلد ۵ ، صفحه ۷۷ ، حدیث ۱

۴ . همان ، صفحه ۷۲ ، حدیث ۵

است. در روایتی آمده است که روزی پیامبر اکرم (ص) با جمعی از یاران و اصحاب خود نشسته بود؛ جوانی نیرومند و توانا را دیدند که از همان ابتدای صبح، مشغول کار و تلاش بود. بعضی از اصحاب با نگاه تأسف آمیزی به آن جوان نگریسته و گفتند: «ای کاش این شخص، جوانی و نیروی خود را در راه خدا صرف می کرد.» پیامبر (ص) فرمود: «چنین نگوئید؛ زیرا این شخص اگر برای حفظ خود از درخواست از دیگران و به منظور بی نیازی از دیگران کار می کند، در آن صورت او در راه خداست و اگر برای تأمین مخارج پدر و مادر پیر و ضعیفش و یا خانواده ناتوانش کار می کند، در آن صورت تیز در راه خداست. اما اگر برای مباحات و فخر فروشی و به هدف تکاثر و مال اندوزی کار می کند، در آن صورت در راه شیطان است.»^۱

اخلاق و معیشت

خداوند متعال در قرآن کریم تقوای الهی را یکی از عوامل گشایش وسعت رزق دانسته و می فرماید:

و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان ها و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.^۲

همچنین در سوره مبارکه طلاق، آیات مبارکه ۳ و ۴ می فرماید:

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می رساند، و هر کس بر خدا توکل کند

۱. محسن فیض کاشانی، المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، جلد ۳،

صفحه ۱۴۰

۲. اعراف: ۹۶

کفایت امرش را می کند ، خداوند فرمان خود را به انجام می رساند ؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است .

در روایات متعددی اخلاق نیکو به عنوان یکی از عوامل گشایش در رزق و روزی و اخلاق بد به عنوان یکی از عوامل تنگدستی و فقر معرفی شده است . پیامبر اکرم (ص) در سفارش خود به ابوذر غفاری به این مطلب اشاره کرده و می فرماید :

ای ابوذر ، به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه ، از روزی خود محروم می شود .^۱

در روایات دیگری از آن حضرت می خوانیم :

گنج های رزق در اخلاق خوب نهفته است .^۲

اخلاق نیکو موجب زیادت در روزی می شود .^۳

پس با عنایت مطالب فوق الذکر ، رابطه تقوا و رعایت اخلاق اسلامی در کار و افزایش روزی به وضوح قابل مشاهده می باشد .

نقش کار در تربیت و بهداشت روانی

امیر المؤمنین ، حضرت علی (ع) می فرماید :

اگر تو نفس خود را به کاری مشغول نسازی ، او تو را مشغول خواهد کرد .^۴
نفس انسانی و به ویژه قوه خیال آدمی به گونه ای است که اگر بیکار باشد ، انسان را به تباهی و فساد خواهد کشاند . اما کار و فعالیت موجب می شود که نفس ، مجال چندانی برای به انحراف کشاندن انسان نیابد . اصولاً یکی از مهم ترین علل ارتکاب گناه ، بیکاری است . انرژی های انسان باید به گونه ای

۱ . محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار ، جلد ۷۴ ، باب ۴ ، صفحه ۷۷ ، حدیث ۳

۲ . شیخ عباس قمی ، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار ، جلد ۲ ، صفحه ۶۷۸

۳ . همان

۴ . همان

مصرف شوند. اگر این انرژی ها راه درستی برای مصرف نداشته باشند، در راههای انحرافی و نادرست صرف خواهند شد. اشتغال، مانع پیدایش افکار و خیالات شیطانی نیز می شود. پاستور می گوید: «بهداشت روانی انسان در لابراتور و کتابخانه است.» ولتر، یکی از فیلسوفان عصر روشنگری می گفت: «هر وقت احساس می کنم که درد و رنج بیماری می خواهد مرا از پای درآورد، به کار پناه می برم. کار، بهترین درمان دردهای درونی من است.» همچنین پاسکال اعتقاد داشت، مصدر کلیه مفاسد فکری و اخلاقی، بیکاری است. در هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را رفع کند، باید مردم را به کار وادار کند تا آن آرامش عمیق روحی که عده معدودی از آن آگاه هستند در عرصه وجود افراد برقرار شود.^۱

- وجدان کاری چیست؟

در قرآن کریم واژه «وجد» و مشتقات آن در معانی یافتن و دیدن، اطلاع و آگاهی و رسیدن مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان نفس لوازمه نیز تعبیر شده که با انجام کار زشت انسان را نکوهش می کند. در زبان عربی الوجد، الوجد، و الوجد به عنوان مصدر و به معنای دوستی، شادی، قدرت و وجدان قوه ای باطنی تعریف شده است که خوب و بد اعمال را تشخیص می دهد. در زبان فارسی وجدان در لغت به کسر واو است ولی در تداول ایران و عراق بضم واو تلفظ می شود و به معنای یافتن، شعور، شعور باطن و به عنوان قوه ای در باطن شخص است که وی را از نیک و بد اعمال آگاهی دهد. وجدان در زبان انگلیسی با واژه Conscience معرفی شده و به معنای باطن، دل و شعور آمده است و از آن به عنوان احساس درونی و روحانی که موجب تشخیص خوب از بد می شود یاد شده است.

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، صفحه ۴۲۹ و ۴۳۰

تعریف وجدان کاری

با بررسی لغوی واژه وجدان، آنچه مورد نظر است ترکیب دو واژه «وجدان» و «کاری» است که در اصطلاح مدیریت می توان تعریف زیر را برای آن در نظر گرفت:

وجدان کاری عبارت است از احساس تعهد درونی به منظور رعایت الزاماتی که در ارتباط با کار مورد توافق قرار گرفته است. به بیان دیگر منظور از وجدان کاری، رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظیفه هایی است که قرار است انسان آنها را انجام دهد، به گونه ای که اگر بازرس و ناظری نیز بر فعالیت او نظاره گر نباشد، باز هم در انجام وظیفه قصوری روا نخواهد داشت. چگونه می توان کم کاری، عدم احساس مسئولیت، حضور نیافتن در محل کار، عدم پاسخگویی و راهنمایی صحیح مراجعان، مراقبت نکردن صحیح از اموال، بی توجهی به کیفیت کار و گرایش به آسان طلبی را به رضایت شغلی و انجام کار با کیفیت بالا و مطلوب و حضور موثر در محل کار تبدیل کرد؟ حتی به این موضوع نیز باید توجه شود که چگونه می توان برای ایجاد یک سیستم مطلوب یک معنی مشترک را در میان همکاران به وجود آورد؟

نیروی انسانی ما به تقویت وجدان کاری و تغییر در فرهنگ کار، نیازمند است چرا که نیروی انسانی متعهد، سازمان را در دستیابی به اهداف خود یاری می دهد. البته تعاریف دیگری نیز از وجدان کاری موجود است که تعدادی از آن را در ذیل می آوریم :

وجدان عبارت است از استعدادی که به تشخیص نیک و بد پرداخته و برای امور ارزش قائل است، نیک و بد را از هم فرق گذاشته و برای ما نوعی الزام عملی ایجاد می کند.

وجدان کاری عبارت است از مجموعه عواملی که در فرد سازمانی نظام ارزشی به وجود می آورد.

در صورت دارا بودن بالاترین حد وجدان کار می توان جامعه ای را تصور کرد که در آن افراد در مشاغل گوناگون سعی دارند تا کارهای محوله را به بهترین وجه و به طور دقیق و کامل و با رعایت اصول بهینه سازی انجام دهند. پس وجدان کاری موجب می گردد تا افراد سیستمی و نظام مند گردند. (خودکنترلی)

ارزش و اهمیت وجدان کاری

در فرهنگ اسلامی هر گونه عمل هدفمند که پروردگار آن را بپسندد، عبادت است. بنابراین شایسته است که مسلمان در تمامی فعالیت های فردی و اجتماعی خویش، دقت و تلاش فراوانی به کار گیرد و با احساس مسئولیت، وظایف خود را به بهترین شکل انجام دهد.

همه انسان ها، اعم از پدران و مادران در تربیت فرزندان خویش، مربیان و معلمان در ادای وظیفه آموزش و پرورش آینده سازان و... در انجام هر چه بهتر مسئولیت خویش نیازمند وجدان کاری هستند. و اهمیت وجدان کاری بر کسی پوشیده نیست، رهبر معظم انقلاب در پیام نوروزی سال ۱۳۷۴ به این نکته مهم چنین اشاره می کند:

کسانی که وجدان کاری دارند، کار را عملی صالح، وظیفه ای حقیقی، مسئولیتی اجتماعی و سیاسی و یک عبادت می دانند. رحمت خدا، انسان هایی را شامل می شود که وظایف خود را نیکو، محکم، متقن و صحیح انجام دهند و از سرهم بندی و بی اعتنائی به استحکام کار به شدت پرهیز کنند.

پیشوایان دینی به اهمیت وجدان کاری در جاهای مختلف تأکید ورزیده اند، امام علی (ع) می فرماید:

امانت داری و وفای به عهد، درست انجام دادن کارهاست .

در حقیقت، کارهای دیگران، امانتهایی هستند که به ما سپرده شده‌اند و ما متعهد به انجام درست آنها هستیم و باید برای توفیق در این امر از خداوند کمک بخواهیم. امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند:
از خداوند، راستی و درستی بخواهید و همراه با آن، درستکاری را از او درخواست کنید.

امام علی (ع) وجدان کاری را زینت انسان می‌داند و می‌فرماید:
زینت و زیبایی انسان به راستی و درستی است نه به لباس نیکو.
حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید:
هنگامی که مؤمن کارش را به خوبی و درستی انجام دهد، خداوند ثواب آن کار را هفتصد برابر می‌کند.

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:
خداوند کسی که کاری را بر عهده‌اش می‌نهند به درستی انجام می‌دهد، دوست می‌دارد.

چکیده:

اسلام ، پاداش کسانی را که در راه تأمین معاش خود و خانواده شان تلاش می کنند ، همانند پاداش مجاهدان و رزمندگان در راه خدا و بلکه بالاتر از اجر آنان قرار داده است . خداوند متعال در قرآن کریم تقوای الهی را یکی از عوامل گشایش وسعت رزق دانسته و می فرماید : و اگر اهل شهرها و آبادی ها ، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند ،برکات آسمان ها و زمین را بر آنها می گشودیم ؛ ولی تکذیب کردند ؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم وجدان کاری عبارت است از احساس تعهد درونی به منظور رعایت الزاماتی که در ارتباط با کار مورد توافق قرار گرفته است. به بیان دیگر منظور از وجدان کاری، رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظیفه هایی است که قرار است انسان آنها را انجام دهد، به گونه ای که اگر بازرس و ناظری نیز بر فعالیت او نظاره گر نباشد، باز هم در انجام وظیفه قصوری روا نخواهد داشت.

سؤالات تشریحی :

- ۱ . با توجه به آیات و روایات ، اهمیت کار در اسلام را توضیح دهید .
- ۲ . کار و اشتغال ، چه نقشی در بهداشت روانی انسان دارد ؟
- ۳ . رابطه اخلاق و روزی را بنویسید .
- ۴ . آیه ای از قرآن کریم در خصوص رابطه تقوا و روزی بنویسید .

سؤالات تستی :

- ۱ . طبق سوره مبارکه طلاق هر کس تقوای الهی پیشه کند
الف : خداوند راه نجات برایش فراهم می کند ب : از جایی که گمان ندارد روزی می رساند
ج : خداوند کفایت امرش را می کند د : الف و ب صحیح است
- ۲ . طبق فرمایش حضرت علی (ع) زینت و زیبایی انسان در چیست ؟
الف : لباس نیکو ب : مال و اموال زیاد
ج : راستی و درستی د : هیچکدام

درس یازدهم

وظایف کارمند در برابر همکاران

سؤال اساسی درس :
یک کارمند چه وظایفی را در برابر همکاران خود دارد ؟

واژه شناسی

واژه کارمند در لغت فارسی، به معنای دارنده کار و کاردار دفتری است و به کسی گفته می‌شود که شغلی در دستگاهی دارد یا در خدمت اداره‌ای باشد. کارگزار که معادل عربی آن عامل است، «کسی است که امور شخصی را در مال، ملک و کارهای او بر دوش گیرد و متولی آن باشد. از همین جاست که به مسئول دریافت زکات، عامل گفته‌اند».^۱ فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، کسی را کارمند می‌داند که «در حرفه و شغلی، با گرفتن مزد، به حساب دیگری کار کند».^۲

با تعریف‌هایی که از کارگزار ارائه شد، به نظر می‌رسد که در گذشته، به مأموری گفته می‌شد که از سوی حاکم مسئولیتی در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نظامی بر دوش داشته است که شامل استانداران، فرمانداران،

۱. ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، ادب الحوزه، ج ۱۱، ص ۴۷۴.

۲. سید محمد حسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۲۶.

نمایندگان آنها، گردآورندگان زکات و خراج و همچنین دیگر نمایندگان حاکم می‌شده است، ولی امروزه، در مفهوم عام، افزون بر مأموران یاد شده، کارمند کسی است که به نیابت از دولت به ارائه خدمات می‌پردازد. کارمند در این معنا همه کارکنان دستگاه‌های دولتی از مسئولان رده بالای نظام (کارمندان ارشد) تا کارکنان سطح پایین (کارمندان جزء) را شامل می‌شود.

کارمندان طیف گسترده‌ای از افراد جامعه را شامل می‌شوند که به شیوه‌های گوناگون استخدامی از جمله: رسمی (دایم)، قراردادی، پیمانی، روزمزد و... در خدمت ادارات، سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی قرار می‌گیرند و در حوزه‌های گوناگون اجتماع به ویژه آموزش، بهداشت، امنیت، قضا، رفاه، تهیه و توزیع کالا، خدمات شهری و روستایی و...، انجام وظیفه می‌کنند و در قبال آن، از دولت حقوق می‌گیرند. ارتقای شغلی آنان نیز براساس معیارهای شایستگی، سنوات خدمت و... است.

وظایف کارمندان

وظایف یک کارمند تنها به وظایف او در برابر مافوق و مسئولیت‌هایی که بر دوش او نهاده شده است محدود نمی‌شود، بلکه در ارتباط با کسانی که او را در انجام وظایف یاری می‌کنند به ویژه افراد هم سطح نیز وظایفی دارد:

وظایف کارمند در برابر همکاران

۱. صمیمیت

محیط اداری، محیطی مقدس برای خدمتگزاری است. از این رو، مناسب است سرشار از مهر و دوستی و عاری از هرگونه کینه باشد تا زمینه بهره‌مندی از الطاف الهی فراهم آید. بی‌شک اختلاف سلیقه، حتی اختلاف عقیده در میان کارکنان یک محیط اداری امری طبیعی است، ولی مهم آن است که اختلاف سلیقه‌ها نباید به لجاجت و کارشکنی در امور بیانجامد و کینه و نفرت جای مهر و محبت را بگیرد.

اگر این‌گونه نباشد، ادامه کار برای خود کارمند نیز ممکن نخواهد بود. شهید مطهری در کتاب داستان راستان حکایتی بسیار آموزنده از صفا و صمیمیت دو همکار نقل می‌کند که چنین است:

صفا و صمیمیت و همکاری صادقانه هشام بن‌الحکم و عبدالله بن یزید اباضی، مورد اعجاب همه مردم کوفه شده بود. این دو نفر ضرب المثل دو شریک خوب و دو همکار امین و صمیمی شده بودند. این دو به شرکت یکدیگر، یک مغازه خرازی داشتند. جنس خرازی می‌آوردند و می‌فروختند. تا زنده بودند، میان آنها اختلاف و مشاجره‌ای رخ نداد. چیزی که موجب شد این موضوع زبانزد عموم مردم شود و بیشتر موجب اعجاب خاص و عام گردد، این بود که این دو نفر از لحاظ عقیده مذهبی در دو قطب کاملاً مخالف قرار داشتند؛ زیرا هشام از علما و متکلمین سرشناس شیعه امامیه و یاران و اصحاب خاص امام جعفر صادق علیه السلام و معتقد به امامت اهل بیت بود، ولی عبدالله بن یزید از علمای اباضیه^۱ بود. آنجا که پای دفاع از عقیده و مذهب بود، این دو نفر در دو جبهه کاملاً مخالف قرار داشتند، ولی آنها توانسته بودند تعصب مذهبی را در سایر شئون زندگی دخالت ندهند و با کمال متانت کار شرکت و تجارت و کسب معامله را به پایان برسانند. عجیب‌تر اینکه بسیار اتفاق می‌افتاد که شیعیان و شاگردان هشام به همان مغازه می‌آمدند و هشام اصول و مسائل تشیع را به آنها می‌آموخت و عبدالله از شنیدن سخنانی برخلاف عقیده مذهبی خود ناراحتی نشان نمی‌داد. نیز، اباضیه می‌آمدند و در جلو چشم هشام تعلیمات مذهبی خودشان را که غالباً علیه مذهب تشیع بود فرا می‌گرفتند و هشام ناراحتی نشان نمی‌داد. یک روز عبدالله به هشام گفت: من و تو با یکدیگر دوست صمیمی و همکاریم. تو مرا خوب می‌شناسی. من میل دارم که مرا به دامادی خودت بپذیری و دخترت

۱. اباضیه یکی از فرق ششگانه خوارج است.

فاطمه را به من تزویج کنی. هشام در جواب عبدالله، فقط یک جمله گفت و آن اینکه: (فاطمه مؤمنه است.) عبدالله به شنیدن این جواب سکوت کرد و دیگر سخنی از این موضوع به میان نیاورد. این حادثه نیز نتوانست در دوستی آنان خللی ایجاد کند. همکاری آنها باز هم ادامه یافت، تنها مرگ بود که توانست بین این دو دوست (و همکار) جدایی بیندازد و آنها را از هم دور سازد.^۱

۲. مشورت

از جمله وظایف متقابل کارمند نسبت به همکاران می‌تواند مشورت در اموری باشد که در رابطه با آن اطلاعات مناسبی ندارد؛ زیرا امروزه به سبب گستردگی و پیچیدگی امور، نیاز به همفکری بیش از گذشته احساس می‌شود. در محیط اداری کارمندان ممکن است به تنهایی توان حل همه مسائل را نداشته باشند و در عمل دچار اشتباه شوند. بهره‌گیری از شیوه مشورت در محیط اداری، رویکردی است که می‌تواند کاستی‌ها را جبران و از میزان خطاها بکاهد. از سوی دیگر، مشورت از شیوه‌هایی است که در آموزه‌های آسمانی اسلام بدان تأکید شده است. امام علی علیه السلام درباره مشورت می‌فرماید:

هرکس تنها به رأی خود اکتفا کرد، به هلاکت رسید و هرکس با دیگران مشورت کرد در عقل‌های آنان شریک شد.^۲

بی‌شک، هرچه روابط در محیط اداری مناسب‌تر و دوستانه‌تر باشد، فرصت‌های بیشتری برای مشورت فراهم خواهد آمد و همکاران صمیمی می‌توانند با هماهنگی بیشتر، ارائه طرح‌ها و پیشنهادهای سازنده، فرصت خدمت‌رسانی بیشتری برای مردم فراهم آورند. البته نباید فراموش کرد که مشورت با

۱. مرتضی مطهری، داستان راستان، قم، انتشارات صدرا، جلد ۱ و ۲، چاپ ۲۸، خرداد ۷۸، صفحات ۱۴۹ - ۱۵۱.

۲. ترجمه نهج البلاغه (حکمت ۱۶۱)، ص ۶۶۵

همکاران زیردست نیز می‌تواند راهگشا باشد. با این کار آنان نیز احساس شایستگی می‌کنند و تلاششان برای رسیدن به اهداف، دو چندان خواهد شد، ولی وقتی احساس کنند، سرپرست به دیدگاه‌های درست آنان اعتنایی ندارد، ممکن است به انزوا کشیده شوند و از اظهار نظرهای ضروری نیز خودداری کنند.

بُود مشورت راحت جان تو زلغزش همانا نگهبان تو
به رنج اندر است ای پسر مستشار مبدا شود بد سرانجام کار^۱

۳. احساس تعهد

در دین مبین اسلام، همه مؤمنان با هم برادر و برابرند و نسبت به هم تعهد اخلاقی و دینی دارند. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمله‌ای زیبا می‌فرماید:

مؤمن آئینه مؤمن است، مؤمن برادر مؤمن است، از پشت سر مراقب اوست.^۲
همچنین در فرازی دیگر مؤمنان را به بنای مستحکمی تشبیه می‌کند که استحکام آنها در گرو پایداری همدیگر است.
مؤمن نسبت به مؤمن چون بنای محکم است که اجزای آن یکدیگر را استحکام بخشد.^۳

از این رو، شایسته است در یک محیط اداری اسلامی نیز کارمندان محترم روحیه برادری اسلامی را تقویت کنند و نسبت به سرنوشت همدیگر حساس باشند. همچنین با احساس وظیفه دینی و اخلاقی، در رفتاری‌ها و نامرادی‌ها کنار هم و یار و یاور یکدیگر باشند. همدیگر را از اشتباهات و لغزش‌ها باز داشته،

۱. هزار گوهر، ص ۵۳

۲. مرتضی فرید تنکابنی، نهج الفصاحه (رهنمای انسانیت)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.

چ ۱۲، ص ۶۱۴

۳. همان

از احسان و نصیحت، رفع زحمت و رساندن نفع به هم، حفظ آبرو و در یک کلمه ادای دین نسبت به هم دریغ نکنند. و به تعبیر رسول خدا، در همه حال باور هم باشند:

برادر خود را یاری کن، چه ستمگر باشدو چه ستمدیده، اگر ستمگر است او را از ستم باز دار و اگر ستمدیده است، او را یاری کن.^۱

بهتر است بدانیم در حال حاضر، کارمندانی هستند که مرتکب تخلفات اداری شده‌اند و عمر خود را در کنج زندان‌ها می‌گذرانند. اگر دوستان همکار ایشان، با دیدن نخستین تخلف، به جای چشم‌پوشی، سکوت و بی‌تفاوتی، از روی خیرخواهی و تعهد آنها را از اعمال ناپسند باز می‌داشتند، بی‌شک آنان هم‌اکنون گرفتار چنین مشکلاتی نمی‌شدند.

۴. پرهیز از حسادت

حسادت، بدخواهی برای دیگران است^۲ که از پست‌ترین صفات اخلاقی و بدترین بیماری‌های نفس به شمار می‌رود. حسادت، عامل بسیاری از گناهان و مفاسد در جوامع شهری است که باید گفت در محیط‌های اداری به سبب وجود زمینه‌های موفقیت، پیشرفت و ارتقای همکاران، چه از نظر امور مادی و چه از نظر امور اخلاقی می‌تواند بروز کند و برای کارمند و محیط اداری مشکل‌آفرین باشد. بنا به فرموده امام علی علیه السلام «حسادت بر دوست، از آفات دوستی است».^۳

از این‌رو، کارمند مسلمان باید خود را از این صفت پست دور سازد و از موفقیت‌های همکار و دوست خود در کارهای مثبت، خرسند گردد و تلاش کند

۱. همان، ص ۸۸

۲. حسین اسکندری، آیه‌های زندگی ۱، تهران، سروش، ج ۱، ۱۳۸۱، ص ۲۴۸

۳. ترجمه نهج البلاغه، ص ۶۷۵

او نیز با بهره‌گیری از تجربیات موفق همکاران خود و امید به خدا در کارها پیروز باشد، نه اینکه با دلایل بی‌مورد، کوتاهی خود را توجیه کند. بهتر است در این مورد حکایتی از ایاز، از امیران و مقربان درگاه سلطان محمود بیاوریم:

«امیران و فرماندهان سلطان محمود همواره بر اثر حسادت، در خدمت سلطان زبان به اعتراض می‌گشودند و می‌گفتند: چرا ایاز مقرری سی امیر را دریافت می‌کند؟ سلطان در پی فرصتی بود که پاسخ مناسب آنان را بدهد. روزی سلطان برایش کار با سی تن از امیران به صحرا و کوهستان رفت. سلطان از مسافتی دور کاروانی را دید. به یکی از امیران گفت، برو از آن کاروان بپرس که از کدام شهر می‌آیند؟ آن امیر رفت و بازگشت و گفت: از شهر ری می‌آیند. سلطان گفت کجا می‌خواهند بروند؟ امیر از جواب درمانده شد. سلطان به امیری دیگر گفت: برو از کاروان بپرس که می‌خواهند کجا بروند؟ آن امیر رفت و برگشت و گفت: به جانب یمن می‌روند. سلطان گفت؟ چه متاعی باخود دارند؟ امیر نتوانست پاسخ دهد. امیری دیگر روانه شد، همین‌طور تا سی امیر و بلکه بیشتر رفتند و پرسیدند و آمدند، ولی پاسخ‌های آنان ناتمام بود. سلطان به امیرانش گفت: روزی من ایاز را این چنین مورد امتحان قرار دادم، ولی او تمام پرسش‌های مرا بدون کم و کاست با یک بار رفتن کشف کرد. امیران در پاسخ سلطان گفتند: این درک از عنایت‌های الهی است و کاری نیست که با تلاش حاصل شود».^۱

در واقع، آنان گناه تنبلی، حسادت و ندانم کاری‌هایشان را با سرنوشت و تقدیر توجیه و خود را از اعمال سوء تبرئه می‌کردند.

چون بینی دیگری را بر مراد کن دعا تا نعمتش گردد زیاد
خاطر خود را مرنجان بی‌سبب آنچه او دارد تو هم از حق طلب

۱. بشنو از نی، صص ۲۴۹ - ۲۵۰ (با اندکی گزینش)

نی که آن خواهی زفرط ابلهی چون تو، زان نعمت شود دستش تهی
هرچه دارد بنده حق دادش بلی گر حسودی، کی تو حق را قائلی^۱

۱. شعر از صفیر اصفهانی، برگرفته از: کتاب آیه‌های زندگی ۱، ص ۲۴۸

چکیده:

صمیمیت ، مشورت ، احساس تعهد و پرهیز از حسادت از وظایف کارمندان در مقابل همکاران می باشد .

سؤالات تشریحی :

۱. معنای واژه کارمند را بنویسید .
۲. وظایف کارمند در برابر همکارانش چه می باشد ؟
۳. حدیثی از حضرت علی (ع) در خصوص مشورت بنویسید .
۴. پرهیز از حسادت را با ذکر حدیثی توضیح دهید .

سؤالات تستی :

۱. این حدیث از کدام معصوم است « مومن آئینه مومن است »
الف : پیامبر اسلام (ص) ب : حضرت علی ج : امام حسن د : امام رضا
۲. یعنی بدخواهی برای دیگران
الف : غیبت ب : تهمت ج : حسادت د : غبطه

درس دوازدهم

وظایف کارمند نسبت به زیر دست

سؤال اساسی درس :
وظایف کارمند نسبت به زیر دست چه می باشد ؟

۱. الگو بودن

همان گونه که کارمندان و کارگزاران نسبت به افراد مافوق و همکار، وظایفی دارند، نسبت به افراد زیردست و چگونگی عملکرد آنان مسئول هستند. هرگونه سهل انگاری و بی تفاوتی نسبت به این مسئله پی آمدهای زیانباری به همراه خواهد داشت. در این مبحث، می‌کوشیم به مهم‌ترین آنها پردازیم.

از نخستین وظایف یک مدیر مسلمان نسبت به افراد زیردست خود، الگو بودن اوست. او خواسته یا ناخواسته تمامی کارها، گفتار و حرکاتش مورد توجه افراد زیردست خواهد بود. از این رو، بهتر است نه تنها رفتار و عملکردش در نهایت ادب و احترام باشد و آنان را به فعالیت بیشتر و کارایی بهتر تشویق کند، افزون بر آن، باید در حفظ حریم گفتار و دستورها، پای بند و عامل باشد. او باید با پرهیز از کج روی‌ها، توصیه بازی‌ها، امتیاز دادن‌ها و امتیاز گرفتن‌ها و...، با عمل خود حرمت قانون را نگه دارد. تا در گام بعدی از دیگران انتظار اجرای این قوانین را داشته باشد؛ زیرا تأثیر رفتاری و الگویی مسئولان و مدیران انکارناشدنی است. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مردم به امیران خود شبیه ترند تا به پدران خود.^۱

درباره تأثیر رفتاری و الگویی بر افراد زیردست، بهتر است سخنان یکی از همکاران شهید بزرگوار رجایی را در اینجا نقل کنیم، ایشان می‌گوید:

احساس می‌کنم بعد از گذشت بیست سال، مجموعه عملکردهای خالصانه و صادقانه شهید رجایی تأثیرات مشهودی بر من گذاشته است... پیوسته اندیشه آن شهید همه وجودم را تحت الشعاع خویش قرار داده است. من براساس تفکر الهی او، همیشه بر این باورم که ارباب رجوع در ادارات فرستاده خدایند و هر فردی که به یک متصدی و مسئول اداره مراجعه می‌کند، گویی سفیر الهی برای آزمایش انسان‌های مسئول است و ادارات بستر آزمایشگاه خدمت برای همه، هر کس به نسبت، تکلیفی برعهده اوست و به هر میزان که این تکلیف را احساس کند و کار مردم را انجام دهد، به ثواب آن کار نیز می‌رسد و نیز این توفیق را از او دارم که در امور بیت المال تا کجا باید صرفه جویی شود. او به من آموخت که درباره اموال عمومی باید عاقلانه و عادلانه هزینه کرد... همواره بر این تصورم که نکند در انجام وظیفه اداری و مالی و مأموریت‌های مختلف دیناری از بیت المال تضییع شود و انسان نتواند در پیشگاه خدا پاسخ گو باشد.^۲

۲. تقسیم کار مناسب

تقسیم کار، تقسیم مسئولیت است و تقسیم مسئولیت حدود و وظایف هر شخص را مشخص می‌کند؛ به گونه‌ای که باید درباره عملکردش پاسخگو باشد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام اهمیت تقسیم کار را چنین یادآور می‌شوند:

۱. تحف العقول، ص ۲۰۷

۲. رمز جاودانگی، صص ۱۱۲ و ۱۱۳. (به نقل از آقای ناصر رضایی، سرپرست دفتر نخست وزیری شهید رجایی)

کار هر کدام از خدمتکارانت را معین کن که او را در برابر آن مسئول بدانی که تقسیم کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وانگذارند و در خدمت سستی نکنند.^۱

با توجه به این فرمایش ارزشمند و نقش تقسیم مسئولیت در پیشرفت کار، یکی دیگر از وظایف اساسی مدیران تقسیم کار مناسب میان افراد تحت سرپرستی است. بی‌شک با تقسیم کار مناسب، بدون آنکه کسی دچار سختی شود، می‌توان مسئولیت‌های بزرگ را میان کارکنان تقسیم کرد. باید گفت با همه سودهای تقسیم کار مانند سرعت بخشی، تجربه و تخصص اندوزی، نظم و... ممکن است در اثر انجام کار یکنواخت و مداوم، ضمن غالب شدن خستگی و تنبلی بر کارکنان، روحیه نوآوری و ابتکار نیز به مرور در انسان به فراموشی سپرده شود و قوه اندیشه از او گرفته شود. این مهم را نابغه عالم سینما چارلی چاپلین در فیلم «عصر جدید» به زیبایی نشان داده است. چارلی در این فیلم، کارگری را نشان می‌دهد که آچار به دست، پشت دستگاه متحرکی ایستاده است و وظیفه او محکم کردن پیچ‌های روی دستگاه است. او باید شش دانگ حواسش به دستگاه باشد که پیچی از مقابل او، پیچ نخورده، رد نشود. ناگهان در اثر یک غفلت پیچی از مقابل او رد می‌شود، وی بدون اینکه فکر کند چه می‌کند، به سرعت خود را روی نوار متحرک می‌اندازد تا این کار را انجام دهد که البته خوش‌بختانه از این خطر، به سلامت جان به در می‌کند، ولی پس از چند سال او آنقدر این کار را تکرار کرده است که حتی می‌تواند چشم بسته و در بدترین حالت این کار را به آسانی انجام دهد؛ به گونه‌ای که وقتی وارد منزل و اجتماع می‌شود، دیگر محکم کردن پیچ برای او عادت شده و او را از خود بیگانه ساخته است. هر چیزی را که شبیه پیچ باشد، بی‌درنگ با آچارش آن را

۱. ترجمه نهج البلاغه، (نامه ۳۱)، ص ۵۳۷

می‌پسچاند. حال بخواهد آن چیز بینی یک عابر باشد یا دکمه مانتوی خانمی، به حال او، هیچ تفاوتی ندارد. برای پیش‌گیری از این حالت، بهتر است به هریک از کارکنان کاری متناسب با تخصص و سلیقه او سپرده شود که در این‌صورت، چنین شخصی از کارش لذت خواهد برد.

۳. انتقاد پذیری

مسئول یک اداره یا سرپرست یک بخش در نظام اسلامی هرگز نباید خود را معصوم بیندارد؛ زیرا گاهی ممکن است در کارش کاستی‌ای باشد که خودش تاکنون به آن توجهی نداشته است. بنابراین، برای آگاهی و پیش‌گیری از پی‌آمدهای احتمالی، لازم است روحیه انتقاد کردن را در افراد تحت سرپرستی در محیط اداری تقویت کند؛ به گونه‌ای که جرئت داشته باشند عیب‌های او را به‌جا و با رعایت حدود و شرایط بیان کنند؛ زیرا «منتقد با نظر به اعمال دیگران، خوب و بد آنها را تشخیص می‌دهد و آنها را از یکدیگر جدا کرده، بدی‌های شخص مورد نظر را بیان می‌دارد تا آنها را از خود دور سازد تا اعمالش خالص گردد»^۱. اگرچه انتقاد پذیری به دلایل گوناگون سخت می‌نماید، ولی آگاهی از فواید انتقاد به‌جا و درست، سبب می‌شود که انسان به هر شکل ممکن آن را تحمل کند. بهتر است تقویت روحیه انتقادپذیری را از شهید رجایی بیاموزیم. یکی از همکاران شهید می‌گوید:

شهید رجایی خیلی اصرار داشت گذشته‌اش را همانگونه که بود حفظ کند... وقتی هنگام نماز ظهر می‌شد، مانند گذشته به نماز می‌ایستاد و موقع ناهار غذای ساده و به مناسب فصل نان و پنیر و انگور صرف می‌کرد. روزی در همان اتاق کوچک وزارتی که قبلاً اتاق منشی وزیران رژیم گذشته بود، در کنار صندلی‌اش ناگهان چشم ما به جمله‌ای افتاد که بر دیوار با میخ حک کرده بودند:

۱. اخلاق کارگزاران، صفحه ۱۱۱

«رجایی ارتجاعی» هم متعجب و هم متأثر شدم و گفتم: جمله خوبی نیست. اجازه بدهید پاکش کنم. گفت نه بگذار فعلاً بماند. گفتم چرا؟ گفت: فلانی یادت هست در مدرسه کمال آروز می‌کردیم، ای کاش روزی برسد که همه جرئت کنند حرف حقشان را بزنند و برای احقاق آن تلاش کنند؟ حالا داریم به آن جا می‌رسیم. البته تا رسیدن به آن حق و حد مطلوب نیاز به صبر و حوصله و تمرین داریم تا آنان قانع شوند که برای احقاق حق، رعایت ادب و مراعات حقوق دیگران را نیز بنمایند. ما که معلم بودیم و هستیم باید کمکشان کنیم تا اول حق را بشناسند و برای رسیدن به آن تلاش کنند و به تدریج یاد بگیرند، منطقی مذاکره و صحبت کنند تا قانع کنند و یا با شنیدن پاسخ منطقی قانع شوند.^۱

۴. پرهیز از تبعیض

ممکن است در یک محیط اداری، افراد تحت سرپرستی، بنا به موقعیت و مسئولیت شغلی، نزد مسئول اداره منزلت و جایگاه ویژه‌ای داشته باشند، ولی این‌گونه معیارها نباید سبب شود که مسئول در نوع نگاه، رفتار، رعایت ادب و اتفاق‌هایی که ممکن است برای افراد تحت سرپرستی پیش آید تفاوت قائل شود. رسول گرامی اسلام درباره پی‌آمدهای تبعیض با افراد تحت سرپرست می‌فرماید:

هرکس بر ده نفر سرپرستی کند و در میان آنها به عدالت رفتار ننماید، روز قیامت می‌آید، در حالی که دست و پا و سرش در شکاف تیری قرار دارد.^۲

از این رو، لازم است مسئولان نظام اسلامی با افراد تحت سرپرستی، رفتاری سرشار از عدالت داشته باشند که بنا به فرموده امام علی علیه السلام: «جمال و زیبایی اداره امور در (اجرای) عدل است».^۱

۱. رمز جاودانگی، صص ۱۰۴ و ۱۰۵

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، الوفا، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۷۲، ص ۳۴۱

۵. تغافل

تغافل به معنای چشم پوشی از لغزش‌هاست که در کنار قاطعیت، می‌تواند از وظایف مدیران و مسئولان باشد و اگر مناسب به کار گرفته شود، از بهترین روش‌های اصلاح افراد تحت سرپرستی خواهد بود. چه بسا اگر مأموری در انجام وظیفه به سهو یا عمد کوتاهی کند، با چشم‌پوشی مسئول مربوطه و مهربانی، کارمند به اشتباه خود پی ببرد بهتر است این چشم‌پوشی پیش از درخواست خطا کار باشد که بی‌شک نتیجه بهتری خواهد داشت. همان کاری که کارگزار برجسته قرآن، حضرت یوسف علیه السلام با برادران خطاکار و گناهکار خویش انجام داد و فرمود:

امروز بر شما سرزنشی نیست، خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است. (یوسف: ۹۹)

۶. ایجاد نظم

اهتمام برای ایجاد نظم و پیش‌گیری از هرگونه بی‌سامانی و سستی در محیط اداری، می‌تواند از عمده‌ترین وظایف یک مدیر و مسئول متعهد باشد؛ زیرا بهترین سازمان‌ها و نظام‌ها با زیرپا گذاشتن اصل انضباط کاری، به تباهی کشیده می‌شوند. تواناترین کارمندان در یک مجموعه اداری، بدون داشتن نظم، جز اتلاف وقت، سودی نخواهند داشت. اهمیت اصل نظم به اندازه‌ای است که حضرت علی بارها در کتاب شریف نهج البلاغه آن را یادآور شده است. ایشان به مالک اشتر می‌فرماید: «کار هر روز را در همان روز انجام ده؛ زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد...»^۲.

۱. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ح ۴۷۹۳، ص ۳۷۵

۲. ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۸۵

مدیر و سرپرست اداره ضمن اینکه خود را ملزم به رعایت نظم می‌کند، باید نظارت بیشتری در امور داشته باشد و در فضایی آکنده از دوستی و محبت، درس نظم و انضباط را به همکاران زیردست خویش منتقل کند. یکی از همکاران شهید رجایی می‌گوید:

گاهی اوقات براساس تکلیف سنگینی که مشترکا در مورد اداره مدرسه داشتیم و من در پاره‌ای موارد نسبت به سهم خویش غفلت می‌کردم و به موقع انجام نمی‌دادم، ایشان نمی‌پسندید و بنده را مورد ملامت دوستانه قرار می‌داد. روزی به همین مناسبت، یک دفترچه و مداد کوچکی را در جیبم گذاشت و گفت: فلانی! هرکاری را که باید انجام دهی، زمانش را مشخص نما و به موقع آن را انجام بده که فرصت از دست نرود؛ چون کارهای انجام‌شدنی زیاد است و عمر انسان بسیار کوتاه.^۱

۷. ارتقای سطح علمی و آگاهی

از اهداف اساسی تشکیل سازمان‌ها و محیط‌های اداری، خدمت‌رسانی مطلوب به مردم است. رسیدن به این هدف به عملکرد مطلوب کارمندان و کارکنان سازمان بستگی دارد. از سوی دیگر، بخش بسیار زیادی از عملکرد مطلوب کارکنان نیز به میزان آگاهی، تجربه و تخصص آنها بستگی دارد. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

عمل پاکیزه هرگز بدون علم صحیح حاصل نمی‌شود.^۲

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

امور با تجربه پیش می‌روند و کارها با آگاهی و مهارت.^۳

۱. رمز جاودانگی، ص ۱۰۱

۲. ترجمه غررالحکم (گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام)، ص ۱۰۵۰

۳. همان، ج ۱، ص ۳۴ و ج ۲، ص ۱۰۵۸

مسلم است هر اندازه کارکنان نسبت به امور محوله آگاه‌تر باشند، سطح کارایی آنان نیز افزایش خواهد یافت.

بنابراین، از وظایف دیگر مدیران و سرپرستان، کوشش برای ارتقای سطح علمی و تجربی افراد تحت سرپرستی است. باید گفت وظیفه آموزش کارکنان، بر عهده سازمان و نهادهای آموزشی خواهد بود، ولی مدیران محترم می‌توانند مستقیم و غیرمستقیم زمینه‌هایی فراهم آورند تا افراد تحت‌سرپرستی خود از دانش و تجربیات شخص مدیر و افراد صاحب‌نظر در سازمان و غیر سازمان بهره‌مند شوند.

چکیده:

الگو بودن ، تقسیم کار مناسب، انتقاد پذیری، پرهیز از تبعیض، تغافل و ایجاد نظم از وظایف کارمندان نسبت به زیردستان می باشد .

سؤالات تشریحی :

۱. وظایف کارمند نسبت به زیردست خود را بنویسید .
۲. الگو بودن را همراه با ذکر حدیثی توضیح دهید .
۳. امام علی (ع) در خصوص اهمیت تقسیم کار به فرزندش امام حسن (ع) چه می فرماید ؟
۴. تغافل به چه معناست ؟

سؤالات تستی :

۱. به معنای چشم پوشی از بدیهاست .
الف : تغافل ب : ایجاد نظم ج : پرهیز از تبعیض د : هیچکدام
۲. حضرت علی (ع) : عمل پاکیزه بدون حاصل نمی شود .
الف : علم صحیح ب : تلاش ج : تغافل د : پرهیز از تبعیض

درس سیزدهم

۱. وظایف کارمند در مقابل مردم

۲. وظایف کارمند در مقابل خود

سؤالات اساسی درس :

۱. وظایف کارمند در مقابل مردم چه می باشد ؟

۲. وظایف کارمند در مقابل خودش چه می باشد؟

وظایف کارمندان در مقابل مردم

کارمندان و کارگزاران نظام اسلامی از هر رده و مقامی که باشند، نسبت به مردم و مراجعه کنندگان وظایفی دارند که به بیان مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۱. برخورد کریمانه

در اسلام، مقام و مسئولیت کارمندی و کارگزاری، وسیله‌ای برای خدمت‌رسانی به مردم است و بالا رفتن مقام و منزلت نیز، میدانی گسترده‌تر برای خدمت‌گزاری بهتر به هم‌نوعان فراهم می‌کند. اگر کارمندان با این نگاه به جایگاه خود بنگرند، برخورد کریمانه با ارباب رجوع را از وظایف اساسی خود به شمار خواهند آورد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «احترام مؤمن بیشتر از کعبه است».^۱

۱. علی بن الحسین بن بابویه قمی، خصال، برگردان: سید احمد فهری، انتشارات علمیه اسلامیة، ص

بنابراین، باید به گونه‌ای با مراجعه کنندگان به سازمان‌ها و ادارات روبه‌رو شوند که در نگاه، رفتار و برخورد آنها افتخار خدمت‌گذاری را احساس کنند. هر اندازه نگاه آنان مهربان‌تر، رفتارها و برخوردها عادلانه‌تر باشد، خدمت‌گذاری کامل‌تر و ارزش کار بیشتر خواهد شد. تا چنین احساسی وجود داشته باشد، کارمندان و کارگزاران نظام اداری با مردم رفتار مالکانه و فرمان فرمایانه نخواهند داشت، بلکه آنان را ولی‌نعمت خود و جایگاه و موقعیت خود را نعمتی از سوی خدا می‌دانند که خداوند آن را برای رفع نیازمندی‌های مردم و خدمت به آنها قرار داده است، می‌شمارند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

خدا را بندگانی است که برای سود رساندن به دیگران نعمت‌های خاصی به آنان بخشیده، تا آنگاه که دست بخشنده دارند، نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمت را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد.^۱

۲. فروتنی

از وظایف دیگر کارمند و کارگزار نظام اسلامی، پرهیز از برتری‌جویی و به کارگیری خوی پسندیده فروتنی است؛ زیرا کارمند و کارگزار مسلمان در پرتو فروتنی و پرهیز از خود پسندی موفق می‌شود در قلب مردم نفوذ کند و طعم مهربانی را به مردم بچشاند.

حضرت علی علیه السلام در نامه‌های خود بارها کارگزاران را به فروتنی فرا خوانده است. از جمله، در نامه‌ای به مالک اشتر رحمه الله او را به داشتن این صفت اخلاقی پسندیده فرا خوانده است:

پر و بالت را برای مردم بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش.^۲

۱. ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۴۲۵، ص ۷۳۳

۲. ترجمه نهج البلاغه، نامه ۴۶، ص ۵۵۹

از این رو، هر اندازه فروتنی برای یک کارمند یا کارگزار مسلمان شایسته است، به همان اندازه دوری از کبر و غرور بی‌جا برای او لازم خواهد بود؛ چون به فرموده امام علی علیه السلام در پایان نتیجه‌ای به جز ذلت در پی نخواهد داشت. «تکبر کردن به هنگام مسئولیت، خواری به هنگام عزل است»^۱.

۳. گره‌گشایی

از اهداف کارمند و کارگزار مسلمان در نظام اسلامی، گره‌گشایی از کار مردم است. این مطلب را به آسانی می‌توان از پاسخ نامه امام صادق علیه السلام به عبدالله نجاشی دریافت. هنگامی که عبدالله از سوی خلیفه به استانداری اهواز منصوب شده بود، از امام می‌خواهد دستورالعملی حکومتی برایش بنویسد. امام علیه السلام در بخشی از نامه می‌فرماید:

بعد از خواندن نامه‌ات دانستم که به استانداری اهواز منصوب شده‌ای، این خبر هم مرا خوشحال گردانید و هم غمگین... خوشحالی‌ام از این بابت بود که گفتیم شاید خداوند به وسیله تو مظلوم خائفی از دوستان آل محمد صلی الله علیه و آله را نجات دهد و خوارشده‌ای از آنان را عزت دهد، برهنه‌ای از آنان را بپوشاند و ضعف آنان را تقویت نماید و آتش مخالفشان را خاموش نماید و اما آنچه که از این خبر مرا ناراحت ساخت این است که کمترین خوف من درباره تو این است که حال و رفتار را نسبت به یکی از دوستان ما تغییر دهی و در اثر آن بوی بهشت به مشامت نرسد.^۲

در این نامه ارزشمند، امام صادق علیه السلام کارگزاری و پذیرش مسئولیت اداری را فرصتی مناسب می‌داند که بتواند از موقعیت خویش برای گره‌گشایی از

۱. شرح غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، حدیث ۱۰۰۰، ص ۲۴۸

۲. بحارالانوار، ص ۳۶۱

کار مردم بهره گیرد، نه اینکه مقام و مسئولیت سبب شود که او از خدمت‌گزاری به مردم غافل بماند.

۴. مدارا

بنا به فرموده امام علی علیه السلام: «مدارا کردن از ستوده‌ترین خصلت‌هاست»^۱ همینطور آن حضرت مدارا کردن را میوه عقل و خرد می‌داند و می‌فرماید: «میوه عقل و خرد، مدارا کردن با مردم است»^۲ اگرچه بر همه مردم است که با همدیگر در امور و مشکلاتی که پیش می‌آید مدارا داشته باشند، ولی لازم است کارمندان محترم این ویژگی ستوده را بیشتر مراعات کنند؛ زیرا گاهی در محیط‌های اداری ممکن است اجرای دقیق دستورالعمل‌ها و مقررات اداری از سوی کارمندان و کارگزاران وظیفه‌شناس برای عده‌ای ناآگاه یا کسانی که به ضوابط پای‌بند نیستند یا به هر دلیلی حقی برای خود قائل هستند ناخوشایند باشد. حتی ممکن است با واکنش‌های ناشایست از جمله، اهانت، تهدید، پرخاشگری و... کار خود را پیش ببرند. در این موقعیت، شایسته نیست کارمند مسلمان با او مقابله به مثل کند، بلکه بهتر است سیاست مدارا را در پیش بگیرد. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: اساس اداره امور (مدیریت) به کارگیری مدارا است.^۳

درباره شهید رجایی می‌نویسند: «او در اجرای دستورالعمل‌ها بسیار جدی بود. زمانی که بخشی از فعالیت‌های مدیریتی، از جمله ثبت نام دانش‌آموزان به ایشان واگذار شده بود، در برابر توصیه‌ها و تقاضاهای مغایر با مصوبه‌های عمومی

۱. شرح و ترجمه غررالحکم و دررالکلم آمدی، ص ۳۵۹

۲. همان

۳. همان

مدرسه قاطعانه می‌ایستاد و به ضدارزش‌های رایج و پارتی‌بازی تن نمی‌داد. یکی از همکاران او می‌گوید:

در یکی از آن سال‌های فراموش نشدنی، مرد بزرگی که در خدمت به مردم منطقه، اشتها داشت و برای خود، در این‌گونه موارد حقّی قائل بود، با خواهش یکی از دانش‌آموزان مردودی که با وی نسبت فامیلی داشت، به مدرسه کمال آمد تا با وساطت خویش، نام آن دانش‌آموز را بنویسد. چون ثبت نام این قبیل دانش‌آموزان خلاف تصمیمات مدرسه بود، هرچه اصرار کرد، آقای رجایی نپذیرفت. وقتی اصرار او چند روز پی در پی ادامه یافت و جواب مثبت نگرفت، بر او گران آمد و در آخرین روز، به قصد تحصن تا شب در مدرسه ماند. آخرین لحظه که ما از مدرسه خارج می‌شدیم، آقای رجایی سرایدار را احضار کرد و گفت: این بزرگوار امشب تا هر وقت که مایل باشند، مهمان مدرسه هستند، به خواب و خوراکشان برسید که حرمت ایشان حفظ شود. بعد از رفتن ما، آن شخص محترم تا پاسی از شب در مدرسه ماند، ولی وقتی نتیجه‌ای نگرفت، با اصرار دو خانواده خود و دانش‌آموزان مردودی ناگزیر شد تحصن خود را بشکند و از خیر ثبت نام در مدرسه کمال بگذرد.^۱

البته نباید فراموش کرد که از طریق مدارا می‌توان از دوستی و برادریشان برخوردار شد و کینه‌ها و کدورت‌ها را به فراموشی سپرد. چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «با مردم مدارا کن تا از برادریشان بهره‌مند و با گشاده‌رویی دیدارشان کن تا کینه‌هایشان بمیرد.»^۲

۱. رمز جاودانگی، صص ۹۹ تا ۱۰۰

۲. شرح و ترجمه فارسی غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۵۹

وظایف کارمندان نسبت به خود

مراقبت و محاسبه نفس از ویژگی‌های پسندیده‌ای است که بارها پیشوایان معصوم قدس سرهما کارمندان و کارگزاران را به آن فراخوانده‌اند. چنانکه امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از کارگزاران می‌نویسند: «نفس خود را در حالی که امیدوار به پاداش الهی بوده و از کیفر او هراسناکی، به انجام آنچه خداوند بر تو واجب گردانیده است وادار ساز.»^۱ همچنین آن حضرت مالک اشتر را به خلوت با خود سفارش می‌کند و می‌فرماید:

نیک‌ترین وقت‌ها و بهترین ساعت‌های شب و روز را به خود و خدای خود برگزین.^۲

از همین رو، بر کارمند مسلمان است که پس از فراغت از امور مردم یا پیش از آن، ساعت‌هایی را به خود اختصاص دهد. بهتر است نخست، نفس خویش را محاسبه کند و انجام واجبات الهی را از او بخواهد. سپس از تمامی کردارها و حالات خود بپرسد. و از اندیشه‌ها و صفات نفسانی و اخلاقی درونی خویش بپرسد و بکوشد در محاسبه نفس سخت‌گیر و بی‌گذشت باشد. در این زمینه حکایتی زیبا از ایاز، پسر ترک فقیری که به دلیل فراست، هوش، جنگ‌جویی و جمال نیک جزو مقربان درگاه سلطان محمود قرار گرفت شنیدنی است. گویند: وقتی ایاز به درگاه سلطان راه یافت، برای اینکه ارتباط خود را با گذشته و اصل خویش قطع نکند، اتاقی در قصر برای خود برگزید و پوستین و چارکش را در آن آویخت. او هر روز مخفیانه در ساعت‌هایی مناسب به آن اتاق می‌رفت. مخالفان ایاز که نسبت به این رفتار او ظنین شده بودند، به او تهمت دزدی از

۱. ترجمه نهج البلاغه، نامه ۵۹، ص ۵۹۷

۲. همان، نامه ۵۳، ص ۵۸۵

گنجینه سلطان زده و مخفیانه به اتاق او رفتند، ولی به جز پوستین و چارقی چیزی نیافتند.

او هر روز به آن اتاق می‌رفت و با خود می‌گفت: «ایاز نگاه کن به چارق و پوستینت تقرب سلطان تو را مغرور نسازد و گذشته‌ات را فراموش نکنی». مولوی این حکایت را چنین به نظم کشیده است:

چارقت نطفه است و خونت پوستین باقی ای خواجه عطای اوست این
بهر آن دادست تا جویی دگر تو مگو که نیستش جز این قدر
زان نماید چند سیب آن باغبان تا بدانی نخل و دخل بوستان
کف گندم زان دهد خریار را تا بداند گندم انبار را^۱

بنابراین، شایسته است کارمند مسلمان اگر بر مسندی تکیه زده است، آن را تمام عطایای خداوند نداند، بلکه باید بکوشد با مراقبت از نفس خود از آن عطا وسیله‌ای سازد برای عطایای بیشتر.

۱. مثنوی معنوی، ص ۸۵۵

چکیده:

برخورد کریمانه ، فروتنی ، گره گشایی و مدارا از وظایف کارمندان در مقابل مردم می باشد .
مراقبت و محاسبه از وظایف کارمند نسبت به خود می باشد .

سؤالات تشریحی :

۱. وظایف کارمندان را در مقابل مردم بنویسید .
۲. امام صادق (ع) در خصوص احترام مومن چه می فرماید ؟
۳. طبق فرمایش حضرت علی (ع) ستوده ترین خصلتها چه می باشد ؟
۴. وظیفه کارمند نسبت به خود چه می باشد ؟

سؤالات تستی :

۱. حضرت علی (ع) : میوه عقل می باشد .
الف : مدارا ب : علم ج : تواضع د : الف و ب صحیح است
۲. حضرت علی (ع) : اساس اداره امور (مدیریت) می باشد .
الف : داشتن علم کافی ب : تعهد ج : مدارا د : نظم

فهرست منابع و مآخذ :

۱. لسان العرب، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (ابن منظور)، ادب الحوزه، ج ۱۱
۲. فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، سید محمد حسینی تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲، ج ۱
۳. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی بیروت، الوفا، ۱۴۰۳ هـ . ق
۴. پنندهای امام صادق برای رهجویان صادق ، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، انتشارات امام خمینی (ره) ، ۱۳۸۲
۵. نظم و انضباط ، مرکز پژوهشهای صدا و سیما ، بوستان کتاب قم ، ۱۳۸۲
۶. کاوشی نو در اخلاق اسلامی ، آیت الله حسین مظاهری ، موسسه نشر و تحقیقات ذکر ، ۱۳۸۲
۷. آیه‌های زندگی ۱ حسین اسکندری ، سروش، چ ۱، ۱۳۸۱
۸. نهج الفصاحه (رهنمای انسانیت)، مرتضی فرید تنکابنی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳، چ ۱۲
۹. داستان راستان، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا، جلد ۱ و ۲، چاپ ۲۸، خرداد ۷۸

بتام خدا

سخنی با خوانندگان گرامی کتاب:

با عرض سلام و تشکر از شما، به استحضار می‌رساند این کتاب، آموزشی است و با عنایت به نیاز مخاطبان در دستگاه‌های دولتی سراسر کشور، به صورت متناوب، تجدید چاپ می‌شود. به منظور رفع اشکالات احتمالی و تطبیق هر چه بیشتر آن با نیاز مخاطبان، قبول زحمت فرموده با تکمیل و ارسال فرم زیر، ما را در نزدیک شدن هر چه بیشتر به نیاز واقعی مخاطبان، یاری فرمایید
با تشکر - دکتر داود میرزایی مقدم

مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه‌ی آموزش مالی سازمان تالیفات اسلامی

استان: _____ شهرستان: _____ نام ارگان خدمت: _____
سن: _____ تحصیلات: _____

۱. به نظر شما تألیف این مجموعه، مورد نیاز مخاطبان بوده است؟ بله ☐ خیر ☐
۲. از انتخاب موضوعات مندرج در کتاب راضی هستید؟ بله ☐ خیر ☐
۳. به نظر شما شیوه‌ی ارائه و دسته‌بندی موضوعات، مناسب است؟ بله ☐ خیر ☐
۴. مطالب کتاب برای پاسخ‌گویی به نیاز مخاطبان، کافی است؟ بله ☐ خیر ☐
۵. نظر تان درباره‌ی قسمت‌های مختلف کتاب که در زیر آورده شده چیست؟

- نحوه‌ی نگارش: عالی ☐ خوب ☐ متوسط ☐ ضعیف ☐
ویرایش جدید: عالی ☐ خوب ☐ متوسط ☐ ضعیف ☐
طرح روی جلد: عالی ☐ خوب ☐ متوسط ☐ ضعیف ☐
صفحه‌آرایی و قطع: عالی ☐ خوب ☐ متوسط ☐ ضعیف ☐
۶. حجم مطالب کتاب چگونه است؟ کافی و مناسب ☐ کم ☐ زیاد و خسته‌کننده ☐
۷. جای چه موضوعات و مطالبی در کتاب خالی است؟

۸. پیشنهاد شما برای بهتر شدن کتاب چیست؟

خواهشمند است پس از تکمیل، فرم زیر را از کتاب جدا کرده و به یکی از روش‌های زیر ارسال فرمایید:

۱. پست به آدرس: تهران، تقاطع خیابان زرتشت غربی و ولی‌عصر (عج)، پلاک ۲، طبقه ۵، دفتر آموزش مالی
۲. ایمیل به آدرس: devudm1351@yahoo.com
۳. خورتویس به شماره‌ی: ۰۲۱-۸۸۹۱۶۲۲۱

«با تجدید احترام و تشکر مجدد»



دانشگاه جامع علمی کاربردی فارس با همکاری مرکز آموزش علمی کاربردی نی ریز

سوالات مسابقه کتابخوانی (اخلاق فردی اجتماعی و اداری) دی ماه ۹۷

- ۱- طبق سوره مبارکه طلاق هر کس تقوای الهی پیشه کند
- الف- خداوند راه نجات برایش پیدا می کند ب- از جایی که گمان ندارد روزی می رساند
- ج- خداوند کفایت امرش را می کند د- الف و ب صحیح است
- ۲- طبق فرمایش حضرت علی (ع) زینت و زیبایی انسان در چیست ؟
- الف- لباس نیکو ب- مال اموال زیاد
- ج- راستی و درستی د- هیچکدام
- ۳- کدام گزینه از پیش فرضهای خودشناسی محسوب نمی شود ؟
- الف- شناخت خداوند منجر به شناخت خود می شود . ب- خودشناسی نسبت به سایر شناختها رجحان دارد
- ج- خود، شناختنی است .
- ۴- طرفداران کدام مکتب به دو گروه الهی و الحادی تقسیم شده اند :
- الف- اومانیسم ب- پوزیتویسم ج- اگزیستانسیالیسم
- ۵- کدام عبارت زیر درباره انسان در قرآن کریم نیامده است ؟
- الف- موجودی حریص و بی طاقت است ب- اهل قناعت و صرفه جویی است ج- بخیل و اهل جدل است
- ۶- کدام گزینه ذیل ، مهمترین نقش را در شکل گیری اخلاق آدمی داراست ؟
- الف - وراثت ب - آموزش و تربیت ج - اراده
- ۷- کدام گزینه صحیح نمی باشد ؟
- الف - اخلاق، تعدیل کننده خواسته های انسان است . ب - اخلاق حافظ ایمان است . ج - اخلاق و قوانین و مقررات اجتماعی فاقد ارتباط می باشند .
- ۸- براساس تجربیات تاریخی کدامیک از گزینه های ذیل در تعالی ملتها نقش اساسی تری ایفاء نموده است .
- الف - عقاید و احکام ب - فضائل اخلاقی ج - قوانین و مقررات
- ۹- این حدیث از کدام معصوم است ؟ "مومن آئینه مومن است"
- الف - پیامبر اسلام (ص) ب - حضرت علی (ع) ج - امام حسن (ع) د - امام رضا (ع)

۱۰-..... یعنی بدخواهی برای دیگران

الف- غیبت ب- تهمت ج- حسادت د- غبطه

۱۱-..... به معنای چشم پوشی از بدیهاست

الف- تغافل ب- ایجاد نظم ج- پرهیز از تبعیض د- هیچکدام

۱۲- حضرت علی (ع) عمل پاکیزه بدون حاصل نمی شود.

الف- علم صحیح ب- تلاش ج- تغافل د- پرهیز از تبعیض

۱۳- حضرت علی (ع) : میوه عقل می باشد

الف- مدارا ب- علم ج- تواضع د- الف و ب

۱۴- حضرت علی (ع) اساس اداره امور (مدیرت)..... می باشد .

الف- داشتن علم کافی ب- تعهد ج- مدارا د- نظم

۱۵- این روایت از کدام معصوم است : "زینه الشریف ،التواضع"

الف- پیامبر اکرم (ص) ب- امام علی (ع) ج- امام رضا (ع)

۱۶- این آیه قرآنی با کدام گزینه ذیل تناسب دارد:

" قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم"

الف- صدق و راستی ب- وفای به عهد ج- حیا و عفت

۱۷- این جمله از کیست : "حسد ، زندان روح است"

الف- پیامبر اکرم (ص) ب- امام علی (ع) ج- امام صادق (ع)

۱۸- غیبت در قرآن کریم به چه چیزی تشبیه شده است ؟

الف- خورده شدن هیزم توسط آتش

ب- خوردن گوشت برادر مرده

ج- سی و شش زنا

۱۹- حضرت علی (ع) : عملی معادل نیست.

الف- نیکی کردن به مردم ب- کار ج- نماز د- روزه

الف - صدقه ب - نماز ج - نیکی کردن به مردم د - هرسه مورد

۲۱- حضرت علی (ع): بهبود وضعیت مردم در است .

۲۲- حضرت علی (ع) : برتر از یک سال نماز و روزه مستحب است .

۲۳- حضرت علی (ع) :..... برترین اعمال مردم است .

۲۴- کدام یک از موارد زیر از آثار عفو و گذشت می باشد؟

۲۵- امام محمد باقر (ع): از دوستی با دروغگو پرهیز چرا که.....

۲۶- طبق فرمایش پیامبرگرامی اسلام(ص) یک دوست خوب چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

نحوه ارسال پاسخ :

ارسال پیامک به صورت عدد ۲۶ رقمی از چپ به راست نام و نام خانوادگی

نام دانشگاه

شماره پیامک (۵۰۰۰۲۲۲۹۴۲۰)